



خدا آفرین

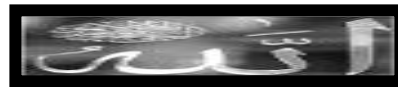
تورکجه-فارسی

فرہنگی ، اجتماعی ، علمی

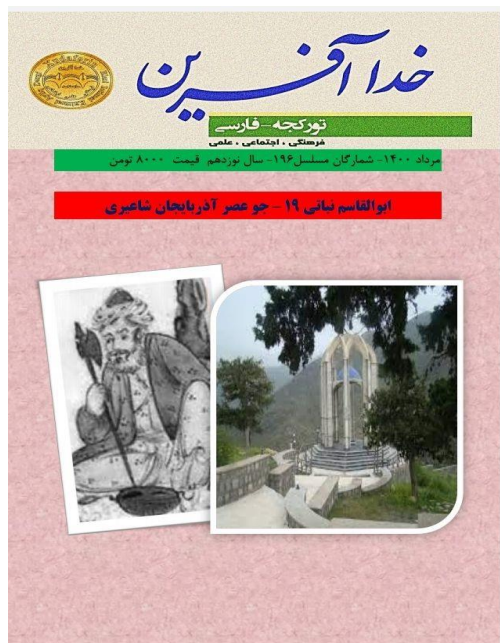
مرداد ۱۴۰۰ - شمارگان مسلسل ۱۹۶ - سال نوزدھم قیمت ۸۰۰۰ تومن

ابوالقاسم نباتی ۱۹ - جو عصر آذربایجان شاعیری





خداآفرین 196 Xudafərin



شماره مسلسل ۱۹۶ - مرداد ماه - سال ۱۴۰۰ - ۸۴ صفحه

مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

خبرنگاران: فرید ستاری قر

تانای شرقی دره جک

زمینه مجله:

فرهنگی، مسایل اجتماعی، معلومات عمومی، طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی، تحلیلی، خبری، اطلاع رسانی، پژوهشی

گستره توزیع: آذربایجانهای شرقی غربی، اردبیل، تهران

آدرس چاپخانه: تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/۳

نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶ / فاکس: ۰۶۶۴۶۰۸۹۵

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت **word** به ایمیل یا آدرس ماهنامه به

زبانهای ترکی و فارسی جهت معرفی آثار دو نسخه همراه با

توضیح مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه: شش ماه ۱۵۰۰۰ و یکساله

۲۵۰۰۰ هزار تومان به شماره کارت بانک تجارت

۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶ به نام حسین شرقی دره جک

واریز نمایید.

KHUDAFARIN

Cultural and social monthly magazin managing Director

concessioner and chief Editor: Dr. HÜSEYİN

ŞARQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)

XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi, İctimai, mədəni Dərgi

Təsisçi və Baş Redaktor: Dr. HÜSEYİN

ŞƏRQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)

say 196 temmuz-Ağustos 2021, Tehran

tiraj: 2000

ایچینه کیلر:

۲- ابوالقاسم نباتی کیم دیر

۳- قبور منسوب به یونس امره

۸- اینسانلارین دیل ساواشی نه دیر؟

۱۰- دیوان آشیق علی کلیرلی

۳۷- عرب خیلافتی خزر خاقانلیغی مناسیبتلری

۴۵- نمونه کلمات ترکی در عربی

۵۰- آذربایجانین پارلایان اولدوزلار

۵۹- موقعیت زبان ترکی در دوره قاجار از زبان سیاح اتریشی

۶۱- ایراندا مین ایلیک تورک حاکیمیتی

۶۵- قدیم تورکلرین تانریلار و دنیا مدلی باره ده تصویرلری

۶۹- آذربایجاندا یئر آدلارینین ایضاحی

۷۴- شعریمیز - سوزوموز

۸۱- شاهکار زبان ترکی

۸۲- کاربرد زبان ترکی در ایران

Telegram: @xudafarindergisi

khudafarin@yahoo.com

khudafarin.ir

ابوالقاسیم نباتی کیم دیر

ƏBULQASİM NƏBATİ

ابولقاسیم نباتی نین توربه سی قاراداغین خدافرین بؤلگه
یسینین اوستیبین کندینده ده دیر

یارادیجیلیگی

نباتی " مجنون " ، " مجنونشاه " ، " خانچوبانی " تخلوصلری ایله یازمیشدیر. او، هم کلاسیک شرق، هم ده آشیق شعرى طرزینده اوریزینال اثرلر یاراتمیشدیر. یارادیجیلیغیندا قوشما، تجنیس، گرایلی، قزل، چاربا، بحر-طویل کیمی ژانرلارا یئر وئرمیشدیر. ۴۰۰ بیته یاخین شعیری ایلک دفعه ۱۸۴۵-جی ایلهده تبریزده چاپ اولونموشدور. بوندان بیر نچه ایل سونرا ۷۵۰۰ میصراعدان عبارت " نباتی " دیوانی ایشیق اوزو گؤرموشدور. آنجاق نباتی نین هئجا وزنینده، خالق شعرى اوسلوبوندا یازدیگی قوشمالارین، گرایلیلارین چوخو بو دیوانا داخل ائدیلمه میشدیر. بو اثرلر ایسه نباتی یارادیجیلیگی نین ان گؤزل اؤرنکلریندندیر. خالق پوئزییاسی روحوندا یازدیگی بعضی شعرلرینده نباتی " خانچوبانی " تخلوصوندن ده ایستیفاده ائدیپ، احتماللاراً گؤره، ۱۸-جی عصرده " خانچوبانلی " آدلی بیر شاعیر ده یاشامیش و اونون آدیلا باغلی " خانچوبانی " داستانلی یارانمیشدیر. نباتی نین حیاتی بو داستانلا سسلشیر. اودور کی، عادتین خانچوبانینا آید ائدیلم و بیر ماهنی کیمی ده خالق آراسیندا چوخ مشهور اولان " آپاردی سئلر سارانی " شعرى نین ده مؤلفی نباتی ساییلیر.

نباتی قوشمالاری نین اساس مؤوضوعو محبتدیر. لیریکا اونون شعرلری نین هامیسی اوچون سعجیوییدیر. نباتی آیدین جیناس قافیه لردن عبارت تجنیسلر ده یازمیشدیر: " گؤزلر نه گؤزلر " ، " او اوز بو اوزه " و س. نباتی قوشمالاری اؤز لاکونیکلیگی ایله سئچیلیر.

شاعیر کئچیردیگی معنوی بؤهرانلاری " لنگم " ، " ندر " ردیفلی غزللرینده تصویر ائتمیشدیر. اونون محبت مؤوضوعو غزللری ده وار...

SORUMLU MÜDÜR: Dr. HÜSEYN ŞƏRQİDƏRƏCƏK SOYTÜRK
مدیر مسئول : دکتر حسین شرقی دره جک سوی تورک

ابولقاسیم نباتی (۱۸۱۲، آذربایجانین قاراداغ بولگه سینین اوستوبین کندینده دوغولموش و ۱۸۷۳-ج میلادی ده اوستوبین کندینده دونیادان کوچموشدور) ۱۹-عصر آذربایجان ادبیاتی نین نواینده سیدیر.



یاشامی

ابوالقاسیم نباتی جنوبی آذربایجانین قاراداغ ویلایتی نین دیزمار ماحالی نین اوستیبین قصبه سینده سایقین عایله سینده آنادان اولموشدور. اونون اصلی قدیم دؤورلردن بری آذربایجاندا گئیش یایلمیش نباتیلر طایفالارینداندیر. آتاسی میر یحیی محترم اوستیبینده و یاخین کندلرده درویشلیک ائدیر، و دینی عقیده لری یاییردی. نباتی ایلک تحصیلینی آتاسیندان آلمیش، کلاسیک پوئزیانی، خصوصیه کلاسیک یارادیجیلیغینی و شرق تصوف ایدئیلارینی دریندن اؤیرنمیشدیر. یئنیهئتمه چاغلاریندان آتاسینا قوشولوب قلندرلیک ائدن نباتی آذربایجانین چوخ یئرلرینی پیدا گزیب دولاشمیشدیر. شعرلرینده کی بیوقرافیک ایشاره لردن معلوم اولور کی، او، قاراجاداغدان باشقا قاراباغدا-عسگراندا، آغدامدا، موغاندا، سالیاندا، لنکراندا، تبریزده، خراساندا اولموش، بو یئرلرین ادبی-مدنی حیاتی ایله ماراقلانمیشدیر.

نباتی ۱۸۷۳-جو ایلهده اوستیبینده وفات ائتمیش و اورادا کند قبرستانلیغیندا دفن ائدیلمیشدیر.

قبور (زیارتگاه‌های) منتسب به یونس امره...

مولف: دکتر و دانشیار ادبیات فریده هجران ولی اوا

ترجمه: دکتر حسین شرقی دره جک سوی تورک



واژه های کلیدی: شعر ، مقبره ، عرفان ، گاخ ، اندیشه ، طبیعت ، ساراکوی.

خلاصه

در این مقاله نکات بحث برانگیز در مورد مقبره یونس امره نابغه قرن سیزدهم میلادی، یکی از پیشگامان ارزشمند ادبیات ترکی است مورد تحقیق قرار گرفته است. او یک انسان کامل با روح بلند میباشد. که در در قلب شیفته گانش با روح مقدس خود جاودانه شده است. این مقاله به موضوع تعدد مزار یونس امره میپردازد که چرا افرادی که به عالم درون و معجزات شیخ یونس اعتقاد دارند مقبره او را به دلیل عشق بی پایانی که به شاعر دارند ، به عنوان قبر قبول می کنند. علاوه بر نظرات برخی از محققان ، محل ، تاریخ و تعداد این زیارتگاهها مورد بحث قرار گرفته است.

یونس امره شاعری است با فضیلت که همیشه در آثار خود به ارزشهای اسلامی ، صبر ، سخاوت ، کرامت و سایر ارزشهای معنوی توجه دارد و آنها را از ویژگیهای انسان بودن می‌شمارد. به خوانندگان آثارش ماهیت و مزیت معنویات را القا می کند غایه و هدف این مقاله نیز عبارت است از. اینکه چرا پیروان یونس در جای جای ترکیه زیاتگهای به نام او ساختند و به حرمتش به اسعه ادب کردند. او هیچ وقت استاد خودش یعنی

تاپدیق امره را ترک نکرده است ، در بسیاری از حکایات در مورد ایجاد زیارتگاههای مختلف برای آنها ذکر شده است. در این مقاله همچنین در مورد ستون وحدت ملی ترکها ، موقعیت یونس امره بنیانگذار شعر ترکی در آذربایجان ، سفر یونس امره و تاپدیق بابا به منطقه گاخ (استان خوش آب و هوا در جمهوری آذربایجان . مترجم) با احترام خاص به روح مقدسش بحث و بررسی شده است. جشن سالگرد این شاعر توسط سازمان یونسکو گواهی است بر ارزشمندی سرودهای اوست و الاخر. به موضوعات نیز به طور مختصر پرداخته شده است.

مقدمه

آرامگاه یونس امره شاعر صوفی قرن ۱۳ میلادی کجاست؟ سخن سرایی جاودانه قرن سیزده میلادی که پایه و اساس ادبیات جهان ترک بر اندیشه همیشه ماندگار ایشان استوار است . جای او همواره در قلوب مریدانش میباشد. اما همگان همواره با این پرسش مواجه هستند که قبر اصلی او کجاست؟

من به عنوان یک محقق ادبیات ترکی قرون ۱۳-۱۵ ، اولین پاسخ را به شرح زیر می دهم: یونس امره در قلب است...

نباید فراموش کرد که داستانها ، روایتها و افسانه های زیادی در مورد سبک زندگی و محیط و مکان او وجود دارد ، با اینه او یک شاعر صوفی است اما به همان اندازه یک حکیم محبوب ملت است و به طور کلی در یک نگاه یکپارچگی آفریده های هنری او مضمون کلاسیک و فولکلوریک دارد. محل قرارگیری آرامگاه فراموش نشدنی یونس امره همیشه مورد بحث محققان بوده است.

بسیاری از مقبره ها و مزارهای او هنوز از طرف صدها دوست دارش ساخته به یادگار مانده است. تحقیقات من نشان می دهد که یونس امره مردی خدا پرست بوده است که با خدای خود دارای یک ارتباط قلبی خاص بود. او برای انتشار عقاید عرفانی خود ابتدا در شهر زادگاه خودش سفر کرد. در اصل او یک تورکمن است. ، در سال ۱۲۳۸ میلادیدر ساریکوی نزدیک ساکاریا (کشور کنونی ترکیه)، منطقه سیوری حصارلی ترکیه متولد شد و در سال ۱۳۲۰ میلادی در سن ۸۲ سالگی در ساریکوی چشم از جهان بست و در آنجا به خاک سپرده شد. (۱،۱۳)

هنگام تحقیق در مورد مقبره های این شاعر ، با اطمینان می توانم بگویم که یکی از نمایندگان برجسته تاریخ ادبیات ترکیه ، شیخ احمد کاباکلی شیخ المحریر ، مرگ و تاریخ فوت وی را به شرح زیر بیان کرده است. مرگ یونس امره به سال ۷۲۰ هجری ، عمر وی ۸۲ " . این سابقه (۶۲۰- ۷۲۰ هجری) بیشتر به این واقعیت اشاره دارد که وی در سال ۱۲۳۸ میلادی به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۰ میلادی درگذشت است. احتمال دوم این است که این استدلال ها در ولایت نامه حاجی بکتاش ولی نیز گنجانده شده است .

عبدالباقی گولپینارلی Abdülbaki Gölpınarlı نیز بارها تکرار می کند که این اثر که توسط Uzun Firdovsi اوزون فردووسی از مردم جمع آوری گردیده و به رشته تحریر در آورده شده است. که خود بیانگر بسیاری از حقایق است. این استاد می گوید: "یونس تاپدوک به امره تعلق دارد و با حاجی بکتاش معاصر است. به عبارت دیگر در قرن های ۱۴-۱۳ میلادی زندگی می کردند در ساریکوی بزرگ شدند ، شعرهای او مشهور

است. وی در ساریکوی متولد شده و در آنجا نیز از دنیا رفت . " (۲ ، ص 21)

Abdülbaki Gölpınarlı یکی از محققان معتبر در باره این شاعر است. او در مورد مقبره ها یونس امره چنین اظهار نظری کرد: "یونس امره در بسیاری از نقاط مانند منطقه سالتوک Saltuk مقبره دارد".

۱. در شهر بورسا

محقق اثبات می کند که مقبره یونس امره در سال ۱۱۰۵ هجری (۱۶۹۴ م) در نیجه رویای شاعر صوفی مصری نیازی پیدا شده است یعنی شاعر نیازی مصری جای مزار یونس را در خواب به عیان دیده است. ای همان مقبره ای است که توسط یدکچی زاده علی در سال ۱۱۴۳ هجری (۱۷۳۱ م) ساخته شده است . سه مقبره در آنجا موجود است (۲ ، ۲۲)

همچنین گفته شده است که یکی از قبرها متعلق به عاشق یونس ، دیگری به یونس امره و دیگری به عبدالرزاق است. گولپینارلی در توضیح نادرستی این فرضیه مینویسد که وی فکر می کرده است که عبدالرزاقی که مقبره ها را بنا کرده است ، با یونس امره معاصر است. اما این باورهای صحت ندارد. بنابراین این یک مقبره قبر اصلی محسوب نمیشود، بلکه به عنوان زیارتگاه ساخته شده است یا ممکن است به یونس دیگری تعلق داشته باشد.

۲. مقبره ساخته شده در امره سلطان.

این روستا دارای ۹ قبر است ، شامل یک زن و چهار فرزند است. چاغاتای اولوچای اولین اطلاعات را در مورد وجود این قبرها ارائه داده است. هیچ کتیبه ای روی آن وجود ندارد ، یک عکس از یک تبر بر روی سنگی قرار دارد که در قسمت کناری قرار گرفته است. تصور می شود این مقبره متعلق به یونس امره باشد. مقبره نشان

وقتها از این تپه صدای توپ می آید و بعد از این صدا یک اتفاق مهم رخ می دهد. مردم آن را توپ جونا می نامیدند. در آناتولی تپه های زیادی وجود دارد که به آنها توپ یونس نیز گفته میشود. اعتقاد بر این است که این مقبره یا زیارتگاهی برای روح مقدس شاعر یا محل زندگی شخص دیگری است.

۶. صاندیقلی

در صاندیقلی نیز مقبره ای ذکر شده است که این مکان اقامتی توسط سعدالدین نیز مورد زیارت قرار گرفته است. نوشته شده است که در آنجا مراسمی برای یونس امر برگزار شده است. اما منابع باستان شناسی نشان میدهد که این زیارتگاه نیز امکان بی نام است.

۷. اونیده Ünyeda

این مقبره در اونیده با توجه به اطلاعات به دست آمده توسط حالید ، یکی از شاگردان عبدالباقی گلپینارلی که مورد تحقیق قرار گرفت. نشان میدهد تا آن زمان نام این مقبره در هیچ منبعی ذکر نشده بود ، اما وی بسیار مطمئن است که مقبره اطراف آن متعلق به یونس امره است.

۸. سیواس

یکی از مسئولان موزه مولانا اولین اطلاعات مربوط به این مقبره را در مسیر سیواس گزارش کرد و سعدالدین نصحات گفت است که او فقط به این مقبره که یک سنگ قبر است علاقه دارد و مردم اطراف به طور منظم به این زیارتگاه مشرف می شوند.

۹. کارامان

در مورد این مقبره در کارامان اختلاف نظر زیادی وجود دارد. برهان امید اطلاعات مربوط به این مزار را از مطالعه دیوان یونس امره کشف کرده

می دهد شاعر برای خدمت به شیخ اش هیزم خرده میکرده است. در گزارش چاغاتای اولوچای ، عاشیق پاشازاده معاصر یونس امره است ، کاراجا احمد در دوره ساروخان اوغلو زندگی می کرده است و امضاهای خراسانی زیادی در این باره وجود دارد و حتی در اسناد مربوط به این شجره نامه وی وجود دارد.

بیان شده است که اسنادی وجود دارد که تأیید می کند که وی از فرزندان امره سلطان است. آن که قبرش دا آن روستا است. اما نام یونس امره درست مانند سلطان امره در اسناد ذکر نشده است. این یافته نیز احتمال درست بودن یافته زیر سوال می برد. استانبول ۱۹۴۰، ۱، ۲.

۳. در ارضروم

این مقبره ، طبق روایتی از ابراهیم هاکی نویسنده "معرفت نامه" ، که در سال ۱۱۷۲ در گذشته است ، در روستای دوزچو ساخته شد. نام اوغوز در اینجا ذکر شده است و اهالی روستا بر اساس اعتقاد به اینکه یکی از نام های یونس اوغوز است ، تأیید می کنند که مقبره متعلق به وی است. بر روی دو سنگ قبر تاپدیک و یونس به تاریخ ۷۹۷ هجری قمری وجود دارد.

۴. اسپار تا

این مقبره توسط بورسالی اسماعیل حاقی ساخته شده در اطراف منطقه کئچی بورلو واقع شده است. البته ، این نیز یک مقبره همانطور که گولپینارلی Gölpınarlı اظهار داشته ، یا مقبره دیگری از یونس است یا فقط یک مکان زیارتی است.

۵. آکسارای قونیه

این مقبره که در منطقه آکسارای قونیه واقع شده است ، بر روی یک تپه ساخته شده است. طبق گفته های عامیانه ، این باور وجود دارد که دربر

است که در جلد دوم دیوان یونس امره که در استانبول از طرف انتشاراتی آکشام به چاپ رسیده است قید شده است. این اطلاعات سالهاست که خوانده می شود. سرانجام ، کمیل کبچی اوغلو مقاله ای را در مجله نیلوفر "Nilüfer" چاپ کرد که در شهر بورسا منتشر شد. این مقاله همچنین حاوی نکات بحث برانگیز زیادی بود. افسانه های زیادی در مورد این مقبره در کارامان وجود دارد. اسماعیل پسر یونس امره این زمین ها را از ابراهیم بیگ خرید و آنها را آباد کرد. با این حال ، پس از یک تحقیق طولانی ، محققان تصمیم گرفتند که این مقبره با نام یونس امره یا یک مقبره تاریخی یا مقبره ای از یونس افندی ، معروف به شیخ یونس بابا المعاریف ۱۹۸ سال پس از یونس امره زندگی میکرده است بنامند (۲۱-۲۵ ،

۱۰. گاخ (قاخ)

متأسفانه ، عالی ترین محقق یونس امره ، یعنی ع. گولپینارلی از مقبره این شاعر در شهرگاخ آذربایجان اطلاعی نداشته است ، بنابراین وی حتی نام مقبره در گاخ را در میان قبورها نیز ذکر نکرد است. زیارتگاه های شیخ یونس و حاجی تاپدیق بابا (زیارتگاه) واقع در قبرستان اوغوز در روستای گاخین اونجالی ، یکی از مناطق آذربایجان ، همچنان به عنوان بقاع متبرکه مورد بازدید قرار می گیرند. مشهدی خانم نعمت، دکتر علوم تاریخ که تحقیقات گسترده ای در مورد این مقبره ها انجام داد است ، ترجمه کتیبه عربی در هر دو مقبره را با شواهد قطعی ثبت کرده است. گورستان در وسط جنگل با قبرهای حاجی تاپدیق بابا و شیخ یونس قرار دارد. در کتیبه سنگ قبر شیخ یونس آمده است: "ما از زمین بی گناه آفریده شده ایم ، اما به عنوان گناهکار به آن

دنیا برمی گردیم. این زیارتگاه توسط میرزا بن جلابی ، سلطان بن صالح ، ابن محمد زمان ، ابن امام علی در سال ۸۲۱ هجری قمری برای گرامی داشت یاد مرحوم شیخ یونس ساخته است ، که خداوند آنها را بیامرزد (۱۴۱۸ م).

کتیبه سنگ قبر حاجی تاپدیق بابا به شرح زیر است: "الحمد لله رب العالمین ، بسم الله الرحمن الرحیم. درود و سلام بر محمد و همه خاندان او. این خانه (مدفن) در سال ۱۲۰۷ توسط شیخ میرزا بن جلابی و توسط شیخ سلمان بن صالح ساخته شده است (۴ ، ص ۶)

ظاهراً تاریخ های هر دو مقبره منعکس کننده تاریخ مرگ یونس امره یا تاپدیق بابا نیست. دانشمند عزیز مشهدی خانم نعمت در اینجا بر یک نکته بسیار جالب و ناراحت کننده تأکید می کند. در بازدید دوم خود ، محقق نتوانست کتیبه های موجود در مقبره را ببیند و شاهد بازسازی مقبره ها با سنگهایی به ارتفاع یک متر بود. خوشبختانه محقق مهرهای هر دو کتیبه را برداشت و در کتاب خود "کتیبه های ترکی-عربی-فارسی در منطقه شکی و زاکاتالا" (از شهرهای جمهوری آذربایجان) منتشر کرد.

همانطور که محقق ، مشهدی خانم نعمت اظهار داشت ، افرادی که در کتیبه ها ذکر شده اند به احتمال زیاد شاگردان تاپدیق بابا و شیخ یونس هستند. در این حالت مقبره (مزار) شیخ یونس در آذربایجان از بسیاری از مقبره های ترکیه و سایر کشورها قدیمی تر است.

اگرچه نام و نام خانوادگی در هر دو مقبره مشابه است ، اما تفاوت زیادی در تاریخ وجود دارد ، که می تواند با این واقعیت به به بگویید که این افراد با یک نام خانوادگی ادامه طرق میدادند. آنها هنگام ساختن این بقاع متبرکه ، زنده نگه داشتن

یونس امره یک شخصیت افسانه ای در جهان ترک بوده است که در حافظه و قلب ترک های عالم خاکی مسکن گزیده است. اگرچه نظرات محققان وی دائماً مورد بحث و بررسی است، اما همه مطالعات تأکید می کنند که این شاعر فردی کامل، عاشق و خداجوی بوده است. او به عنوان انسان والامقام پدید آورنده ابیات معجزه آسایی چشمگیری داشت.

حتی یکی از پژوهندگان او، احمد کبابکلی، غالباً تأکید می کند که وقتی تاپدیق را بر زبان جاری می کند، فقط خدا را معنا می کند، اما محتوای شعرهای او و وجود مقبره یونس امره در قبرستانی در ترکیه، همراه با مقبره تاپدیق، پیش از آن در گاخ، اثبات می کند که تاپدیق نیز یک فرد است که هم شاعر و هم عارف است. کنفرانس ها و مباحث علمی اختصاص داده شده به یاد شاعر به طور منظم در آذربایجان برگزار می شود و روح جاویدان یونس امره تا ابد در یادمان باقی خواهد ماند.

Müəllif: Fəridə Hicran Vəliyeva

AMEA Nizami Gəncəvi adına Ədəbiyyat
İnstitutunun aparıcı elmi işçisi, filologiya üzrə
fəlsəfə doktoru, dosent tel. +994502051154

E-mail: feridehican60@mail.ru

Referanslar:

1. Fəridə Hicran T. Valiyeva, Yunus Emre ve folklor / F.H. Valiyeva. - Bakü: Bilim ve Eğitim, 2018, - 250 s.

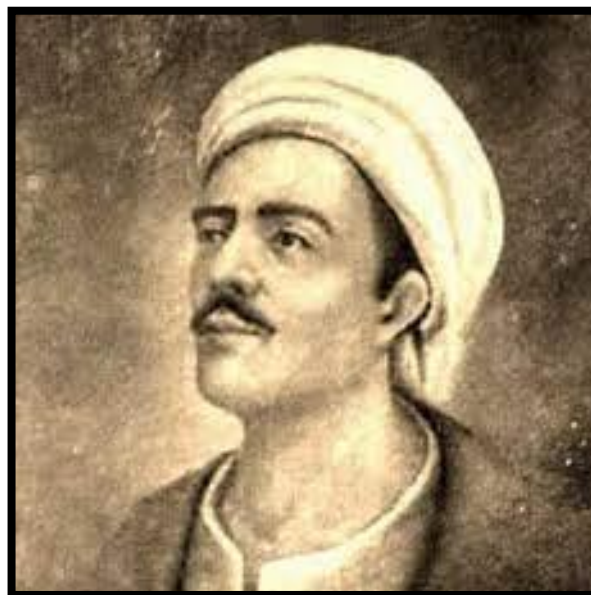
2. Yunus Emre Risaletü'n-Nuşiyve ve Divanı / Hazırlayan A. Gölpinarlı. - İstanbul: Eskişehir Turizm ve Tanıtım Dergisi, - 1965. - 310 s.

3. Yunus Emre ve Aşk Yolculuğu. Hayat ve Seçme Şiirler / Hazırlayan Mustafa Tatçı. İstanbul: H yayınları, - 2016. - 501 seh.

4. Azərbaycan Bakü'də bulunan Baba ve Yunus Emre'nin Mezarları, Maşhadi hanım Nemat "Adabiyat Gazeti" 21 Şubat 1992 s.6

5 Mengi M. Eski Türk Edebiyatı Tarihi. - Ankara: Akçağ, 1999, 265 sayfa.

6. Hacı Bektaşî Şiirleri Antolojisi (Alevi) tercümesi İsmail Özmen, Tütük Tarih Kurumu Basımevi, Ankara 1998, 61s.



یاد و خاطره استاد عظیم الشان خود و یادبود روح پاک عرفا، که تجسم اعتقادات اسلامی و عامیانه است یکی از اهداف خود میدانستند، از سوی دیگر آن را پاداشی به روح پر فتوح عرفا می دانستند.

۱۱. آرامگاه اسکی شهر

آرامگاه اسکی شهر واقع در Sarıköy ساریکوی، به عنوان آرامگاه شاعر بزرگ صوفی یونس امره است که امروزه رسماً پذیرفته می شود.

آثار کافی وجود دارد که تأیید می کند مقبره یونس امره در ساریکوی میباشد. بعد از ولایت نامه حاجی ولی بکتاشی و اثرنگاشته شده در زمان بایزید دوم بنام فاتح نامه توسط بابا یوسف سیوری حصارلی و ترجمه نفاحت توسط لامینی بورسالی و اثر شقایق نعمانیه و همچنین، یک محقق پارسی بنام یونس رنیر Yeves Renirin پانزده شعر یونس امره را به زبان فرانسوی ترجمه کرده و بسیاری منابع معتبر دیگر نشان می دهد که این شاعر در ساراکوی متولد و در آنجانب چشم از جهان گشوده و همانجا به خاک سپرده شده است.

اینسانلارین دیل ساواشی ندر؟

یازار: پل ب. گرت

چئویرن: محمودبنی آدم (دالغا)

سبب دن اونلار بو دیلده دانیشیب، قونوشولار. اما واردیر بیر سیرا اؤلکه لر کی، اوردا یوزدن چوخ دیل لر، قوملار واردیر، بو اؤلکه لر دن بیرسی هندوستان اؤلکه سیدیر. هندوستان اؤلکه سینده دؤرد یوز دیل و قوم یاشاییرلار.

دونیانین چوخلو بؤلگه لرینده، اینسانلار فرقلی دیل لرده، دانیشیب بیر - بیرلی ایله آلیش - وئیش ده دیلر. چوخلو زامانلار دوروم اونلارین ایستهدیگی کیمین دیر. البتده هردن ده بیر آرالاریندا گرگینلیک، ساواش اولور، بیر بئله موحاریبه لر او زامانلار اولور کی، بیر دیل سؤزچولری اوچون سانکی دیل سؤزچولر تهلوکه یاراتسینلار. ایستهدسینلر کی، اونلاری آزادان آپارسینلار. بیر بئله قونولار سبب اولوردولار کسگین توپلوم آیریلیقلاری، کولتور آیریلیقلاری، پولتیک آیریلیقلاری یارانسین. بونا گؤره هر زامان دیل موحاریبه سینین گؤرنده گرک سانکی قونولارین سوراقلارینا گئدیپ، اونلاری آختارماق لازیم دیر. میثال اوچون، دین عالمینین، پولتیک گوجو بئله موحاریبه لرده ایشله نن سیلاحلار اولاییلر کی، یئگین سؤیوشلردن داها اوستون اولسون. دیل دوروشمالاری ممکن دور گئنیشله نیب، قارشیشیق لیلار، موحاریبه لر و قیرغین لیلارلا دونسون.

۱۹۷۱ - جی ایلده، دیل موحاریبه سی بانگیلادش ایله پاکستان آیریلماغیندا چوخلو رول اوینادی. بو ساواش، دیل اؤزگورلوگو اوستونده اولدو. بو موحاریبه دن دوققوز آی کئچندن سونرا میلی آزادلیق یاراندی. بیر بئله ماجرا دا اوچ مین اینسان اؤز جانلارینی الدن وئردیلر، اؤلدولر. بو قیرغین دیلین اؤنملی اولماغینی گؤستهریر. ایندی، دونیانین چوخ یئرلرینده ساواشمالارین اوجاغی، گرگینلیکلرین داوامی، داغینیق لا گؤرونوکلر هامی سی دیل دن باشلانیر.

سریلانکادا، قاپلان تامیل لر(اونلارین دیلی تامیل دیر) نئچه ایل لردیر کی، اؤلکه لرینده حؤکم دار اولان سیستم ایله ساواشیرلار، چونکو او حؤکم دارلیق یانلیز «مینهایلی» دیلین وکیلی اولوب، بو دیلی قوروپور. اسپانیادا، آیریلیق ایستهدیین «اتا»لار چوخلو واختلار مجبور قالیب تروریستی ایشلرله ال آپاریرلار. اونلار ایستهدییرلر آنا دوغما



دیل اوغوروندا ساواشماق بیر تعجوبلو قونو نظره گلیر. اما بئله ساواشلار کئچرلی قونودور. ندن اینسانلار بعضی واختلار دیل لر اوچون غئیرتلی اولوب، دیل لرینی قورخودان آداملارین اوستونه سیلاح چکیرلر؟ دیل ده نه لر وار گرگینلیک تۆره میش اولوب؟ بیر بئله گرگینلیکلر هله ده نسل لر آراسیندا داوامی واردیر، بو سورولارین جوابینی تامماق اوچون، دیل ایله کیملیک آراسیندا اولان قونولاری آختارماق لازیم دیر. گئرچکله ائل کیملیگی آراسیندا اولان قونولاری.

چوخلو اینسانلار بیر دیلده دانیشیرلار. منجه بیر

دیلده دانیشیب، قونوشماق نورمال داورانیش دیر.

هابئله دوشونجه م بودور کی، دیل ایله کیملیک آراسیندا برابرلیک، سیممئتریک و اونسییت واردیر. فرانسادا، فرانساجا، ژاپوندا، ژاپنی، هابئله هر یاندا اؤز آنا دیلینده دانیشانلار چوخ دور. اما دونیادا یئتدی مین دیل واردیر. اورتا حئساب لایانلیز ایک یوز کیملیک. بونا گؤره چوخلو اینسانلار ایک یا دا اوچ دیلده قونوشورلار. اونا گؤره کی، عؤمیتله ائله توپلوملاری، اونلارین دیل لر ایله اویغونلوقلاری واردیر. دئمک اولار چوخلو میلتلر نئچه قوملاردان یارانیبلار. بو میلتلرین ایچینده دیل لر و نئچه قوملاردا واردیر.

بیر طرفدن ژاپون کیمی اؤلکه لر واردیر کی، او اؤلکه نین چوخلو آداملارینین آنا دیل لر ده ژاپونو دیل دیر، بو

كى، كانادا اۆلكەسىندە چوخلو دىلدە اولان اينسانلار ياشايرلار، كېك دىلدە دە نىچە لەجە واردىر.

بو ايشلر او اۆلكە دە چوخ قىشقىرىقلار يولا سالدى، بو سىلر اۆلكە باشچىلارنى مجبور ائەلە دى اۆز تەھودلارنى يئرنە گتيرىپ، بىر سىرا آلاھى ايشلر گۇرسونلر بلكە ھامى خالقلارنى ايستەدىكلر گىرچەكلىشىپ. اما گىنە دە چوخلو گىزلىن اودلار سونمەدى، ايكي نۆۋەدە ۱۹۸۰- جى ايلدە كېك خالقى بىر عۇمومى راي سورغوسوندا شىركت ائەلدەر كى، بلكە اۆز اۆلكەلرىنى كانادا اۆلكەسىندەن آپرسىنلار. اۆزلىرى اوچون بىر موستقىل خالق و دۆۋەتلىرى اولسون، بىر موستقىل دىلدلىرى اولسون. اما بو ايش ھىچ واختمادى.

ممكون دور بىر بئەلە موبارىزلردە، يانلىز دىل تەلوكەسى اولماسىن، اما دانىشدىغىمىز دىل بىزىم كىملىگىمىزدىر. دىل باجارار اينسانلاردا گوجلو بىر حىس ياراتسىن. اونلار كى، ھامىسى بىر دىلدە قونوشورلار، دىل اونلارنى آراسىندا بىر اۋنەملى باغلاننى دىر. دىلى اولان خالق، سانكى مىلتلرني ايچىندە دە اوستونلوكلىرى واردىر. بو سبب دن بىلمەلىك كى، اونلار كى، بىر خالقنى دىلىنە، لەجەسىنە يوروش گتيرىرلر، دوغروسو بودور كى، بو خالقى آرادان آپارماق اوچون دور. اونلارنى محو ائتمك اوچون دور. بو سبب دن لازىم دىر بو خالق اۋزونو قوروماق اوچون يوروشجو اينسانلارنى قارشىسىندا دوروب، اۆزلىرىنى، دىللىرىنى قوروسونلار..

دىل قونوسوندا آيرى سىچكىلىرى اولانلارنى بو دىلدە قونوشانلار اوچون دە آيرى سىچكىلىرى واردىر. بونا گۇرە دئەمەلىك كى، بىر دىلە حۇرمەتسىزلىك ائەلەن، او دىلدە اونلارنى كىملىكلىگىنە دە حۇرمەتسىز ائەلەيىر.



اۆلكەلىرى «باسك» دا باغىمىسىزلىق اولوب، اۆز آنا دىللىرىنى «باسك» دىلىنى دانىشىپ، يازا بىلىسىنلر.

مجبورلوقجا ھامى دىل چكىشمەلىرى موحارىبە اولماز. اما ممكون دور، اونون چوخلو اثرلىرى ايللر بويو بىر توپلوم دا قالسىن. اداملار آراسىندا چتىنلىك ياراتسىن.

باخىن كانادا اۆلكەسى، بىر ساكىت، حركتسىز اۆلكەدىر. اما اوردا دا دىل دىلدالاشمالارى واردىر. بو اۆلكە ايكي دىل بىر اۆلكە دىر. اما فرانساجا دىلدە قونوشانلارنى چوخولوسو «كېك» بۆلگەسىندە اولورلار، اوردا ياشايرلار. بو بۆلگەنىن خالقى بئەلە دوشونورلر كى، اونلارنى دىللىرى انگلىسى دىلدە دانىشان اداملارنى ايندە چۆپلى قالىپ. اونلارنى كولتورلى باسقىن اولونويدور.

داھا بوندا آرتىق اونلار بئەلە دوشونورلر كى، كېك خالقى انگلىسى دىلدە دانىشسالار، ياواش - ياواش كىملىكلىرىنى الدن وئرىپ، سايلارى آزالار، بو قونو اونلار اوچون بىر قورخولو قونودور.

۱۹۷۷- جى ايلدە كېك بۆلگەسىندە فرانساجا دىلدە چالىشدىلار بىر ياسا آرايا گتيرسىنلر كى، انگلىسى دىلىن قباغىنى آلا بىلىسىن، اونلارنى آنا دىللىرىنى قوروسون. مثلىن اونلار ايستەدىلر كى، يوللاردا اولان ھامى، تابلولارى يانلىز فرانساجا دىلدە يازسىنلار. بىر بئەلە ايشلر انگلىسى دىلدە اولان خالقى اينجىتتى. او جۇملە دن آلن سىنگر ايدى كى، بىر بالاجا ماغازاسى وارايدى. اونون ماغازاسىنىن تابلوسوندا يازلمىشىدى: «آلن سىنگر سىنىرلانمىش سوروسولوق، چاپ و يازى لوازىماتى.» يئنى ياسا اوچون آلن سىنگرىن ماغازاسىنىن تابلوسو قاداغان اولدو. او گرگ اۆز خرچى ايلە بو تابلونو فرانساجا دىلىنە چئوپرمەلى اولدو.

ياخشى، اما سىنگر بى بو ايشى گۇرمەدى. بونا گۇرە ايشلىرى محكمە قارارىنا چاتدى. البتدە بئەلە محكمەلرني قارارىنى قاباقدان دۇشونمك دە اوللا بىلردى. چونكى او اۆلكە دە بىر بئەلە ياسا يوخودور كى، سىنگر ماغازاچىنى مجبور ائەلسىن تابلو يازىسىنى اونلار دئىين، انگلىسى دىلدە يازسىن. يئنى ياسا دا اونو مجبور ائەلەيە بىلمىردى، سىنگر بى ماغازا تابلوسونو يازىسىنى دىيشدىرىپ فرانساجا دىلدە يازسىن، بو دىلدن آلاھى، سانكى دىل بىر تابلودا گۇرونمەسىن. بونا گۇرە كېك خالقى اۆز ماغازا تابلولارنى يانلىز فرانساجا دىلدە يازىردىلار. بو ايشىن سببى دن دىر

دیوان عاشیق علی کلیرلی

اماموئردی سامانی (ایمان)

داغلاری، گول چیچکلی یایلاقلاری، عشایرلرین بزرکلی
چارداقلاری، هانا اوزالدیب جاجیم توخویان قیزگلین لرین
یارادیجی بارماقلاری، چوبانلارین توتیهی نین سئوینچ
هاوالاری، بیره مین طبیعتین بزهینه جلا وئرمکله
توریستین نظرینده اولوتانری نین جنت باغین جیلوه
لندیریر و اونلارا قارشى تاپیلمايان جور به جور آغاجلاری،
گؤورنتیلری، چۆلده یاشایان جانلیلاری، گۆیده اوچان و
ساحیلی قوشلاری اؤزوندە بسله یەرک یاشادیر. عاشیق علی
کلیرلی نین آرخا تورونو.
اماموئردی سامانی "ایمان"

بۆیوک بابام

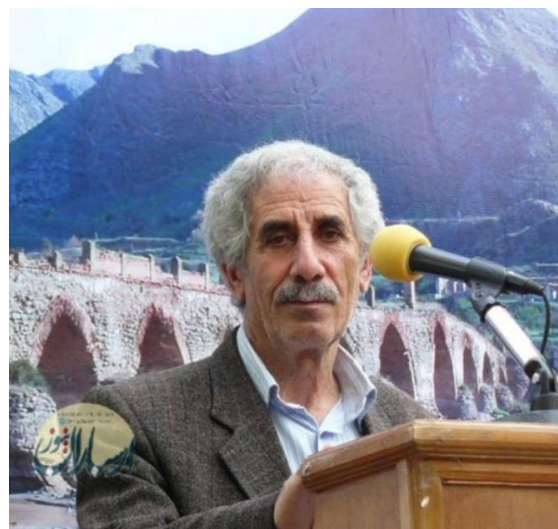
عاشیق علی کلیرلی، دار دونیادان گئدن زامان
سؤی ساداغین وئریب منه، اولدوزلارا سیخام کامان
ایشیقدان ایلهم آلیبان، بگزیکدیرم قارانلیغی
بحرینه شعرین دالیبان، هایانداسا من ده هامان

اوجاغینی پارلادیبان، قارانلیغین داشین آتام
کۆلگه کۆنولدن آزیبان، آنلانا یاخشی لا یامان
علی منیم بۆیوک بابام، من ده اونون سون آرخاصی
شعریمین اولسا یاتیمی، کۆنولده اونداندى دامان

هایاندا اولسام هارادا، اۆلکهمیزین وورقونویام
اثلیمدیر هرآن دیله ییم، باشلاری قافدان اوجامان
ایلهمیم حاقدانیر آما، آزدا بارینمیش بابادان
«ایمان» ام آتام یادینى، آدی یادیما هر زامان

علی دیر

یارادانیم الله راهنم رسول
جان ایله جانانیم علی دیر منیم
اورکدن چاغیرام هرآن اللهی
دار گونده گومانیم علی دیر منیم



باشلانیش

عاشیق علی کلیرلی منیم بۆیوکدن بۆیوک بابام، مین
الینجی «گوش ایللی هجرى شمسى ۱۰۵۰» ایل تقریبا
اوج یوز اللى ایل بوندان قابق قاراداغ ماحالی نین کلیر
شهرینده ایشیقلى دونیا گۆز آچیب و بویا باشا چاتاندان
سونرا اؤز عصرینین آدلیم اوزان، عاشیق و شاعیرلریندن
اولوب، شریعت اساسیندا آدلانماغینا گۆره اونا ماللا علی ده
دئییرمیشلر، قاراداغ اۆلکەسى هر زمان ار قادینلار، قوچ
ایگیدلر و یارادیجیل هوسکارلارین اَرَن بئشیگی اولراق،
یاغیلر قارشیندا باسیلمايان سنگرلر چئوریلیب و تاریخین
قیزیل قاتلاریندا اؤزوندن پارلاق اثرلر مالیک اولوب و
ایرانین قیزیل تورباغین قوروماقدا قالارلی افتخارلار
یارادیبدیرکی هئچ واخت تاریخ صفه لریندن پوزولان و
خاطرلردن اونودولان دئییل.

جغرافی باخیمیندان یئنه ده قاراداغ پیر کامالینا چاتان،
آرتین آبدەلی اوجاقلار، اوجامان داغلار، یام یاشیل
مئشلر، داشقین آخان چایلار، اودوملو بولاقلار، وئریملی
اکینه جکلر، یئر آلتی اوستو آلتینلی خزینلر، اورکلر آچیب
خستلر توختادان هاوالاری ایله، یونسکو سازمانیندان
دونیانین افتخار دیپلومونا ناییل و آدین دونیانین توریستی
زیروهلرینده ووقارلاندیریب کی بیر بیرینه سؤیکک

جنتین باغیندا دورروم گؤهریم
آدی دیلیمده دیر داییم ازبریم
اوچماغا گؤیلره قانادیم پریم
ایلقاریم ایمانیم علی دیر منیم

دونیا قرار توتوب ساکین اولاندا
ایشیقدا خالق اولان کلّ جهاندا
علی دئییر عدله دیوان قوران دا
اول شاهی مردانیم علی دیر منیم

یاراشیر

وارد اولدوم بیر باغبانین باغینا
باغ باغبانا باغبان باغا یاراشیر
گوللری هریانا قول بوداق آتیب
بوداق قولا قول بوداغا یاراشیر

باغا سس سالیبدیر باغین بولبولی
آدامی مات ائدیر اوخویان دیلی
سانکی گؤزل گلیب باهاری ایللی
یارپاق گوله گول یارپاغا یاراشیر

او باغین دوشوبدور عالمه بحثی
وارانلارین اوردا آرتیر هوه سی
لذت وئریر باغدا بولبولون سسی
علی دئییر چیچک طاغا یاراشیر

اؤپ

بیر صنم سئومیشم جامالی آیدیر
کؤنلوم یالواریرکی بوخاغیندان اؤپ
یاواش یاواش دولان اونون باشینا
شانه له تئلرین قاباغیندان اؤپ

گزمک اوچون گلیر چمنه گشته
سورمه سی گؤزونده سئوداسی باشدا
منیم گؤزوم واردی او قلم قاشدا
جامالینا بیر باخ یاناغیندان اؤپ

نه اولار ساز چالا اوخویا هر دم
الینده گول جوراب توخویا هر دم
ائله بیلکی گئدیر یوخویا هر دم
عاشیق علی دئییر دوداغیندان اؤپ

گزمه

گل باشینا دؤنوم آی گؤزو آلا
اووسینچی دئییلسن مارالی گزمه
جاوانسان قددینه گئی یاشیل آلی
بزندیر اؤزونو قارا لی گزمه

الری قوینوندا انتظار دوروب
آه و فغان ائدیپ بوینونو بوروب
مژگان اوخلارینی سینمه ووروب
انصاف ائله گؤزل آرالی گزمه

چکیرسن شانهنی سؤیله سن هارا
وفالی اولگینان یارا ایلقارا
یاخیب قم اودونا آی باختی قارا
علی نی ائله ییب یارالی گزمه

فلک

شکایتیم واردی اوز طالعیمدن
بله دی کؤنلومو غباره فلک
قضا منی توتدو قدر بودادی
اودوزدو عمرومو قماره فلک

نئجه دئییم آغری چؤکدی سینمه
چوخالتدی غصه نی باتیردی غمه
من ایوب دیيلم دؤزم ستمه
ووروبسان بیرده وور دوباره فلک

عاشیق علی چوخدا گلمه فغانا
انسان گرهک هر جفایه دایانا
امتحاندير مسلمانا نشانا
چوخلارین سالیبدير بو ناره فلک

یار یانیندا لذت اولار، شان اولار
یار یولوندا، یارا قوربان جان اولار
خار یانیندا بولبول باغری قان اولار
اوخوسا قم دئییب بوتاغی گؤز لر

علی، سحر یئلی دئییب دیر سسه
قوشلار باغچالاردا دوشوبدور بحثه
اورهک هاوالاندى گلدی هوه سه
لیلا سیز مجنون تک بو داغی گؤز لر

بولاق اوسته

بولاق اوسته بیر گؤزله اوغرا دیم
گیز لنیب قوینوندا نار گوله گوله
بیر باخیشی واردی یاز چیچگی تک
دوروب بولاق اوسته یار گوله گوله

آلما یاناق، بلور بوخاق، گولر اوز
قارا تئللی، آی قاباقلی، قارا گؤز
کؤنول دئدی سن بو درده دایان دوز
یارا قوناق گلر یار گوله گوله

عاشیق علی ایندی آرتدی حسرتین
یاریندان آیریلماق چتیندن چتین
دئدیم منه واردی سؤزون صؤحبتین؟
گولوبن سؤیله دی وار گوله گوله

اویادا

خسته کؤنول بئله سؤیله کلامی
بلکه سؤزون یاتانلاری اویادا
سالامیوی آلیب وئره جاوابین
کیشی گرهک باخا دوست ایله یادا

تر بیه گرهک دیر آتا آنادان
معرفت لازم دیر ازل بنیادان
یوزده جهده ائله سن اولارسا نادان
خیدمتین اولماسا کامل اوستادا

علی، عارف قولاق وئره سؤزلره
نامردلر بلالر گتیرر سره
کیمسه سیاح اولوب دوشسه چؤلره
غواص اولوب اوزر درین دریادا

گؤز لر

یاز آیلاری گوللر آچار، گول گولر
بنفشه بورولوب، بو داغی گؤز لر
یاریمین باخیشی منی داغلادی
قاشی کامان قوروب بو داغی گؤز لر

بیلمه دیم

بیلسم ده من رؤیا گیزلین آشکار
آما سیرری کردگاری بیلمه دیم
اولمادیم گوردوگوم ایشدن خبردار
آتشیمنده قهری کاری بیلمه دیم

داها نی چشمه‌ی آبی سلسبیل
یارادیب قدرت‌دن غفاری جلیل
گۆزلری موجروم‌دی قاشلاری دلیل
او چکدیگی آه زاری بیلمه‌دیم

قوهوم قارداش سنه افسوس ائدرلر
ایستکلی لر اوز گۆزلرین دیدرلر
خیر دعا وئریب سونرا گئدرلر
آدین دیله گلنده دیر تماشا

علی‌یم دئ نه‌دیر کانی کرامت
عشقینه گرفتار چکیرم حسرت
منی مفتون ائدیب عشق محبت
آیری سالدی فلک یاری بیلمه‌دیم

بو دونیانین واری گلمز کارینا
یالان صؤحبت اوردا گلمز وارینا
داها گۆزون باخماز اؤزگه وارینا
عاشیق علی اؤلنده دیر تماشا

اولماز

دوشموشم

گۆزلر گۆزه‌لی آلا گۆزلو یار
سنین کیمی هئچ باغچادا بار اولماز
سوسن سونبول تکی باغی بوروین
سیاه زولفون تکی تازه تر اولماز

فلک قهر ائله‌یب من باغری قانا
یازیب طالعیمی قارا دوشموشم
قویوب کامانینا آلیب نیشانا
آتیب منی بو دییارا دوشموشم

عشق آتشی جاندا چکیر زبانه
اول گول جامالینا منم پروانه
اوزونو گۆرمه سم اوللام دیوانه
سمندرده منه برابر اولماز

آه چکیب آغلارام اوز وئرنده قم
قریب لیک اینجیدیر منی دما دم
کئچمیشی یادیم سالاندا هر دم
گۆرورم کی آه و زارا دوشموشم

کلیرلی علی گزدی هریانی

تبریزی عثمانی هندی کاشانی
قویموشام یولوندا بو باشی جانی
عشقینده منیم تک بی‌قرار اولماز

قالمیشام صحرادا قلندر کیمی
جار اولور گۆز یاشیم نهرلر کیمی
عاشیق علی دئییر سمندر کیمی
آلیشیب بدنیم نارا دوشموشم

تماشا

ناگاهدان مینیبه‌ن اجل آتینی
قبر ائوینه گئدنده دیر تماشا
مزاریندا سورقو سوآل ائدنلر
اعمالینی بیلنده دیر تماشا

دونیا‌دا

معرفت حقیقت هامی دا اولماز
اونو ذاتی نجیب بیلر دونیا‌دا
آتالار مثالی آختاران تاپار
آزان بلاسینی آلاز دونیا‌دا

اٲولادا وفا يوخ عؤمره اعتبار
تابع اولوب نفسه وئرمه اختيار
سيم و زر جمله ييب ائتسن بير انبار
الى بوش گئدرسن قالار دونيادا

بيزه لطف ائله سين خاتون محشر
اونون الينده دى حساب و دفتر
على يه هم زبان احمده يكسر
بوتون اهلى بيت جانانى گؤردوم

آلچاقدا اوتوروب اوجا دم وورما
شره فتوا وئريب حيله لر قورما
عاشيق على دئير گل آرا قيرما
اٲل چوغولو گؤزدن سالار دونيادا

عاشيق على دئير باغى بهشتدى
اون يئددى مكاندان دولاندى كئچدى
دونيانى بوشلاديم آخرى هئچدى
چوخ شكور عالمى عقبانى گؤردوم

آختاريرام

كامل اووسينچييام يارين يولوندا
دولانيب توتماغا مار آختاريرام
درويش تكى ديار ديار گزيرم
گوللو بوداقلاردان نار آختاريرام

گؤزل گودار ائله بيزيم باغچايا
قدم گؤتور آياقلارين قوربانى
هردم هر دم دانيش منه صؤحبت آچ
او باللى جا دوداقلارين قوربانى

يوخدور ائله بير كس درديمى بيله
قوربت اٲل باغريمى گتيريب ديله
يارالى مجنون تك دوشموشم چؤله
پوزقون باغچالاردا بار آختاريرام

طوطى مات قاليبدير خوش آوازيندا
سندن آيرى دوشن دؤزمز نارينا
كؤنول ائله موشتاق اولوب يازينا
بولور بوخاق ياناقلارين قوربانى

عاشيق على سؤيله سؤزونو بارى
سن قييما تئز اوچا كؤنول حصارى
فلك منه وئريب زارى آزارى
اؤزومه بير قابيل يار آختاريرام

قوى يازيم درديمى دوش گينان باشا
گون گلر گزه ريک بو باغدا قوشا
بويونا آى لا گون ائدر تماشا
عاشيق على اوطاقلارين قوربانى

گؤردوم

شوكور حاقا، چاتديم ايستكلى يارا
يوخودا گؤردويم مكنانى گؤردوم
عالمى رؤيادا بير باده ايچديم
منه باده وئرن موولانى گؤردوم

سؤديگيم

الله سنى گؤزل گونده ياراديب
خوش گليب سن بو جهاندا سئوگيليم
يئر اوزونده سنه برابر اولماز
جامالينا يوخ بهانا سئوگيليم

لېلرېن قونچا دېر ياناقلاړېن گول
جامالېن شووقونداڼ اولموشام بولبول
گل ياخېنا من له بېر آز دانېش گول
شمع اولگېنان من پروانا سئوگېلېم

سئونلرېن چوخدور وار ماجراسې
عاشېغې يانديرېر هيجران ياراسې
دردېمېن سنده دېر گؤزل چاراسې
آي حكېم لوقمانېم نډن كوسموسن

لېلې ده مجنونا وئردې ايلقارې
اونلارا بد گلدى دونيانېن كارې
اگر كې سئويرسن پروردگارې
وئر على يه بېر نشانا سئوگېلېم

اوركدن عاشېغام آتما كنارا
عاشېق على دوشر مېن آه و زارا
منې گل يانديرما گؤزلرې قارا
آي روحوم روانېم نډن كوسموسن

كنارېندا

كئچن گونده بېر گؤزله توش اولدوم
اونا عاشېق اولدوم يول كنارېندا
دئدېم گؤزل اېمداد ائله يازېغام
سارالېبان سولدوم يول كنارېندا

اوچ سؤزوم وار، دوستوم سنه دئمهلى
بېرېن اوخو بېرېن اؤيرن بېرېن ياز
عاشېق اولان اوچ سئودادان اوسانماز
بېرې عشووه بېرې غمزه بېرې ناز

بېر اوخ دېدى منه او قلم قاشدان
ائله بېل سؤز آلدېم خورمايې ساچدان
باخاندا آپاردې عقلېمې باشدان
قورويوبان قالدېم يول كنارېندا

جانان گليب گؤز ائويندن اؤتنده،
مژگانلارېن سېنهم اوسته آتاندا،
اوچ عهدېم وار، دوست وصيلېنه چاتاندا؛
بېر ياشاماق، بېرې قوربان، بېر نياز.

عاشېق على سؤزون سؤيلهدى اونا
اوندان اوخ قورتاردې كار ائتدى جانا
او منه باخاندا مېثلى بېر صونا
آيريلېغېن بېلدېم يول كنارېندا

يارېن كويې منه جئت قوخوسون،
آت مژگانېن قوې سېنمه توخونسون.
على وصفېن اوچ صوت ايله اوخوسون:
بېرې چارگاه بېرې سئگاه بېر حجاز.

كوسموسن

گؤزلر گؤزلى گؤزلر خانې
عزېز مهربانېم نډن كوسموسن
آماندى گؤز دگر آزالې گزمه
سنه قوربان جانېم نډن كوسموسن

ياراشېر

آي نازېن، سن ساللانيب گلنده،
ظريف قديمېنه يوللار ياراشېر.
قونچا دهانېنا، لعلې لېينه،
دانېشاندا شېرېن دېللر ياراشېر.

اوستاددان درس آلان هئچ اولماز ناشی
دوستا کج باخانین اوجالماز باشی
صراف یوز بزه سه قیمتسیز داشی
تانینار جوهری زر اولا بیلمز

علی گشت ائله ییب گردی هر یانی
تجربه ده سئچدی یاخشی یامانی
نامردین سفره سی ناکسین نانی
هر زامان سخی ده وار اولا بیلمز

تبریزین

آی آغالار گلین سیزه سؤیله ییم
دیل دیل اوتن بولبولی وار تبریزین
دانشاندا انسانلاری مجلسده
اؤلمز زنده بیر دیلی وار تبریزین

تبریز اؤزو گؤزلدی رضوان کیمی
گؤزلرلی حوری قیلماں کیمی
میرزه لری دیوان ائدیر جان کیمی
وصفه گلمز بیر حالی وار تبریزین

تبریزه تای اولسا اولار اصفهان
اونا گؤره اولوب او نصفی جهان
گؤز تیکیب تبریزه داغ ایله آران
روان اولان بیر یولی وار تبریزین

گلین گئدک خان باغینا لاله یه
خانین قیزی گتدی بیزی ناله یه
قوربان اولوم اسمر کیمی خاله یه
جنت کیمی باغ چؤلی وار تبریزین

هردم هر دم بیزه سوزوب گزنده،
قاش اوینادیب، گؤزلرینی سوزنده،
شانا آلیب تئلرینی دوزنده،
آی قاباغا سیاه تئلر یاراشیر.

یوز ایل عؤمروم اولا، من یازام دفتر،
مدحین تامام اولماز، آی ملک منظر.
سؤز تاماما یئتسین، بودور مختصر،
علی کیمی سنه قوللار یاراشیر.

مطلب

بو گؤزلدن یارب مطلب دیله سم
لطف ائدرمی، دردی دیلیم بو یازا
شیرین جانیم اونا قوربان ائیلرم
قارا باغیریم عشق اودونا بو یازا

ال اوزالتما چونکی گؤزلر گؤزلی
منیم سینم عشق اودونا کؤز آلی
کیم گؤروب دور بئله گؤزل گؤزلی
نه رنگ ده نه صفت ده بو یازا

ساغ گؤزلسن سنی سئون ساغالار
حسرت سویون ساغ گؤزومه ساغالار
علی دردین یقین بیل کی ساغالار
اگر دردین دفترینه بو یازا

کؤنول

کؤنول هر یئتنه عشق یئتیرمه
بی وفادان سنه یار اولا بیلمز
آیریلر دوزونن ضید اولار مودام
بیر یئرده اودایله قار اولا بیلمز

درس آلىن

درس آلانلار گلین مندن درس آلسین
 عشقین شربتینی ایچیرم بو گون
 سمندرم قالمیشیدیم یووادا
 سئیر اندیب هاوادا اوچورام بو گون

نئجه اولوب ائلیم اوبام ماحالیم
 یانیمدان داغیلیب جاه جلالیم
 بو قربت ائللرده یاتیب اقبالیم
 عؤمروم زمیسینی بیچیرم بو گون

عاشیق علی ائلدن اولوب آرالی
 وطن دئییر گول تک رنگی سارالی
 هومای خانیم کلیرین مارالی
 اونو یادا سالیب کوچورم بو گون

قالمادی

آی آغالار گلین سیزه سؤیله ییم
 کاروان گئتدی او مئهمانلار قالمادی
 حاراما گؤز تیکیب، مال قازانانلار
 شاهلار، بی لر هم ده خانلار قالمادی

آدام وار اؤزونو دونیایه ساتدی
 مغرورلوق ائله دی گؤیه اوخ آتدی
 تورپاغا قاریشدی تورپاغا باتدی
 جسدلر چورودو جانلار قالمادی

عاشیق علی گرک سؤزون دوز دئسین
 الی دئسین آلتیمیش دئسین یوز دئسین
 اوره ک دئسین، گؤز اوخوسون، اوز دئسین
 سینیه دولو، گؤهر کانلار قالمادی

چایلاری وار گور آخار آراز کیمی
 هر وخت اولار باهار کیمی یاز کیمی
 ایگیت لری میثال دا شهباز کیمی
 داغیلمايان بیر ائلی وار تبریزین

پهلوانی جاندان عزیز ساخلانیر
 بزیرگانی بازارلاردا، اگله نیر
 اوچ یوز آتمیش آتلار بیردن یوکلەنیر
 هنده روما بیل مالی وار تبریزین

عاشیق علی سؤزون ائله دی تمام
 رسول ائولادینا مینلر جه سلام
 بوتون سر کرده سی آلیبدیر انعام
 هر رنگ آچان باغ گولی وار تبریزین

تئز تئز

دلی کؤنول نه دیوانه گزیرسن
 گؤرمه میش آتسه قاریشما، تئز تئز
 ائله گؤزل سئودین اودونا دوشدو
 وفاسیز گؤزه له، آلیشما تئز تئز

عاریف آدام آز دانیشار چوخ بیلر
 نادان آدام چوخ دانیشار چوخ گولر
 حساب سیز دانیشان گؤز یاشی سیلر
 فیکیر سیز جهد ائله دانیشما تئز تئز

علی دئییر دوستدان گئت گلی کسمه
 دوز یئری گلنده تیتره مه اسمه
 بو دونیادان اؤترو، ائلیندن کوسمه
 عارسیز دوشمان ایله باریشما تئز تئز

شیکایتیم وار

گئجه گوندوز آه فغان چکیرم
اول شاهی مردانه شیکایتیم وار
قربتده قالمیشام ذلیل ناتوان
قادر سبحانه شیکایتیم وار

نئچه ایللر گلیب کئچه آرادان
چتین ساغالارام من بو یارادان
لوقمان گلسه اؤزو آلا یارادان
عادل او دیوانه شیکایتیم وار

عاشیق علی دئییر دیوان وار اگر
دوشونن انسانلار دونیایه دگر
عرصات گونونده اولاندا محشر
صاحب الزمانه شیکایتیم وار

گرهک

انسانلاردا بئله خصلت اولمالی
ادبلی اوتورا حیالی گرهک
آغیر اولار هر جهتدن کامالی
دیندیرنده سؤزو معنالی گرهک

آخمایا هر طرف هر یانا دوغرو
صیادی دوز اولار هر یانا دوغرو
نظرین سالمایا هر یانا دوغرو
اؤز یارینا مئیلی خیالی گرهک

علی یم گؤزلر کاشکی جمع اولار
ایسته مرم عشوه لری کم اولار

تای توشلار ییغیلا دمدام اولار
اؤز گه یه قونمایا خیالی گرهک

خومار گؤز

میشکی چارقات کناریمدا خومار گؤز
سوزولر سوزولر گاه باگاه باخار
باخشیندان بیر اود دوشدو جانیمدا
ساناسان قولونا پادشاه باخار

خینا یاخمیش ال ایله دیرناغینا
گؤزلر جم اولوب سولو ساغینا
بزهک وئریب باخسان آل یاناغینا
شوکر الله بیزه قبله گاه باخار

سورمه لی گؤزلرین خوش خدنگی وار
بیر گون محبتین یوزمین جنگی وار
من عاشیق علی یه غیری رنگی وار
او باخاندا منه گؤز سیاه باخار

گلدی

گؤزلر گؤزلی گؤزلر خاصی
یارین گؤرمک اوچون مردانه گلدی
کؤنول قوشوم هاوالاندی گؤیلره
اودونا یانماغا پروانه گلدی

باخیشی جان آلیر میثالی ملک
گل منله اویناما آی قانلی فلک
سن الله گل آچما باشیما کلک
گؤزلر گؤزلی مئهمانه گلدی

هیجران آنلارییدی عؤموردن کسن،
وصلی یارلا من آمانا یئتیشدیم.

سروی قددي، گول جامالي تماشا
شهلا گوز ياراشير او هيلال قاشا
ميثالسيز خلق اولوب آيقدان باشا
كاماللي كاميله جانا يئتيشديم.

هو مايدير على نين حيات نور آغي،
بياض سينه سيدير جنتين باغي،
آچيلدي اوزومه ويصال اوتاغي،
سانكي تاختي سولئمانا يئتيشديم.

اولموشام

نحس ساعتده سانکی گل‌دیم دونیا یا
شوم ستاره باختی باغلی اولموشام
طالئیم بد، گونوم قارا، جفاکش
هیجران ائولی درد اوطاغلی اولموشام

فلک قویمادی کی بیرجه یارییام
گۆزوم آچدیم گۆردوم اوزو قارییام
درد مؤحنت هیجران قم توجارییام
بو دونیادا درد بیغناغلی اولموشام

علی یم چوخ چکدیم دردی بلادان
قم ال گۆتورمه دی من موبتلادان
عالمی ارواحدان قال و بلادان
خون جیگرلی قارا داغلی اولموشام

علی نین یاری سان آلا گوژ نیگار
سنه قوربان اولسون مالی مولکو وار
تارلان اوپلاغیندا دولانمازمی سار
عاشیق خسته لنیب درمانه گلدی

گندی

آلا گۆزلىرىنىڭ نەزەر سالاڭدا
 اوخلايىرسان جىگىرىمدىن قان گىندىر
 او كىيىن كى اۆز اىستەيى اولماسا
 بو فانى دۇنيادان بى درمان گىندىر

بيلمک اولمور هانسی ائلين خانى سان
جاواهير معدنى گؤهر كانى سان
گؤزليکده اول زليخا ثانى سان
زيندانينا يوسفى کنعان گئدير

علی یم ہر گلن بوردان گئتمہ سین
ہر شیکارچی اووا گول لہ آتاماسین
بیر ایگیت کی سوگوسینہ چاتاماسین
مازارا گئندہ پریشان گئدیر

يَتَشَدِّيمُ

جوروجفا ايله يارما چاڭديم
عمرومه نقش اولان سانا يئتيشديم.
ايقباليمي خواب ائويندن اويالتديم،
يار وصى له بير زامانا يئتيشديم.

ايلقارينا صادق ياريما احسن،
ياراشير شانينه يوز داستان دئسن.

داغلار

يانا يانا قارشيلانيب

دئديم درديم سنه داغلار

وطنيمدن آيري دوشدوم

رحمين گلسين منه داغلار

گولزاردا گولون آچاندا

گونش سنه نور ساچاندا

قريبلر بوردان كئچنده

سالماگينان چنه داغلار

علي درس آليب پيريندن

آيري دوشوبدور يئریندن

كئچمه يه دؤور بريندن

يالواريرام سنه داغلار

اولمادی

ليل و نهار قالدیم ظلمت ایچینده

منیم تک ظلمتده قالان اولمادی

ازل ازل منه جان جان سؤیلهین

سون گونده یادینا سالان اولمادی

حایف اولایم الدن اوزولدو

منیم اوچون بیرجه ساعات یوز اولدو

خازان گلدی گولشن باغی پوزولدو

منیم تک گولشنی سولان اولمادی

آی علی خبر آل گئدیپ گلندن

آغلایاندان گۆز یاشینی سیلندن

ایستکلی دوستلاردان قدیر بیلندن

احوالیمی خبر آلان اولمادی

ماللا علی آدی ایله دیلرده داستان اولان علی اوز

مستزاد شعرینده بئله دئییر:

ای سرو سهی سن گله لی سئیر ائله باغی

باش چکمه دی عرعر

چوخ عالی نسبیلر اؤزونو سالدی آیاغا

قول اولدو صنوبر

بیر خالین اوچون زولفونه چوخلار دولاشیبیدیر

آنجا ق منی بئيله

بیر دانه اوچون چوخ قوش اؤزون سالدی دوزاغا

دام اولدو مسخر

سونبول اوزونو زولفونه بنزرتدی نیگاریم

گۆردوکی خطادیر

داغلاردا قاچار یورقا اولار باشی آشاغا

قایغیلی مکدر

سن تک پری نین منزلی ویرانه گرکدیر

یا چشمه لر اوستو

کۆنلوم کیمی ویرانه گۆزوم دوشدو بولاغا

گل ائی پری پئیکر

دونیادان اگر عاشیق علی آغلالی گئتسه

زولفون هوسینده

رحمت یاغیشی تورپاغی نین اوستونه یاغا

قبری اولا عنبر

عاشیق علی ایللر بؤیو شوشه شهرینده قالارقی

اولوب اوردا توی مجلسلری یولا سالارمیش و

اؤز عصرینین آدلیم شاعری واقف پناه ایله

یاخیندان گۆروشلری اولاراق بو قطعه شعر

ده اونون وصفینده یازیبیدیرکی واقیفین اوز

کتابیندا چاپ اولونوبدور:

بو گۆهر سۆزلرین ائی عالی جناب

تمام عاشیق لارین سمعینه گلیمیش

فصاحتده بلاغته سنین تک

اینانماکی روی زمینه گلیمیش

بو عصرده شاعرلرين خانيسان،

مودرّيسه برابرسن يعنى سن.

لوطفون معدنيسن، فضلين كانيسان

ائشيدنلر سؤزون دمینه گلّميش.

عاشيق اولدوم بير قامتي رعنايه

اونو سئوديم جانيم دوشدو بلايه

والله بالله سن دوشدوگون سئودايه

آرتيق من فقيرين سرينه گلّميش

على چكر گئجه گوندوز آه وزار

كسيلدى مودارا گئتدى اختيار

واقف اولوب بو معنادان خبردار

مدينه كويينه سكينه گلّميش

عاشيق على ايله نوريكين دئيشمه سي

نوريك:

سندن خبر آليم آي عاشيق على

سؤيله جبرائيلين نئچه پرى وار

گؤيده كي خوروزون رنگيني سؤيله

صداسيندا اونون نئچه سيررى وار

على:

نه قدر قرآندا زير زبر پؤش وار

جبرائيلين او قدرده پرى وار

گؤيده كي خوروزون رنگي ياشيلدى

صداسيندا اونون يوزمين سيررى وار

نوريك:

نه آيدا سالينيب جنتين باغي

نه آيدا آليشيب موسانين داغي

نئچه تاغدير او طوبانين بوداغي

اونون بوداغي نين ندين بارى وار

على:

رجبده ساليندى جنتين باغي

صفرده آليشدى موسانين داغي

طور داغي دير يوزمين طوبى بوتاغى

الله قدرتيندن اونون بارى وار

نوريك:

سؤيله نه رنگ چالير ارقائيل مويو

سؤيله نه يئردهدى ذوقومون سويو

سؤيله نه بوى وئرير ازازيل بويو

نوريك دئيير عرشين نئچه درى وار

على:

رنگي ياشيل چالير ارقائيل مويو

فى النار سقرده ذوقومون سويو

مشك عنبر وئرير ازازيل بويو

على دئيير عرشين سككيز درى وار

نوريك:

سندن خبر آليم آي گلن عاشيق

بير نئجه حساب وار ايسته رّم سندن

اگر حساب دئيه م چوخ اولار سايبى

اسكندر حسابين ايسته رّم سندن

على:

او ندير كي تاپيلمادى چاراسى

نه قدردى يئرله گؤويون آراسى

سؤيله كيمدير حضرت نوح آناسى

قاب القوسى گورشون ايسته رّم سندن

نوريك:

بو دونيانين خيرى شرين گؤرموشم

بنا اولوب نهرلرين هؤرموشم

عرشده مسجیدین آدین گۆرموشم
اونون آدی سانین ایستهرم سندن
علی:

کعبه بیت الله دان قندیل آسارلار
آسیب اونو هردن سسه باسارلار
عره فه گونونده قوربان کسرلر
قوربانلار حسابین ایستهرم سندن
نوریک:

عالیملر عالیمی عالیملر خاصی
سیلینسین کۆنلومون قالماسین پاسی
یغلیب بورادا سالمیشام بحثی
جزو حسابینی ایستهرم سندن
علی:

علی دئییر ازبر گلیر دیلیمه
یاخشی یئرده دوشدن نوریک الیمه
ایمدن گئدرسین بیرگون اولومه
حاققین مین بیر آدین ایستهرم سندن

«عاشیق علی ایله لیلی داستانی»

سیزه کیمدن دئییم: همدان شهرینده بالا
سولطانین قیزی لیلی خانیم دان. لیلی خانیم
اعلان ائله میشدیرکی هرکس منی باغلاسا اونا
گئدهجهیم اما من هر کسی باغلاسام زیندانا
سالدیراجاغام همدانین دؤوره سینده نه کی عاشیق
واریدی لیلی خانیم مغلوب اولوب زیندانا
دوشموشدور. بیرگون قاراداغ ماحالیندان بیر
درویش همدانا گئتمیشدی لیلی خانیم راست
گلدی لیلی خانیم درویشه دئدی بابا درویش
عاشیق سؤزوده بیلرسن درویش دئدی لیلی خانیم
من یوخ آما کلیبرلی عاشیق علی، هله اونون تایی
عاشیق نه دونیایا گلیب نده گلجکدیر، لیلی خانیم

دئدی: من بیر نامه یازسام اونو عاشیق علی یه
چاتدیرا بیلرسن درویش دئدی چاتدیرارام اما من
درویشم بیرباش نامه نی آپارانمارام دولانا دولانا
گزه گزه گئدیرم ایللر زامان آپارار، لیلی خانیم
دئدی: سن او زامانلاردا نئچه قازانارسن درویش
دئدی: اوزامانین پولو مثلا اون تومن، لیلی خانیم
دئدی گل بو اون تومن، یازدیغیم نامه نی
داینامدان آپاریب وئره جکسن کلیبرده عاشیق
علی یه درویش پولو آلیب دئدی بورادان دابان
قیرما اؤزومو کلیبره یئتیرهجهیم آما قیز بوردا بارا
قویدو سوروشمادی عاشیق علی قوجادیر یوخسا
جاوان. عاشیق علی نین ده اوندان آلتیمیشا یاخین
یاشی اولاردی قیز اؤزوده سؤز وئرمیشدی کی
کیم اونو باغلاسا اونا گئتسین آلدی لیلی خانیم
گۆرهک نامه ده نلر یازیب عاشیق علی یه
گۆندهریر:

مورادین نوه سی آی عاشیق علی
ایستهرم گله سن جنگیمه منیم
سنی ساللام اولماز اولماز بلایا
اگرکی کئچه سن چنگیمه منیم

درویش دئدی:
خانیم بئله کسکین یازما علی گیرمه لی کول
دئییل لیلی خانیم دئدی ایشیز اولماسین آلدی
ینه ده لیلی خانیم:
چوخلاری گلیبدر ایمدن زارا
اون سککیز عاشیقی سالمیشام تورا
قارا داغدان گلسه شاعر شعرا
هئج بیر ییتمز دانگیما منیم

دئییم مکانیمی نشان به نشان
بیریانیم دریادیر یئریم همدان

بالاسلطان قیزی آدیملی لیلی خان
گلگینن دایان سن سنگیمه منیم

من علی نی ایسته ییدیر
اودور همدانا یازیب

سۆز تمام اولدو. عاشیق علی توی دان توپا
دوشوب واخت تاپمادی نامه‌نین جاوابین
گۆندرسین. لیلی خانیم آلتی آی عاشیق علی‌نی
گۆزلهدی بیر خبر اولمادی دئدی البت درویش
نامه‌نی وئرمه‌ییب بیر قاصد تاپیب دئدی: سندن
قاراداغ ماحالینین کلیبر قصبه‌سینده اولان عاشیق
علی‌یه بیر نامه گۆندیریم یا عاشیق علی‌نین اوزون
یادا نامه‌نین جاوابین گتیرمه‌لی‌سن. قاصد قبول
ائله‌دی لیلی خانیم گۆرک عاشیق علی‌یه نه
یازدی:

مندن سلام اولسون عاشیق علی‌یه
اوزاقدان بیلیمیشم بنیادین سنین
دوشمه‌ییبسن کامل اوستاد الینه
اودور قارا داغدا وار آدین سنین

عاشیق‌لیقدا صدام چیخیب هریانا
سالامیشام اون سککیز عاشیق زیندانا
ایسته‌رم گیره سن منله میدانا
چیخاردام آشکارا ایرادین سنین

قاصد دئدی: خانم ائله نامه یاز گل‌سین سن کی
بئله یازدین اونون گلمک نظری اولسادا قورخوب
گلمه‌یه‌جک. لیلی خانیم دئدی: منیم میدانیم
قورخوسوندان عاشیق گلنمزکی آلدی سونونجو
بندین:

قارا داغدان دوروب گل‌سن دوواسان
اومود اولما قادالاری سو واسان
شکاریمدا بنزه بیرسن اوواسن
لیلی یم اولارام صیادین سنین

**سۆز تمام اولدو. لیلی خانیم نامه‌نی وئردی
درویشه، درویش نامه‌نی گۆتوروب گلدی
چیخدی قاراداغ ماحالیندا کاظم خان ابواسینا
گۆردو توی مجلسی وار کاظم خانین اوغلونون
تویودور عاشیقی دا عاشیق علی‌دیر. درویش
مجلس ده اوتوردو عاشیق علی قاباغیندان
کئچنده لیلی خانیمین نامه‌سین اونا وئردی.
عاشیق علی نامه‌نی آچدی اوخودو گۆردو لیلی
خانیم اونا میدانینا چاغیریب رنگی قاچدی کاظم
خان دئدی: نامه‌ده نه یازیلیب گرک بیزه ده
دئیه‌سن آلدی عاشیق علی گۆرک نامه‌دن
بونلاری نئجه حالی ائله‌ییر:**

یئنه دردییم تزه لندی
بیرگۆزل پیمانا یازیب
عشق الیندن درده دوشوب
دویوب شیرین جانا یازیب

گیریب‌دیر عشقین گۆلونه
صدا سالیب‌دیر ائلینه
دوشمه‌ییب اوستاد الینه
بیر آز یئکه خانا یازیب

کاظم خان دئدی:

عاشیق علی سنین کی عاشیق‌لیقدا اوستونه بیر
کیمسه یوخدور بس سنین رنگین ندن قاچدی
عاشیق علی دئدی قولاق آس:
قوینوندا نار بسله ییب‌دیر
عاشیق‌لاری سسله ییب‌دیر

ياناغين داغلاردا لاله يه بنزر
يولوندا وئره رم جان سنه قوربان

صدرين آغ دير داغ باشيندا قار كيمي
سياه زولفون قيوريليبدير مار كيمي
باش وئريب سيننده قوشا نار كيمي
آرتيبدير شووكت له شان سنه قوربان

طاوس تك بزه نيب دوران چاغيندا
حورى تك كنيزلر سولو ساغيندا
عاشيق على دئير قارا داغيندا
بوتون دؤولت خانمان سنه قوربان

سۆز تمام اولدو. يولا دوشوب چاتديلارمميانا
شهرينه، مييانادا بير نفر واريدى شاعر حيدر
آديندا اليه نه عاشيق كئچسه توتوب باغلاييب
سازين آلاردى. عاشيق على بير كيشى يه دئدى:
قارداش بيز بير منزل آختاريريق گئجه نى اوردا
قلاق، او كيشى خايين بير آدام ايدى دئدى گلين
من سيزه مهمانخانا گؤرسديم بونلارى دوز
گتيريب شاعر حيدر ين قايى سين گؤستردى
اؤز وگئتدى. بالابانچى احمد قاپينى دؤيدو شاعير
حيدر چيخدى گؤردو ايكي نفر گليب بيرى
عاشيق دير. عاشيق على دئدى: قارداش بيزه بير
منزل وئره سن شاعير حيدر دئدى بورا مهمانخانا
دئييل كى سيزه منزل وئره ما سيزين ايشيم
وار يا گر ك من له دئييشه سيز يادا سازى وئريب
گئده سيز عاشيق على چوخ اصرار ائله دى شاعر
حيدر بونلاردان ال چكسين شاعر حيدر قبول
ائله مه دى.

آخيردا عاشيق على دئدى: نه سوروشورسان
سوروش قورتار.

سۆز تمام اولدو قاصد نامه نى گؤتوروب يولادوشوب
گتيريب نامه نى كليبرده عاشيق على يه وئردى
عاشيق على دئدى: قاصد دايان نامه نين جاوابين
آپار:

بالا سلطان قيزى آى لىلى خانيم
خبردار اول اول ماحالا گليرم
يازديغين نامه لر گلدى يئتيشدى
دوشمه گينن كج خيالا گليرم

يازييسان نامه نى دنگه سر كيمي
ميدانيندا دايانارام ار كيمي
آچيلييسان تازه غنچه تركيمي
اوز توتوبان اوديارا گليرم

انسان دارا دوشر قضا توتاندا
طبيب چارا بيلمز اجل چاتاندا
باغلاييب قوينوندا گيريب ياتاندا
على يم لىلى تك يارا گليرم

**سۆز تمام اولدو. قاصد نامه نى گؤتوروب همدا
سارى يولا دوشدو. عاشيق على بير فيكير ائله
دى دئدى بورادان همدا گئتمك آغير سفيردى
قوى اؤزومله بير يولداش گؤتوروم احمد آديندا
بير بالابانچى سى واريدى اونودا گؤتوروب. يولا
دوشدولر گليب بير يايلاقدا بير دسته قيزا
راست گلدولر قيزلارين بيرى دئدى:
عاشيق بيزه بير تعريف اوخو عاشيق على دئدى
آدين ندير قيز دئدى گول نشان آلدى عاشيق
على:**

باشينا دولانيم گول نشان خانيم
گونش دن باش وئرن دان سنه قوربان

آلدى شاعیر حیدر:

نئچه عاشیق جهان سئیرین ائدر دیز
کیمدن امر اولوندوهارایا گلدیز
کیمی ولی بیلدیز کیمی راهنما
کیمی دیگر ائله ییب بورایا گلدیز

علی:

ایکی عاشیق جهان سئیرین ائدر دیک
الله دان امر اولدو دونیایا گلدیک
علی ولی محمدی راهنما
اللهی بیر بیلپ بورایا گلدیک

حیدر:

کلام اوچون اوخوموشام چوخ آیه
شجر نه اوستونده سالیبدیر سایه
ازل گلدیز سؤیله هانسی دونیایا
اورادان نئچه شئی سیز اله آلدیز

علی:

کلام اوچون اوخوموشام بعض آیه
شجر داش اوستونده سالیبدیر سایه
آتانین بئلیندن گلدیک دونیایه
اورادان بند اعلا بیز اله سالدیق

حیدر:

حیدر سؤزون دئییه ر اؤز منزلینده
واجباتیز ندیر حاق تنظیمینده
الینده کی سازین بمی زیلینده
کیم یوندو بس سؤیله سیز اله آلدیز

علی:

علی روزی اوچون توتوب بیر صنعت
واجب اوروج نماز خمس ایله ذکات

موسیقی دن قالیب بیزه بو نعمت
افلاطون دوزه لتدی بیز اله آلدیق

**سؤز تمام اولدو عاشیق علی دئدی ایندی نوبه
منیم دیرکی سندن سوروشام عاشیق علی:**

عالیم محترم عارف کامل
ازل کیمه دئدی حاق کلامینی
نئچه ائل غرق اولدو کیم ائتدی چاره
خطر دن ائله دی خلاص جانینی

**شاعر حیدر کوردو یوزایل قالا بو سؤزه جاواب
تاپانماز دئدی: عاشیق علی هامی سین دئ بیر
یول جاواب وئریم آلدی عاشیق علی:**

اوکیمدیر دونیانی توتاجاق سسی
جانلینی جانیندان ائل نعره سی
سؤیله حاقین ندیر اوندان بهره سی
کیمدیر ازل بیلدی حاق ایلهامینی

علی

علی دئییر کیمدیر یوخدور وفاسی
هاردا قالدی قطع نفسین بیناسی
بودونینانین نه اوسته دیر داواسی
بیر بیریندن کدر ائدیپ هامینی

سؤز تمام اولدو. شاعر حیدر بیر جواب تاپمادی.
علی دئدی:

سنلن ایشیم یوخدور آنجاق بوندان بئله هرگوجون
چاتانا زور دئمه عاشیق علی احمدله یولا دوشوب
چاتدیلار. قیزیل اوزن چایی نین ساحیلینا عاشیق
علی دئدی: احمد سن بیر آز اوتور من بیر آز یاتیم
اوندان سونرا دوروم گنده ک عاشیق علی نی یوخو
توتدو احمد بالابانچی اؤز اؤزونه دئدی: بوسفر

اوندان دئییشردی یوخسا لیلی خانیم هر یونگول
عاشیق لا دئییشمزدی. پری جان خانیم
کنیزلرایله گزمله چیمیشدی گوردو ایکی نفر
گلیر بیرى نین الینده ساز وار اونلاری چاغیریب
عاشیق علی دن سوروشدو: عاشیق هارا گندیرسن.
عاشیق علی دئدی گئدیرم لیلی خانیم لا دئییشم
پری جان دئدی: اوندا گرەک اول من له
دئییشهسن باغلاسان گئدیب لیلی خانیم لا
دئییشه جکسن یوخسا اولده او سنله دئییشمز
علی دئدی: نه خبر آلیرسان آل.

آلدی پری جان

سندن خبر آلیم آی گلن عاشیق
سؤیله گوروم نه مکانا گلیسن
دومانا غرق اولان جومله قاز کیمی
هدف اولوب تیر کمانا گلیسن

عاشیق علی سازین کؤکله ییب آلدی گورهک
جوابیندا نه دئدی:

گل سنه سؤیله ییم پری جان خانیم
بومیداندا گؤهر کانا گلیمیشم
لیلی خانیم نامه یازیب ایسته ییب
دئییشمه یه بو میدانا گلیمیشم

پری جان:

گزمه لی سن اصفهانی کاشانی
تانیمارام نه سلطانی پاشانی
عاشیق لیغین سنده یوخدور نشانی
دوز ساتانسان بو دؤورانا گلیسن
علی:
دوزساتان دئییلیم قیمتلی زرم
صرآفین الینده لعلم گؤهرم

خطرلی دیر گنده ریک همدانا لیلی خانیم بونو
باغلایار منی ده توتوب زندانا سالارلار گل بو
آرادان چیخ احمد بالابانچی دوروب یاواشجا بیر
دیکی ایسته ییردی آشسین عاشیق علی یوخودا
گوردو بیر قولو قیریلیب دوشدو. یوخودان دیک
آتیلدی گوردو احمد بالابانچی آز قالیر بیردیکی
آشسین سسله دی دئدی احمد هارا گندیرسن؟
احمد دئدی بیر آز اودون ییغیرام اودیاندیراق
عاشیق علی عارف ایدی جریانى باشادوشدو دئدی
احمد گل بورا بیر کلمه ده سنین اوچون اوخویوم
گنده ک آلدی گورهک احمد نه اوخودو:

قیزیل اوزن چایی نه گور آخیرسان
دئ اوستوندن نچه جانلار کئچیب دیر
آدی بللی آذربایجان سددی سن
نچه نچه قهرمانلار کئچیب دیر

دونیا گردش ائتدی دؤندو بیر دؤوران
بس نئج اولدو قارا داغلی کاظم خان
کلید آذربایجان وزیر ایران
جاه جلال لی عالی شانلار کئچیب دیر

بودونیا قالما ییب پیره جاوانا
گدایا کیمسه یه سلطانا خانا
یولداشی باش قویور آذربایجانا
علی کیمی باغری قانلار کئچیب دیر

سؤز تمام اولدو. احمد گوردو عاشیق علی ایشی
بیلیب اوستون وورمادی دوروب یولا دوشوب
گلیب چاتدی لار همدانا. همداندا پری جان آدیندا
بیر قیز واریدی هر کس عاشیق لیلی ایله
دئییشمه یه گلسه یدی اول گرەک پری جان لا
دئییشه یدی پری جانی باغلا سایدی لیلی خانیم

میدانا گیرنده اسره میش نرم
مطلبیم وار شیرین جانا گلمیشم
پری جان:

پری جانام یاشین حددن آشیدیر
عقلین آزالیددی هوشون چاشیدیر
کاروان آدامیسان یولون دوشوبدور
یوخسا دوشوبسنمی قانا گلیبس
علی:

سایمارام من سلطانیمی خاندیمی
قورخوم یوخدور گرتؤکه لر قانیمی
علی دئییرمنده لیلی خانیمی
باغلاماغا همدانا گلمیشم

لیلی خانیم:
عاشیق اولان خوار ائلهمز
ایگیت اولان عار ائلهمز
یوزمین قوشون کار ائلهمز
منم بیر قلعهی خیبر

علی:
اوخورام سورهی یاسین
چاغیررام قنبر آغاسین
ییکارام خئیر قالاسین
منم بیر پولاد شش پر

لیلی خانیم دئدی او بیر عاشیقلارا رحم
ائلهمیشم زندانا سالدیرمیشام سنین وئرهجیم
بوینونو وورسونلار آلدی سؤزونون سونون:

لیلی یم یانمیشام نارا
قنیم من عاشیقلارا
سنی ده چکدیرم دارا
وای خبرین ائله گئدر

عاشیق علی دئدی آل جاوابین:
من علی یم عار ائلهرم
آچان گولون خار ائلهرم
سنی آلیب یار ائلهرم
سنی توتوب قضوو قدهر

سؤز تمام اولدو. یئنه ده لیلی خانیم قاباغادوشدو
آلدی گؤرهک نه خبر آلدی:
سندن خبر آلیم آی عاشیق علی
ندن خلق اولوندو آدم وحوّا
لاف ائله مه سؤالیما جاواب وئر
یارانیب هاردادیر جنت ماوا

سؤز تمام اولدو پری جان گئدیب عاشیق علی نین
گلمهیین لیلی خانیم خبر وئردی. لیلی خانیم
دستور وئردی میدان سولاندی لیلی خانیم دا
عاشیق علی ده میدان وارد اولدولار لیلی خانیم
گؤردو بارا قویوبدور.
عاشیق علی نین آلتیمیش یاشی اولار بونون یاشی
هئچ ایرمی یه چاتماییب دئدی داها ایش ایشدن
کئچیب سه تارین کؤکلهیب آلدی گؤرهک
عاشیق علی دن نه خبر آلدی:

هذیان دئییب لاف ائلهمه
گل میدانا گؤستر هنر
باغلادارام قوللارینی
قورللاریندان وورام تبر
عاشیق علی دئدی چوخ یئکه دانیشیرسان جاوبینا
قولاق آس:

آلا گؤزلو لیلی خانیم
گل مندن ائلهمه کدهر
من بیر آلیجی تارلانا
سن صوناسان سینهسی تر

علی دئدی:

آب و آتش خاک و باددان یاراندی
قدرت الاهی دن آدم و حوا
پیغمبر معراجا گنده نده گوردو
یئددی گۆیدن اوستده جنت ماوا

لیلی خانیم:

اون بئش قارا قول وار سرای ایچینده
دؤرد فرآش دولانار هر آی ایچینده
ایکی قول دولانار هر آی ایچینده
اگر بیلسن سنه صد بارک الله
علی:

اون بئش گنجه گنده سرای ایچینده
دؤرد هفته دولانار هر آی ایچینده
غدير خُم له قوربان بیر آی ایچینده
اسلاما بایرام دیر بؤیوک دور والا
لیلی خانیم:

اوکیمدیر هاوادا گزدی بو ساطی
اوکیمدیرکی فتح ائله دی ظلماتی
او کیمدیرکی ایچدی آبی حیاتی
لیلی دئیهر هاردا یئتیشر هیا
علی:

سلیمان هاوایا میندی بوساطی
اسکندر دولاندی گزدی ظولماتی
علی یم خضر ایچدی آبی حیاتی
دیری دیر چوخ یئرده یئتیشرهیا

سؤز تمام اولدو. دؤوره دن احسن سسی گۆیه
اوجالدى لیلی خانیم دئدی . بوگون بس ائلر
دئیشمه میزین قالانی قالسین صاباحا جاماعات
داغیلدی. لیلی خانیم قیزلاری ییغدی باشینا
دئدی: صاباح نوبه عاشیق علی نین دیرکی قاباغا
دوشوب سوروشسون وضعه باخیرام او منی فوری

باغلایار گنجه یاریسی اونلار یاتاندا کجاوانی
حاضیرلایین من شهردن چیخیم قیزلار دئدیلر:
خانیم سن بو شهردن گئتمه لیلی خانیم دئدی:
عاشیق علی منی باغلاسا شرط کسمیشم منی
آلاجاق او آلتیمیش یاشیندا بیر قوجا، منده اییرمی
یاشیندا بیر جاوان. کجاوانی حاضر ائله دیلر لیلی
خانیم ایسته دی شهردن چیخسین عاشیق علی
یوخودا گوردوکی بیر آغاجین یاشیندا بیر دسته
قوش واریدی هامیسی اوچدو تئز یوخودان آییلیب
چیخدی ائشیکه گوردو. لیلی خانیم مینیب کجاوه
یه ایسته بیر گنده گلیب کجاوه نین قاباغین
کسدى لیلی خانیم آندا وئردی دئدی: علی سنی
آند وئرمیشم بیر الله مندن ال چک علی دئدی
خانیم اوندا اجازه وئر بیرین اوخویوم اوندان سونرا:

اووچوسوندان اورکوب قاچان جیرانیم
چکمه سینم اوسته چار یاز داغ یئری
ساخلا کجاوه نی آی لیلی خانیم
اولگینان دردیمه بیر اورتاغ یئری

ایگیت اولان گۆز لر یار ایلقارینی
بولبول اولان چکر آهی زارینی
کؤنلوم ایستر آغ سیننه نین نارینی
آچگینان گۆر سنسین گۆزل چاغ یئری

عاشیق علی دئدی خانیم منه سن اؤزون نامه
یازیب چاغیریسان ایندی بس ندن قاقیرسان
آلدى سؤزونون سونون.

من علی یم نلر کئچیدیر مندن
یوک توتوموشام دوررو گؤهر یمندن
قارا قوش تک قاینق ووررام سینندن
قانی قاچار مودام قالار آغ یئری

سۆز تمام اولدو.

لیلی خانیم دوشدو یالوارماغا عاشیق علی گۆردو
انصاف دا دینین یاریسی دیر. قوجایلا جوانین کی
توتماز لیلی خانیمی وئردی عمی اوغلو سو محمد
بی یه اؤزده تویون ائله ییب قایتدی قارا داغا.

«عاشیق علی ایله رافی داستانی»

کچمیش زامانلاردا کلیبرده ایکی قارداش
واریمیش. بیرینین آدی ابراهیم بی بیر ایسه
صالح بی. کلیبرین اطرافیندا بیر نئچه کنده
مالیکیمیش لر. ابراهیم بی صالح بیئدن بؤیوک ایدی.
آلاه تعالا بونلار ائولاد وئرمه میشدی. تکجه
آرزولاری ائولاد ایدی. بیرگون ابراهیم بی غمگین
اوتوروب ائیواندان تاماشا ائیدردی، قارداشی
صالح بی گلدی سلام وئریب قارداشی ابراهیم بیئین
یانیندا اوتوردو گۆردوکی قارداشی بونون سالامین
آلمادی، دئدی قارداش ندن منیم سالامیمی
آلمادین دردین ندیر ابراهیم بی دئدی: قارداش الله
تعالا بیزه ائولاد وئرمه دی بونا فکر ائدیرم کی بیز
اؤلندن سونرا یوردوموزدا قالان اولما یاجاقدیر.
صالح بی ابراهیم بیئیه دئدی: قارداش گله سن بیزده
بیر احسان وئره ک بلکه ده حاق تانری
یوخسوللارین دوعاسین قبول ائله ییب. بیزه ده
ائولاد وئردی. ابراهیم بی قارداشین سؤزونو قبول
ائله دی، نؤکرلرین چاغیرب دئدی: گئدین
کندلرده جار چکین کی ابراهیم بی ایله صالح بی
صباحدان کلیبرده احسان وئردیره جک. هامی
گلیب او احساندان یئییه بیلرلر، احسان هامی
اوچوندور. دؤوره کندلردن گلیب کلیبرده احسان
یئینلر بیرلیکده دوعا ائله دیلر هامی گئندن سونرا
ایکی قارداش اوتوردولار احسان سوفره سینین

باشیندا اللرین گۆیه قالدیریب حاق تانیردن
ایسته دیلرکی اونلار دا ائولاد عطاء ائله سین.
سوفره نین قالان خیردا چؤره کلرین ده سئچیب
یئدی لر. دوعلاری اجابت اولاراق. هر ایکی قارداش
عهد و پیمان باغلادیلارکی اگر ائولادلاری نین
بیری قیز بیری اوغلان اولسا بونلاری بیر بیرینه
نشانی ائتسینلر. هر ایکی قارداش بو عهدی قبول
ائتدی لر. دوققوز آیدان سونرا خانیملار اوشاقلاری
دونیا یه گتیردی لر. آلاه صالح بییه بیر قیزو
ابراهیم بییه بیر اوغلان عطا ائله دی.

اوچ گوندن سونرا بونلار آد قویما مجلسی
قورولدو. اوشاقلاری گتیردی لر مجلسه ابراهیم بی
اوشاقلار آد قویماغا باشلادی. اوغلانین آدینی
غفار. قیزین آدین محبوب آدلاندیردی. مجلسده
شیرینی پایلاندی هامی مبارک اولسون
دئدی لر. اوشاقلار یئددی یاشلارینا چاتاندا عاشیق
علی نین مکتبینه قرآن درسی اوخوماغا
باشلادی لر. عاشیق علی یه شریعتدن باش
چیخارماغینا گۆره ماللا علی ده
دئییرمیشلر. اوشاقلار اون بئش یاشا دولاندا ابراهیم
بی دنیا سین دییشدی غفار بی آتاسی نین یئرین
آلدی غفار بی ماللا علی یه دئدی عم قیزی مه
تکجه درس وئر درسین قورتارسین ایستیرم بو ایل
اونلا توی ائدم ماللا علی محبوب خانیم تکجه
درس وئرمه یه باشلادی بیرگون پنجره دن یئل
اسیب محبوبون اؤرپوگون اوزوندن کنار ائده رک
اونا بیرقوشما قوشدی:

بادی صبا مندن یارا دئییرسن
اؤلدوم بو دردینی پنهان چکمکدن
زولفون کیمی بالا بالا اینجلدیم
گئجه گوندوز آه و فغان چکمکدن

غفاربی پنجرەدن باخیردی گۆردوکی مالاعلی
عمیسی قیزینا قوشما اوخویور. آز قالدی دلی
دیوانه اولسون.

قیز ائشیگه چیخان غفار ماللاعلینی دانلادی.
محبوبا بیر سیللی ووردو دئدی: منی بوردا قویوب
علینی اؤزونه سئوگی قرار وئیرسن. محجوب
آجیق ائله دی. غفاربیئدن آیریلدی. آیریلاندا
دئدی: سن اگر سۆزده ماللاعلینی باغلاماسان
گئده جیم ماللاعلی، بو سۆزو محجوب دئدی
آرادان چیخدی گئتدی. غفاربی اوردان گلدى بیر
باشا یئتشدی ارنلر یاتاغیندا آغلادی، آغلادی، بونو
یوخو توتدو، بونون یوخوسونا کیم گلدى ارنلر
سروری حضرت علی(ع) دئدی: اوغول آل الیمدن
بو بادهنی نوش ائله. غفاربی دئدی: آقا بیز باده
ایچمه ریک.

آقاسی بویوردو: بو سن دئدیگین باده لردن دئییل.
بو باده سنه شعر ایلهامی وئره جکدیر. آل نوش
ائله. غفاربی بادهنی آلیب ایچدی. موولاسی
بویوردوکی: بوندان بئله آدین اولدو رافی، اؤزونه
گۆزله ماللاعلی یه چوخ دولاشما، اودا بو باده دن
نوش ائله ییب. رافی باده ایچدی دئدی: آقا بیرینده
وئر. گۆردوکی آقاسی یوخدو. قیشقیریپ یوخودان
اویاندى. دؤوره دن دئدیله: نندن آغلا ییرسان؟
دردین ندی؟ بوردا آلدی گۆرک دؤوره سینده کیلره
نلر دئدی.

رسول کی او زامان معراج ائله دی
آسماندا قاباغینی کسدى شیر
قاب القوسی جامالینا باش آیدی
ملک لر شانینه سؤیله دی تکبیر

نئچه نئچه دربالاری او کئچدی
اوزو گئتدی عرش اعلا یه یئتشدی

حبیب عرشى موعللادا گۆرۈشدی
حاقین دامنیندن توتدو دستگیر

او عرشى اعلا دان یئتشدی ندا
اوندا یئتیردی اونا دا بیر صدا
رافى نین آقاسى حبیب خدا
حاقین بویوردوغون عرض ائتدی بیر بیر

**دؤوره دن اونا احسن دئدیله. رافی اوردان
قاییتدی ائولرینه. گۆتوروب ماللاعلی یه بئله بیر
نامه یازدی:**

بورج زهل عقرب اوسته دوشنده
ماسوادان نورون کسر ماهتاب
دولانیب مریخه گلنده زهره
شمس گردیشینده ائله ییر شیتاب

او ندی رکی گردیشینده ایشینده
او کیم دیرکی تاریخ یوخدو یاشیندا
او ندی رکی اوچده، دؤرده، بئشینده
حدیث کسادان اولوندو حساب

او ندی رکی گلمز کسین گۆزونه
نه اولدوزدو گلدى یئرین اوزونه
کامل اولان من رافی نین سۆزونه
اگر کی عارف سن وئرگینن جواب

بونو یازدی وئردی نؤکری عبدالله ا دئدی: آپار وئر
ماللاعلی یه نامه حاقیندا بیر سۆز دئمه. عبدالله
نامه نی گۆتوروب گتیردی وئردی ماللاعلی یه.
ماللاعلی نامه نی آچیب اوخودو. گۆردوکی رافی
آدیندا شاعر بونا بیر قفیل بند یازیب اما رافی
آدیندا شاعر تانیمیر. نامه نی آتدی بیر یئرده
قالدی. رافی گۆردوکی یازدیغی نامه دن بئش گون

گلیب میدانا ایندی گۆتوردو گۆرهک رافی ماللاعلی دن نلر خبر آلی.

رافی:
 من بیر دریایی عومّانام
 چکمہرم کیمسہدن مَنّت
 غواص کئچمز آداسیندان
 بی غرض کی خدا سندن
 رافی:

اهل مؤمون بهشته دی
کئچنلر سرگذشته دی
قوللوغوندا فرشته دی
باشلا یاق ابتدا سندن

علی:
 فتنه فساد آئتمه پئشه
 سالارام سؤنمز آتشه
 چکرسن الیمدن حاشا
 اولار روحوں جدا سندن
 رافی:

تمام سۆزون حقيقتدير
 على سنده نه عادتدير
 رافى يه بو سعاددير
 دايم گلير هاوا سندن
 على:

دۇۋرەدن دۇندىلر: ايندى نوبت ماللا علي
نيندير. بوردا آلدې ماللاعلي رافيدين بئله خبر
آلدې.

سۆزلىرىمى رافى آلدين مى سؤيله
شاعير ليقدا من والايم سن نه سن

واردی بو سینه‌مده دوررو گۆهریم
معرفتده من اعلایم سن نه‌سن
رافى:

حاضیره دور شاعرلرین صفینده
سۆز دئمکده من عمانام سن نه‌سن
فیکیر ائله ایشین دالین آزجانا
غلامی شاه مردانام سن نه‌سن
على:

عبث دوشوبسن می پیسه یامانا
ایمدن گئدیرسن آخر آمانا
صیدقینان سیغیندیم شاهی مردانا
من غلام او مولایام سن نه‌سن
رافى:

لامکان شهرینه عزم ائله‌میشم
شعر میدانیندا رزم ائله‌میشم
عاشیق‌لیق میدانین عزم ائله‌میشم
تخت اوستونده سلیمانام سن نه‌سن
على:

على یم گلمیشم میدانه بوگون
ائیلرم سنی ده دیوانه بوگون
سس صدا سالمیشام هریانا بوگون
هر بیر سۆزه بیر معنایام سن نه‌سن
رافى:

رافى یم ائلرم سنی شرمنده
آقام نشانه‌سی قالیب‌دی منده
سنی آهو کیمی ساللام کمنده
شکاریمی من آلام سن نه‌سن

رافى دئدی: میدان ایندی منیمدی بوردا آلدی

گۆره‌ک علی‌دن نلر خبر آلیر:

على خاطیر قالسین کۆنول قالماسین
لاف ائله‌مه دور گل میدانه على

سؤیله‌گینن سوآلیمین جاوابین
دانیش‌گینان مردی مردانه على
على:

من بیر اصلان کیمی ائلرم جنگی
قالارسان مئیداندا آواره رافى
الیندن آلدیرام دارنا دارینی
مؤحتاج اولارسانمی هر واره رافى
رافى:

عالم شاعر اولامات ائتمز منی
حاق منی یارالتدی علمین معدنی
ائله بیر آتسه سالارام سنی
گئدرسین فرنگه درمانه على
على:

منم بو میداندا بوگون مهندس
سینمده واریمدی نئجه مین حدیث
دئیهرم دیوانی، مخمس، تجنیس
سالارام ائلیندن کناره رافى
رافى:

چیخیب تخت اوستونه بهرام فلک
بو میدان بحر اولسون گل ائيله‌یه‌ک جنگ
گوره‌ک کی کیم کیمی سالیبر کمنده
کیم اولور عشقه سروری هوشنگ
على:

منه کار ائله‌مز روم ایله قئیصر
سن عشقین مولکونو گل ائله آهنگ
یئریمدن ذره‌جه ترپه‌ده بیلمز
ییغلیب جم اولسا هند ائله فرنگ
رافى:

شاعر اودو سۆز دئمییه سرسری
سۆزو دوز سؤیله‌یه سۆز اوستاکاری
قولاق وئر سۆزومه سۆز کامانداری
منم سۆز مولکونده بیر بؤیوک نهنگ

رافى:

نئجه طا دیر پیش نمازی بورودی؟

نئجه ظا دیر کربلادا یثیری؟

نئجه عین دیر قاف داغینی اریدی؟

اگرکی قویسایدی جلیل جبار

علی:

طا طوقودور پیش نمازی بورودی

ظا ظلمودور کربلادا یثیری

عین علی دی قاف داغینی اریدی

اگرکی قویسایدی جلیل جبار

رافى:

نئجه غین دیر گردون ایله دولانی؟

نئجه ف دیر هئچ تاپمادی اعلانی؟

نئجه قاف دیر سئچر دوغرو یالانی؟

اگر یالان اولسا وئرر بیر فشار

علی:

غین بیر غول دور گردون ایله دولانی

ف فرعون دور هئچ تاپمادی اعلانی

قاف قرآن دیر سئچر دوغرو یالانی

اگر یالان اولسا وئرر بیر فشار

رافى:

نئجه کاف دیر واجب اولدی انسانا؟

نئجه گاف دیر قاناد گردی جهانا؟

نئجه میم دیر ال اوزالتدی آسمانا؟

گوردی بلند اولوب اوردا آهی زار

علی:

کاف کلمه دیر واجب اولدی انسانا

گاف گون دور کی قاناد گردی جهانا

میم محمد ال اوزالتدی آسمانا

گوردی بلند اولوب اوردا آهی زار

رافى:

نئجه نون دور یئددی داغی ایبیدیر؟

نئجه واو دیر کلى عالم گوروبدیر؟

نئجه ه دیر داد و فریاد قیلیبیدیر؟

گورمه ییبیدیر اونو حی کیردیگار

علی:

نون نمازدی یئددی داغی ایبیدیر

واو واقعه کلى عالم گوروبدیر

ه هاجر دیر داد و فریاد قیلیبیدیر

گورمه ییبیدیر اونو حی کیردیگار

رافى:

نئجه لام الف لا دریا قورودی؟

نئجه ی دیر ایکی گوزدن کورودی؟

رافى دئییر ازل کیملر وار ایدی؟

آچدی گوزون گوردی همین روزیگار؟

علی:

لام الف لا ناققا دریا قورودی

ی یعقوبدور ایکی گوزدن کورودی

علی ازل شاهی مردان وار ایدی

آچدی گوزون گوردی همین روزیگار

رافى:

رافى یم دورموشام مردانه بوگون

باغلاب ائدرم بورادان سورگون

سینه نه چکرم مین داغی دوگون

مجنون تک اولارسان دیوانه علی

علی:

علی یه کار ائتمز او رومو قئیصر

کل عالم اولسا دوشمان سراسر

سنی ساللام کلیبردن دربه در

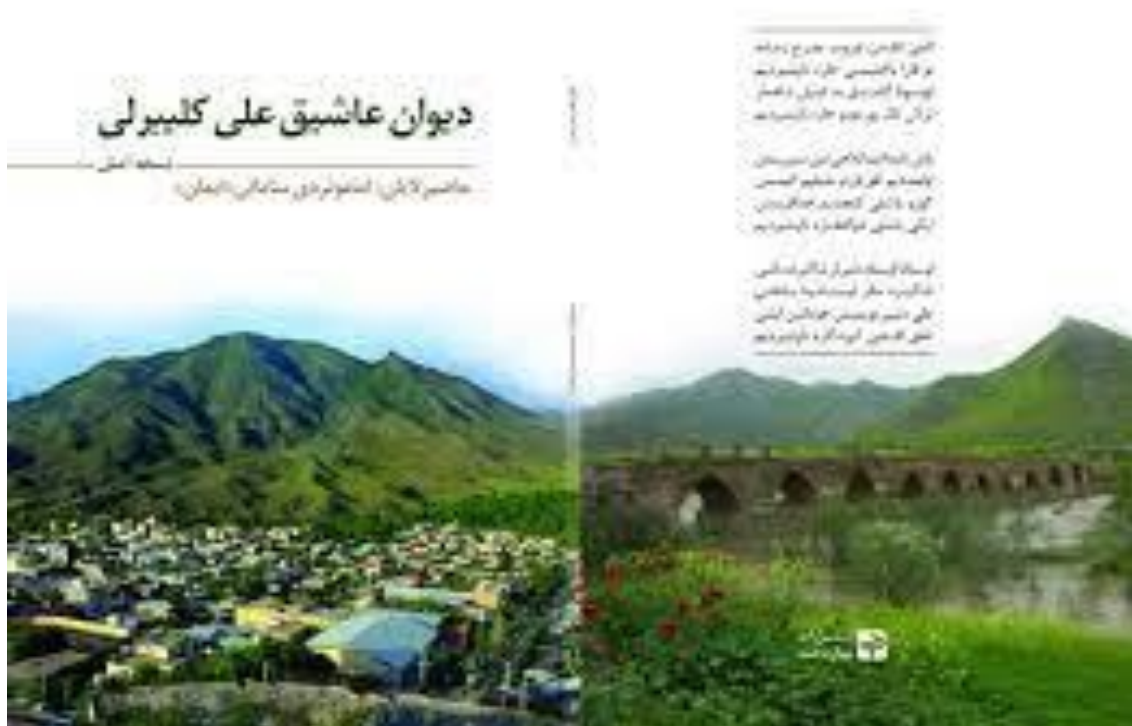
گوزنلر سؤیله یر بیچاره رافی

بو میدان تمام اولدو. هرکس قاییتدی اؤز منزلینه

بو دئییشمه گئتدی چاتدی رافی نین دایسی

ماللاشریفین قولاغیناکی رافی ماللاعلینی میدانینا

چاغیریب اونلا دئییشمه باشلادی. ماللاشریف



بادی صبا مندن یارا دئیهرسن
داها بیزیم یانا گلیمیر گلمه‌سین
آلیشیب اودونا بیر یان اولموشام
رحمی من جاوانا گلیمیر گلمه‌سین

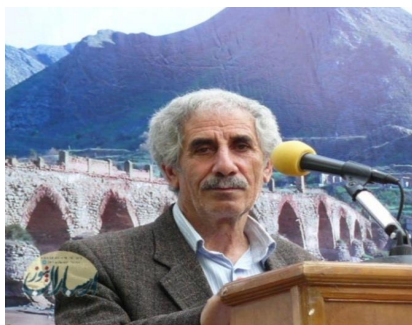
سارالدى سارالدى گول رنگیم سولودو
ناگاهدان گوزلریم قان ایله دولودو
یارا سؤیله یارین نیگران اؤلدو
اگر قبرستانا گلیمیر گلمه‌سین

رافی قوربان او قامته سئوگیلیم
او قامته کرامته سئوگیلیم
دیدار قالدی قیامته سئوگیلیم
بولبول گولوستانا گلیمیر گلمه‌سین

بو نامه‌نی یازدی وئردی باجی‌سی بادی صبايه.
بادی صبا نامه‌نی گتیردی وئردی محجوبا.
محجوب نامه‌نی اوخودو، دورودو بادی صبا ایله
گلدی رافی گيله گوردو رافی اولوم یاتاغیندادی،
باشلادی آغلاماغا. رافی محجوبون آغلاماغین

اونلاری کلپیرین مسجدینه دعوت ائله‌دی. هم
رافی گلدی هم ده ماللاعلی. بو خبر گئتدی
چاندی محجوبون قولاغیناکی رافی‌نین داییسى
ماللاشریف اونلاری باریشدیرماق اوچون مسجدیه
آپاریب. بو یاندان محجوب گلیب اوتوروب
مسجدین قاپسیندا گۆزله‌دی اونلار مسجدین
چیخالار. ماللاشریف دئدی: باجی اوغلو گل بو
مسجدین ائحترامینا ماللاعلی‌دن ال گۆتور. رافی
دایسینا گۆره بیر سۆز دئمه‌دی. قبول ائتدی.
مسجدین هامی چیخدی. بویاندان رافی ایله علی‌ده
چیخیب گئندنه محجوب دئدی: رافی اگر علی ایله
دئییشیب اونو باغلاماسان گئدیپ علی‌یه سنی
آغلار قویاجاغام. رافی مسجدین قاپسیندا دئدی:
ماللاعلی بوردا دئییشمه‌لی ییک. او حالدا رافی
سانجیلاندى بونو اولوم حالیندا گۆتوروب گتیردیلر
ائولرینه. رافی گۆردوکی عمیسی قیزی گلمه‌دی.
گۆتوروب گۆره‌ک عمیسی قیزینا نئجه بیر نامه
یازیب. باجیسی بادی صبادان گوندردی.

امامویردی سامانی کیم دیر



اعطای درجه هنری به «امامویردی سامانی»
شورای ارزشیابی هنرمندان، شاعران و نویسندگان
کشور به «امامویردی سامانی» - شاعر و نویسنده
پیشکسوت شهرستان کلپیر، نشان درجه سه
هنری اعطا کرد.

به گزارش ایسنا، امامویردی سامانی متولد ۱۳۲۵
در شهرستان کلپیر و رئیس انجمن ادبی حکیم
نباتی این شهرستان است.

او تاکنون نه کتاب در حوزه شعر به زبان‌های
ترکی و فارسی منتشر کرده و جدیدترین اثر خود
به نام "سامانی غزل لری" را در دست چاپ دارد.
از آثار وی به "تای گۆز پیشیک"، "قارداغ
اولدوزلاری"، "سامانی دیوانی"، "تولو قوشی"،
"شعر اجاقی"، "سلام بر حیدربابا"، "خیرداجا
قارابالیق"، "سامانی غزللری"، و "دوشکون
قارتال" می‌توان اشاره کرد.

مطابق مصوبات دولت و شورای عالی انقلاب
فرهنگی، اعطای نشان درجه یک هنری به
هنرمندان و نویسندگان، هم طراز با مدرک دکتر،
درجه دو هم طراز با مدرک فوق لیسانس و درجه
سه معادل مدرک لیسانس در دانشگاه‌های رسمی
کشور است و دریافت کنندگان درجه از همه
امتيازات مربوط به قانون مدیریت خدمات کشوری
برخوردار خواهند بود.

اُشیتدی گۆزون آچدی محبوبو گۆردو. بوردا
آلدی گۆرهک محبوبا نلر دئدی.

ساللانیب نازینان گلن نازنین
قدم قویوب سن اوتاغا خوش گلدین
حوری ده پری ده سنه تای اولماز
قدم قویوب سن اوتاغا خوش گلدین

واردی او گۆزلرین نازی اداسی
جاوان جانیم گۆزلری نین فداسی
بلالی باشیمین سن سن سئوداسی
قدم قویوب سن اوتاغا خوش گلدین

رافى دئیه حقیقتی بیلن یار
آلا گۆزدن آخان یاشی سیلن یار
اوینایان یار دانیشان یار گولن یار
قدم قویوب سن اوتاغا خوش گلدین

محبوب گۆردوکی رافى نین حالی ناگاهدان
قاریشدی گندیب ماللا علینی گتیردیله حاق
تانزیدان رافى نین شفاعت ایسته‌دی، رافى
یاتاغیندان قالخیب ال اوزالدىب ماللا علی ایله
گۆروشدو، یئددی گون یئددی گنجه رافى ایله
محبوب توی توتدولار و ایکی آدقلیلار بیر
بیرلرینه چاتدیله.

بو اولای لاردان سونرا عاشیق علی مشکین
شهرین اوچ آغاجلیغی «دستگیر» کندینه کؤچ
اُدر کن او کندده حیات سوروب، و اوردا دا توپراغا
تاپشیریلیبیدیر، ایندی ده اونون قبری دستگیر
کندی نین اهالی‌سینین اینامیندا شفاعتلی بیر
اوجاق سانیلیر، روحو شاد، یئری جنت، یولو
گئدرلی، ساغ اولون، شنلیکلره.

عرب خىلافتى خىزىر خاقانلىقى مۇناسىبتلىرى

(سكيزىنچى عصرىن ايگىنچى يارىسى - ۱۰ جى عصرىن سونلارى)

ƏRƏB XİLAFƏTİ - XƏZƏR XAQANLIĞI MÜNASİBƏTLƏRİ

(VIII ƏSRIN IKINCI YARISI – X ƏSRIN SONLARI)

Məhərrəm Əhmədov

محرم احمد اوو

بىز، نىسبى اولاراق عرب-خىزىر مۇناسىبتلىرىنى اوچ
مرحله يە بۇلە بىلرېك. بو مرحله لر راشىدىلر
خىلافتى (۶۳۲-۶۶۱)، اموى خىلافتى (۶۶۱-۷۵۰-
۷۵۰)، عابباسى خىلافتىدىر (۷۵۰-۱۲۵۸).

ايلىك ايلىك مرحله اۆزۈنۈن حربى- سىياسى
خۇسۇسىيەتلىرىلە خاراكتېرىزە اولۇنۇر. عابباسى
خىلافتى زامانىدا طرفلر آرسىندا مۇھارىبە لر
مىنوموما ائىمىش، اونو ايقتىسادى-تىجارى و
دىنى-ايدئولوژى مۇناسىبتلر عوضلە مە يە
باشلامىشىدىر.

بعضى تەدقىقاتچىلارن رايىنە گۆرە، خىزىر
خاقانلىقى ۶۵۱-جى ايلدە، قىرى تورک خاقانلىقى
نېن سوقۇتۇندۇن سۇنرا يارانمىشىدىر. خىزىر
خاقانلىقىنى اونون ھوقۇقى وارىشى حساب ائىتمەك
اولار [۸، ۱۸۹]. . مۇستەقىل خىزىر خاقانلىقىنى
يارادان آشىنا سۇلالە سىتۇرک خاقانلىقىنى
يارادان سۇلالە دىر. قىرى تورک خاقانلىقى سوقۇت
ائىدىكىدن سۇنرا، ھىمىن سۇلالە خىزىر خاقانلىقىنە
ياراتدى [۱۰، س. ۲۲]. دوزدور كى، قىرى تورک
خاقانلىقىندۇن سۇنرا بولقار خانلىقىدا يارانمىشىدى.
لاكىن اونو يارادان كۇبارات خانىن اۆلۈمۈندۇن
سۇنرا، خانلىق اونون اوغۇللارى آراسىندا بۆلۈندۇ.
سۇنرالار خىزىر خاقانلىقى نېن ھۇجۇملارى نەتىجە
سىندە اىستىقلاليتلىرىنى ايتىردىلر. اولارن بىر
ھىصە سى آسپاروخا خانىن باشچىلىقى آلتىندا
آزادلىقلارنى قۇرۇنۇق اوچۇن دۇنای چاپى



عرب-خىزىر مۇناسىبتلىرى دۇنيا تارىخى نېن مەھم
مرحله لرېندۇن بېرىدىر. ۳۰۰ اىللىك مۇناسىبتلر
تارىخى اۆزۈنۈن حربى-سىياسى، ايقتىسادى
تىجارى، دىنى-ايدئولوژى خۇسۇسىيەتلىرىلە
خاراكتېرىزە اولۇنۇ بىلر. عرب-خىزىر مۇناسىبتلر
مرحله سى آذربايجان اوچۇندە بۆيۈك اھمىت
كسب ائىدىر. بۇلە كى، آذربايجان اراضىسى،
خۇسۇسەن آلبانىيا دۇۋلتى بو مۇناسىبتلر سىلسىلە
سى نېن اساس مەركىزى اولمۇشۇدۇر. قىد اولۇنۇن
مۇناسىبتلر مرحله سى مۇبەت-مەنفى يۇنلرلە
خالقىمىزىن حىياتىندا مەھم اىزلر قۇيۇمۇشۇدۇر.

ساحیللرینده مۇوجود بولقاریستانی قوردولار [۴۹-۴۸.س.]. وئرلین معلوماتلاردان چیخیش ائدرسک، خزر خاقانلیغی نین قریب تورک خاقانلیغی نین هوقوقی واریثی اولدوغونو گۆره بیلرک.

ایلك عرب هوجوملاری خزر دؤولتی نین تشككولونون اولرینه تسادوف ائدیر. اموی خیلافتی و عابباسی خیلافتی نین ایلك ۶۰ ایلینی خزر خاقانلیغی نین قودرت باخیمیندان چیچکلنمه تاریخی کیمی، خاراكتئریزه ائده بیلرک. عابباسی خلیفه سی هارون ار-رشیددن (۸۰۹-۷۸۶) سونرا خیلافتده تنزول باشلادیغی کیمی، همین ایللرده خزر خاقانلیغیندا باش وئرن دینی ایدئولوژی دییشکلیک دؤولتین ایداری سیتمیمی نین دییشمه سینیه سبب اولدو. بو ایسه دؤولتین تدریجن زیفله مه سینیه و محوینه زمین یاراتدی.

عابباسی خیلافتی- خزر خاقانلیغی موناسیبتلرینه کئچمه دن، ایلك ایکی مرحله حاقیندا قیسسا معلومات وئرمک، مۇوزو باخیمیندان مارق دوغورور. بیلیندیگی کیمی، ایلك عرب-خزر موناسیبتلری ایکینجی راشیدی خلیفه سی اؤمر ب. خطاب (۶۴۴-۶۳۴) حاکیمیتی نین سونلاریندا اولموشدو. او زامان، خزرلر دئ-یورئ اولسادا، قریب تورک خاقانلیغینا تابئ ایدی. عربلر، آذربایجانین ان شیمال بؤلگه سی دربندی ایشغال ائتدیکن سونرا، خزرلرله همسرهد اولدولار. خلیفه عثمان ب.ففوان (۶۴۴-۶۵۶) زامانیندا اونلار آراسیندا حربی تماسلار باشلادی. دربندی اله کئچیرن عرب اوردولاری خزر دؤولتی نین درینلیکلرینه نوفوز ائتمک ایسته دیلر. خزر خاقانلیغی حاقیندا کیفایت قدر معلوماتلی اولان دربند حاکیمی شهریبباز اونلاری بو نیتدن چکیندیرمه یه چالیشسادا، اونو دینله

مه دیلر. آذربایجانین ایشغالیندا یاخیندان ایشتیراک ائتمیش کوماندانلاریندان عبدالرحمان ال بحیلی بلنجر اوزرینه هوجوم ائتدی. اونلارین هوجومو مغلوبیتله نتیجه لندی. عبدالرحمان بو دؤیوشده اؤلدورولدو [۱۳،ص. ۱۵۹]. او، خزرلرله دؤیوشده اؤلدورولن ایلك کوماندان ایدی. عثمان بن افغانین حاکیمیتی نین سونلاریندا خیلافت داخیلینده باش وئرن عوصیان اونون قتلیله نتیجه لندی. خلیفه علی (ع) بن ابوطالبین (۶۶۱-۶۵۶) خلیفه لیگی دؤورو وطنداش موحاریبه سیله تاریخده قالمیشدیر. خیلافت داخیلینده کی بو قاریشقلیق فتح حرکاتی نین قارشیسینی آلدی.

ایلك اموی خلیفه سی معاویه بن ابو سوفیان (۶۸۰-۶۶۱) زامانیندا باشلایارق، خزرلرین آلبانیا اراضیسینه هوجومو ایله موناسیبتلر گرگینلشدی. عبدالملیک بن مروان (۷۰۵-۶۸۵)، وئلید ب. عبدالملیک (۷۱۵-۷۰۵)، سلیمان بن عبدالملیک (۷۱۵-۷۱۷)، عمر بن عبدالعزیز (۷۲۰-۷۱۷)، هیشام ب. عبدالملک (۷۴۳-۷۲۴) زامانلاریندا عرب- خزر موحاریبه لری داواملی شکیلده باش وئرمیشدیر. او دؤیوشلرده، مشهور عرب سرکده لری و والیلری محمد بن مروان، مسلمه بن عبدالملیک، الجراح الحاکم، مروان بن محمد ایشتیراک ائتمیشدیر. الجراح بو دؤیوشلرده قتل ائدیلن ایلك والی ایدی [۱،ص. ۱۰۸]. عرب-خزر موحاریبه لری منتظم باش وئرسه ده، اونلار آراسینداکی سرحد عینی اولاراق قالیردی. طرفلر آراسینداکی قالیبت تئز-تئز دییشیردی. بو موحاریبه لر آراسیندا ان یاددا قالان و اهمیتلیسی، آذربایجان و ارمنیه والیسی مروان بن محمدین باشچیلیغی آلتینداکی ۷۳۷- جی ایل حربی یوروشو ایدی. او، خزرلر اوزرینده تام غلبه نین بؤیوک اهمیتینی خلیفه هیشاما ایناندیرمیش و

اوندان ۱۲۰ مینلیک اوردو آلاق، ایکی ایستیقامتدن، دربند و دریال کئچیدیندن کئچمکله، خزر خاقانلیغی نین پایتاختی بئیدا شهرى نین یاخینلیغینا قدر خاقانین اوردوسونو تعقیب ائدی، تام غلبه الده ائتمیشدیر. خزر خاقانی ۴۰ مینلیک اوردوسونو ایتیره رک، مجبوریت قارشیسیندا مروان بن محمدن آمان ایسته میشدیر. مروان بن محمد اونو موسلمان اولماق شرطیله قبول ائتمیشدیر [۴، ص. ۵۲]. او، خزر خاقانلیغیندا ایسلام دینینی یایماق اوچون خاقانا ایکی دین عالیمی وئرمیشدیر. بو دین فقیه ینوه بن الصایب الاسدی و عبدالرحمان بن الفولان الهیلانی ایدی [۳، ص. ۴۹]. لاکین اموی خیلافتینده باشلایان ایختیلاف و عوصیانلار مروانا بو غلبه نی سونوجلانديرماغا ایمکان وئرمه دی. بو حادیثه ، خزر خاقانلیغینی محو اولماقدان خیلاص ائتدی. بوغلبه، خزر خاقانلیغینی حربی متفیقى بیزانس ایمپئریاسیندا آرالی سالدی. عرب-خزر جبهه سینده نیسبی ساکیتلیک یاراندی.

بونونلا بئله، خزرلرین عربله قارشى آپاردیغى بو موحاریبه لر، شرقی آوروپانی عرب فتحلریندن سیغورتالادی. عربلر، خزر مانعه سینی کئچه بیلسه ایدی، اونلارین قارشیسینی آلاچاق دیگر گوووه یوخ ایدی. بو، باش وئرسه ایدی، شرقی آوروپانین تاریخی اینکیشاف داها فرقلى اولاییلردی [۱۰، ص. ۴۲].

اموی سولاله سی و متفیقلری آراسینداکی ایختیلافلار، عابباسی، شیعه، خواریج عوصیانلاری ۷۵۰-جی ایلده سونونجو خلیفه مروان بن عبداللاهی قتل و اموی خاندانین محو اولماسیله سونوجلاندى [۷، ص. ۲۲۲].

عرب-خزر موناسیبتلری مرحله سینده عابباسی خیلافتی نین اؤزونه مخصوص خصوصیتلری و

اونو دوغوران سببلر واردیر. اونودا قتید ائتمه لیگیك کی، آذربایجان اهالیسیگیزلی شکیلده امویلره قارشى عابباسیلره دستک وئیردی. سونرالار شام والیسی اولان عبدالله بن علی عابباسی عوصیانلارینا ان چوخ کؤمک ائده جک و گووه نیله جک بؤلگه نین آذربایجان بؤلگه سینی اولدوغونو بیلدیریر. بو عابباس (۷۵۴-۷۵۰) باشچیلیغیندا خیلافتی اله کئچیرن عابباسی سولاله سی امویلردن هاشیمیلرین قیصاصینی آلماقا باشلادی. عابباسیلرده امویلره قارشى او قدر کین واریدی کی، عرب تاریخچیسى ایبن الاثرین یازدیغینا گوره، ابو عابباسین عمیسی، شام والیسی عبدالله بن علی شامداکی اومیه اوغوللاری نین قبیبرلرینی آچدیریب، بعضیلرینی قامچیلادتیردی، بعضیلری نین ایسه سوموکلرینی یاندیرتیردی.

اونلارا قارشى اموی عوصیانلاری باش وئردی. حبیب بن مرره هارران طرفلرده، ابو الورد کیننیرده عوصیان قالدیردی. لاکین عوصیانلار ابو عابباسین قارداشی ابو جعفر منصور و عمیسی عبدالله بن علی طرفیندن آمانسیزلیقلا یاتیریلدی [۷، ص. ۲۳۳-۲۳۵]. ابو عابباس شام والیگیگنه عبدالله بن علینی و آذربایجان والیگیگنه ابو جعفر منصورو تعیین ائتدی. بورادان شام ویلایتی نین و آذربایجانین عابباسی خلیفه سی اوچون نئجه اهمیتلی اولدوغونو تخمین ائتمک اولار. بئله کی، شام ویلایتی اؤنجه لردن هاشیمی اوغوللاری اوچون تهلوکه منبعی ایدی. اومیه اوغوللاری اورادا درین کؤک سالمیش و نوفوذ قازانمیشدیلار. دیگر طرفدن، شام ویلایتی عرب خیلافتی نین ان گوجلر قبیبی بیزانس ایمپئریاسیله همسرحد ایدی. آذربایجانا گلینجه، او، اومیه اوغوللاریندان عثمان بن آفوانین دؤورونده ایستیل اولونموش،

عبدالملیک بن مروانین دۋوروندە اۋز ایستیقلالیتینی ایتیرمیشدیر. ۱۰۰ ایله یاخین آذربایجان اموی والیلری طرفیندن ایداره اولوندوغونا گۆره، اونلارین آلبانییا اراضیسیندە گوجلۇ دایاقلاری فورمالاشمیشدیر. «آراندان مسکونلاشمیش شیمال طایفالاری یئنی حاکیمیتە گلمیش سولاله نوماینده لرینی دوشمن کیمی قارشیلاییردیلار. کۆچورولنلرین اکثریت اموی طرفدارلاری ایدی» [۱، ص. ۱۱۲]. دیگر طرفدن جنوبی قافقاز بیزانسین دیقتیندن کنار دئییلدی. بیزانس و جنوبی قافقاز بۆلگه سینی دینی علاقه لر بیر-بیرینه باغلاییردی. بیزانسین حربی موتتفیقى خزر خاقانلیغیدا جنوبو قافقازا اولان ماراغینی گیزلتمیردی. ابو عابباس بیر سیاستچی و دؤولت آدامی کیمی بونلاری گۆز آردی ائده بیلمزدی. بونو نظره آلیب هر ایکی تهلوكه لی بۆلگه یه اۋز دوغمالارینی تعیین ائتمیشدی. هر ایکی والی، ابو عابباسدان سونرا خلیفلییه پوتئنسیال نامیزد ایدیلر.

تصادوفو دئییلدیر کی، خلیفه نین اؤلوموندن سونرا اونلارین آراسیندا خیلافت اوغروندا دۆیوش باش وئردی و ایکینجی، خیلافته یییلندی. ابو عابباس قورخوردو کی، علی بن ابو طالب زمانیندا معاویه بیزانسیلا سئپارات دانشقلارا گئتدیگی کیمی، یئنه او تجروبه دن بهره لنرلر. عابباسی ظولوموندن جانلارینی قورتارماق ایستین امویلرین بیر قیسمی خزر خاقانلیغینا سیغینماق ایسته ییردی. بیزانس و خزر گوجلری عابباسیلره قارشى امویلرله بیرلشسه لردی، بو عابباسی خیلافتی نین سونونو گتیرردی.

ابو جعفر منصور ۷۵۴- جو ایلدە حاکیمیتە گلدیکن سونرا، اونا عوصیان ائدن عمیسی، شام والیسی عبدالله بن علیه دۆیوشده غالیب گلیب

اونو ضررسیزلشدیردی. عابباسی خیلافتینه تهلوكه حساب ائتدیگی خوراسان والیسی ابو موسلومو قتل ائلتدیردی [۷، ص. ۲۳۷]. داخیلی موخالیفتی ضررسیزلشدیردیکدن سونرا، خزر خاقانلیغی ایله سییا موناسیبتلرین یاخشیلاشدیرماق ضرورتی حیسس ائتدی. او، آذربایجان و ارمنیییه بۆلگه سینە یزید بن اوساید السلمیگی تعیین ائتدی. والی باب الآلان کئچیدینی اله کئچیره رک، اورادا اۋزونه صادیق خصوصی قوشون دسته سی یئرلشدیردی. بونولا احتیمال اولونان خزر هوجوملاری نین قارشیسینی آماغی هدفله ییردی. خیلافتین شیمال سرحدیندن ناراحت اولان ابو جعفر منصور آذربایجان و ارمنیییه والیسی یزید بن اوساید السلمییه خزر خاقانی نین قیزیله نیگاها گیرمک اوچون تعلیمات وئردی. «خزرلرله قوهوم اولماسان، آران اۆلکه سینده هئچ واخت امین-آمانلیق اولمایاجاق. من بئله حساب ائدیرم کی، سن اونولا قوهوم اولمالیسان. عکس تقدیرده من سنین و وئرگی ییغانلاری نین حیاتیندان قورخورام. خزرلر اونلاری راحت بوراخمایاجاق» [۳، ص. ۵۸]. مقصد شیمال سرحدی نین تهلوكه سیزلیگینی تامين ائتمک ایدی. تقریبین ۷۵۹-جو ایلدە آذربایجان والیسی و خزر خاقانین قیزی عایله قورموشدور. الکوفی یازیر کی، «اونا دۆرد مین اعلا مادیان، مین قاطر، مین قول، اون مین خزر جینسیندن اولان آلچاق دوه، مین باش ایکیه و گوجلۇ دوه، ایگیرمی مین باش قویون، اوستو قیزیل و گوموشدن حاضیرلانمیش لؤوحه لر، ایجریسینه سامور خزی دۆشنمیش ایپک پاراچا چکیلیمیش اون فورقون، قیزیل-گوموش اشیالار و قاب-قاجاقلار اولان ایگیرمی آرابا گۆندردی» [۳، ص. ۵۸-۵۹]. بو معلوماتلاردان آیدین اولور کی،

خاقاندا بو ایزدیواجدا مارقلی اولموشدو. خاقانین قیزی ایسلام دینینی قبول ائتمیش و قرآنی اوخوماغی اؤیرنمیشدی. بو نیگاح، ایکی ایل دؤرد آی چکمیشدیر. اونلارین ایکی اؤولادی اولموشدور. لاکین بیلیمه ین سببلردن خاتون و اؤولادلاری اؤلور. خزر خاقانی بونو سوی-قصد اولاراق دیرلندییر و قیصاص آلماق اوچون موچاریه یه باشلاییر. خزر اوردولاری تارخانین باشچیلیغی آلتیندا دربندی کئچرک، آذربایجانا داخل اولور. یزید بن اوساید السلمینی ۷ مینلیک اوردو ایله اونلارین قارشیسینی آلا بیلیمیر. خلیفه المنصوردان علاوه قوووه ایسته ییر. خلیفه نین امریله شامدان ۱۰ مین عسگر کؤمه یه گلیر. الکوفی نین معلومات«ینا گؤره، ۳۵ مین عسگر عراقدان و ۱۰ مین الجزیره دن یزیده کؤمه یه گلمیشدیلر [۳، ص. ۵۹]. خزرلر والینی توتا بیللمسه لرده، آلبانیا و گورجیستان اراضیسینده بؤیوک داغینتیلار تۆره دیب، چوخلو قنیمترلرله گئری قایتیدیلار. الطبری نین معلوماتنا گؤره، خزرلرین جنوبی قافقازا هجومو هجری. ۱۴۷- جی ایلهده باش وئرمیشدیر. خزرلر ۸-جی عصرین سونونادک جنوبی قافقازا هجوم ائتمه دیلر. عابباسی خیلافتی زامانی بعضا کوماندانلار و والیلر آراسیندا باش وئرن ایختیلاف اونلارین هر هانسی بیرى نین خزرلردن یاردیم ایستمه سینه سبب اولموشدور. بو حادثه لردنن بیرى هارون الرشیدین زامانیندا باش وئرمیشدی. آذربایجان و ارمنیه والیسی سید بن قطیبه البیلی نین دربند شهرى نین کومئندانتی النجیم ب. هاشیمله آراسینداکی ایختیلاف سونونجونون قتلله سونوجلاندى. بونون اساس سببی والی نین اؤزباشینالیغی ایدی. بئله کی، هله عمر بن خطاب زامانیندان دربند اهالیسیندن وئرگی آلمیردی.

بونون اساس سببی دربندین خزر خاقانلیغینا همسرحد اولماسی ایدی. والی نین نوماینده سی نصر بن عنان اونلاردان زورلا خراج ییغماق ایسته ییردی. النجیمین اوغلو حیان ب. النجیم والی نین دربندده کی نوماینده سی المناجیم السلمینی قتل ائتدی، اؤزونو والی نین غضبیدن قوروماق اوچون خاقانلا علاقه یه گیردی. خزر خاقانی کؤمک چاغریشینا موثبت جاواب وئردی. او، بؤیوک بیر اوردو ایله موسلمانلارین اوزرینه هجوم ائدی، اونلاری قیلینجده کئچیردی. هجوم نتیجه سینده خزرلر چوخ سایدا اسیر و قنیمت اله کئچیردیلر. اونلار آلبانیادا ۷۰ گون قالدیلار.

هارون الرشیدین امریله والی ایشیندن کنارلاشدیریلیر. یئرینه علی بن عیسی بن ماهان تعیین اولونور. لاکین او، قارشیا قویولموش وظیفه نی ایجرا ائده بیلیمیر. خلیفه اونو وظیفه دن آزاد ائدیپ یئرینه یزید بن مزید الشعیبانینی تعیین ائدیر [۳، ص. ۶۵]. بوتون بو حادثه لر عابباسی خلیفه لری نین خیلافتین شمال سرحدیله باغلی ناراحتلیغی نین اساسلی اولدوغونو ثبوت ائدیر. شمال سرحدلرینده ایستقرار یاراتماق اوچون هارون الرشیدین ایستگیله سود قارداشی و آذربایجان والیسی الفادل بن یحیا بن خالد البرمکی ۷۹۸-جی ایلهده خزر خاقانین قیزیله ائولندی. لاکین بو نیگاحدا اوغورسوز اولدو. خاقانین قیزی وفات ائتدی. خزر اوردولاری یئنه ده قیصاص آلماق اوچون ۱۰۰ مینلیک قوشونلا آرانا هجوم ائتدیلر [۴، ص. ۶۰-۶۱]. هارون الرشید اونلارا قارشى عکس هجوم کئچنه دک، اونلار الدهه ائتدیکلری قنیمتلى و اسیرلری اؤزلیله آپاردیلار. بو هجوم، خزرلرین عربلره قارشى سون بؤیوک میقیاسلى هجومو ایدی. بو هجومدان سونرا خزرلرله صلح ایتیفاقی

باغلاندى. دۇولتلىرى ضعيفله دىكجه داخىلى
 ايختىلافلار باش قالدېرىر، مركزدن قاچما حاللارى
 سورعتله نير. يئرلى فئوداللار يارانان اينظباتى
 بوشلوقدان ايستيفاده ائده رك، موستقىللىيه جان
 آتيرلار و بونون اوچون دوشمن اۆلكه لردن كۆمك
 آلماغا جهد ائديرلر. خزر خاقانلىغى نين ضيفله مه
 سيندن ايستيفاده ائدن بولقار خانى آلموش
 اسلام دينىنى قبول ائتدى. او، ۳۰۸.۵ (م.
 ۹۲۰) عبدالله بن باشتو الحازارنى باغدادا، خليفه
 موقتدير بىلاھين يانينا ائلچى گۆندردى. او، خليفه
 دن حكمودارلىغى نين حوقوقىلىگىنى
 تانيماسىنى، اسلام دينىنى اؤيرتمك اوچون
 معلم و فقيه لر، خزرلردن قورونماق اوچون
 تىكىله جك قالانين ماددى احتياجلارىنى
 قارشىلاماغي خواهىش ائيدردى. خليفه سئوسئن
 الراسى باشچىلىغىندا ھئيتى آلموشون يانينا
 گۆندردى [۶، ص. ۱۲]. دوزدور كى، بولقارلارين
 بو آددىمى اونلارا اوغور گتيرمه دى. بولقارلارين
 بير قولو سيوازلار (چوواشلار) يئنى دينى قبول
 ائتمكدن ايمتيناع ائتديلر. بئله بير حال
 اوغوزلارين باشچىسى ايلده باش وئردى. او،
 اسلام دينىنى قبول ائتسه ده، اونا يا قديم دينينه
 قايتماغي، ويا باشچىلىقدان ايمتيناع ائتمگى
 طلب ائتديلر، مجبوريت قارشىسىندا او، يئنى
 دينىدن ايمتيناع ائتدى [۶]. يوخارىداكى
 معلوماتلاردان گۆرۈندۈيۈ كىمى، عابباسى
 خىلافتى زامانىدا عرب-خزر مونايسىتلىرى
 راشىدى و اموى خىلافتلىرى زامانىداكى موحاربيه
 لردن ماھىيت و مقصدىنه گۆره فرقلىنىشىدى. بئله
 كى، هر ايكى مرحله ده باشلىجا هدف يئنى
 اراضىلر اله كئچىرمك و اورادا مۇحكملنمك
 اوچون اسلام دينىنى ھمين اراضىلرده يايماق
 اوچون عربلرين اورا كۆچۈرۈلمە سى نظرده

توتولوردوسا، عابباسى خىلافتى دۇورۈندە اساس
 مقصد مۇوجود وضعيتى قورويوب ساخلاماق ايدى.
 اونلارين دۇورۈندە كى لوكال موحاربيه لرین باش
 وئرمە سى نين اساس سىبى آنلاشىلمازلىق
 اولموشدور.

قئيد ائدك كى، ھارون الرشيد دۇورۈندە خزر
 خاقانلىغىندا دينى-ايدئولوژى ساحه ده كۆكلۈ بير
 دىيشىكلىك باش وئردى. خزر خاقانلىغى نين
 حاكىمىتده كى سولاله سى يھودى دينىنى قبول
 ائتدى. ديگر حاللاردا اولدوغوندان فرقلى اولاراق،
 يئنى دين قبول ائتمىش حاكيم سولاله، خزر
 خالقى نين يھودى دينىنى قبول ائتمە سینه جهد
 بئله ائتمە دى. خزر خاقانلىغىندا تيجارتين،
 اساسن يھودىلرين ايلنده اولماسى، اونلارين
 حاكىمىته تاثير ايمكانلارنى گئيشلىندىرىدى.
 عرب تارىخشىسى ايبن خوردادبئە بىلدىرىر كى،
 «فارس، عرب، فرانسىز، اسپان، اسلاويان
 دىللىرىنده دانىشان يھودى تاجىرلر قېردن شرقه،
 شرقدن قېره دنيز و قورو ايله سياحت ائديرلر»
 [۱۲، ص. ۴۸]. خزر خاقانلىغى آرتىق حربى
 دۇولتدن تيجارته اساسلانان دۇولته
 چئوريلمىشىدى. عابباسى خىلافتىده اموى
 خىلافتى قدر شوونىست دئىيلدير. عابباسى
 خىلافتىنده يھودىلرين مۇوقعىي كىفايت قدر
 گوجلۈ ايدى. يوخارىدا قئيد اولونان شرطلر،
 عابباسى-خزر مونايسىتلىرىنده يئنى بير مرحله
 نين، ايقتىصاد-تيجارى مرحله نين يارانماسىنا
 زمين يارادىردى.

بو مرحله ، عابباسى-خزر مونايسىتلىرىنى
 ديگرلريندن فرقلىندىرن اساس خصوصىيتلردندىر.
 عابباسى خىلافتى خزر خاقانلىغىله موقاييسه ده
 ايقتىصادى باخىمدان چوخ اۋنده ايدى. بيت

المالین باشلیجا گلیرلری خراج، جیزیه، ذکات، فیه، قنیمت، اؤشور و گؤمروک وئرگیلردیر.

اونلارداکی دؤولت سیستمی داها موکمل ایدی. تصادوفو دئییلدیر کی، خلیفه هارون الرشید ابو یوسفه خراجلا باغلی " کیتاب الخراج " آدلی اثر یازدیرمیشدیر. هارون-الرشیدین خزینه سینه گیرن گلیرین میقداری تقریبین ۵۰۰ میلیون دیرهم گوموش، ۱۰ میلیون دینار قیزیلا چاتیردی [۷، ص. ۲۹۵]. عابباسی خیلافتی اراضیسینده دیرلی صنایع ماللاری و کند تصروفاتی محصوللاری ایستحصال اولونوردو.

عراق اراضیسینده سواد، میصیره نیل ساحیللری، خوراسان، مأوارالنهر، سیستان، سوغد، دمشق اراضیلری خیلافتی عرضاقالا تامین ائتمه یه یئتیردی.

خزر خاقانلیغیندا یوخاردا قئید اولونان زنگینلیکلر اولماسادا، بیر جوخ خالقلار اونلارا وئرگی وئریردی [۵، ص. ۲۳۲]. وولقا-خزر تجارت یولو عرب خیلافتی نین شرقی آوروپا ایله تجارت علاقه لرینی اینکیشافینا کؤمک ائدیردی. بیلیندیگی کیمی، بو تجارت یولونا نظارت خزر خاقانلیغی نین نظارتینده ایدی [۲، ص. ۱۲۵-۱۲۶]. خزر خاقانلیغی بو یولدان ایستیفاده ائدن تجارت کاروانلاریندان گؤمروک وئرگیسی آلیردی. وئرگی نین میقداریمالین اوندان بیر ایدی. خزر خزینه سی ده اساسن گؤمروک وئرگیلری اساسیندا فورمالاشیردی. خزر اراضیسندن بالیق، بالیق یاپیشقانی، بال، خز دری و قولی خراج ائدیلمیشدی. عرب تاریخچیسى ایبن هووقال بیلدیریر کی، «خزر اراضیسینده یاخین و اوزاق یورره ایخراج اولاناجاق بالیق یاپیشقانیدیر. قول، بال، خزه گلینجه، اونلار خاربیجدن گلیر» [هووقال] / خز دریلره عرب آریستوکراتیاسیندا طلب حددیندن

چوخ ایدی. زنگینلیگین و لوکوسون آرتدیغی یئرده کؤله و جارییه لرین آیری بیر یئری واردیر.

خلیفه ساراییندا کؤله لرین و جارییه لرین سایى اون مینلر اولدوغو روایت اولونور. عابباسی خیلافتینده تجارت مرکزی کیمی شؤهرت تاپمیش شهرلر کیفیت قدر چوخ اولسادا، خزر خاقانلیغیندا اونلاری سایماق اولار. اونلاردان بلنجر، سمندر، ایتیل شهرینی قئید ائتمک اولار.

بعضی تدقیقاتچیلار قئید ائدیر کی، خزرلر اؤزلری تجارتله مشغول اولموردولار. ایتیل شهرینده اساسن، عرب، یهودی، روس، سلاویان تاجیرلری نین وعدلاری قئید اولونور. خزرلره گلینجه، اونلار تجارت روسوملاری توپلاییر، تاجیرلره قوللوق ائدیر، کاروانسارایلاری ایداره ائدیر و اونلارین موحافیظه سینى تشکیل ائدیردیلر [۹، ص. ۲۳۱]. خزر خاقانلیغیندا پول ضرب اولوندوغو حاقیندا معلوماتلار یوخدور. آرخئولوژی قازینتیلار زامانی تاپیلان پوللار خزر خاقانلیغیندا پول تداوولونده خیلافت دینار و دیرهمی نین ایشلندیگینی ثبوت ائدیر. موتخصیصر حساب ائدیر کی، خزرلر پولون اینجه لیگینی منیمسه یه بیلمه دیکلرینه گؤره، اؤز پوللارینی عربلرین پولونا اوخشار شکیلده چیخاردیلار [۹، ص. ۲۳۶]. بورادان آنلاشیلیر کی، خزر خاقانلیغی نین اؤزونه مخصوص پولو اولموشدور. دونیا بازاریندا عرب پوللاری حاکیم اولدوغو اوچون داها چوخ همین پوللاردان ایستیفاده ائتمیشلر.

عابباسیلر زامانیندا خزر-عرب دینی علاقه لرده کیفیت قدر گوجلو اولوب. خزر اراضیلری آذربایجان و بو بؤلگه ده مؤوجود اولان دؤولتلر طرفیندن دینی تاثیرلره معروض قالمیشلار. قئید اولونمالیدیر کی، خزر تورکلری آرسیندا اسلام دی نین یایلیماسی اورتا آسیا تورکلریندن داها اول اولموشدور [۲، ص. ۱۷۷]. تجارت موناسیبتلری بو ساحه نین گئنیشلنمه سینه ایمکان یارادیردی. خزر خاقانلیغینداکی بؤیوک شهرلرده مسجد و مدرسه لرین مؤوجودلوغو بوبو

۳. Əl-Kufi Əhməd ibn Əsəm. Fəthlər Kitabı, Bakı: Azərnəşr, 1995, 79s

۴. Vəlixanlı N.M. Azərbaycan VII-XII əsrlərdə: Tarix, mənbələr, şərhlər. Bakı: Elm və Təhsil, 2016, 480s.

۵. Brok K.A. Bir Türk imperatorluğu: Hazar Yahudileri. İstanbul: Bilge Karınca Yayınları, 2005, 455s

۶. İbn Fadlan. Sayahatname. İstanbul: Bedr Yayın Evi, 1995, 84s

۷. Ünlü Nuri. İslam Tarihi. İstanbul: Kilim Ofset, 1992, 572 s.

۸. Артамонов М.И. История Хазар. СПб: Лань, 2001, 688с

۹. Ивик Олег, Ключников Владимир. Хазары. Москва: Ломоносов, 2015, 336с

۱۰. Плетнёва С.А. Хазары. Москва: Наука, 1986, 96с

۱۱. İbn Hövqal Əbu əl-Qasim. Kitəbu Suratu əl-Ard. Beyrut: Dəru Məktəbatu əl-Hayət, 1992, 432 c.

۱۲. İbn Xordadbeh əl-Qasim Ubeydullah. Kitəb əl-Məsəlik və əl-Məmlək. Leyden: əl-Cuz əs-Sədis.

۱۳. Ət-Təbəri ibn Cərir. Tərix ər-Rusul və əl- Muluk. əl – Qahirə: Dəru əl-Marif, əl-Cuzu əl-Xəmisu. 1977, 635с.

Магеррам Ахмедов

Отношения Арабский Халифата и Хазарский Каганатов
(Вторая половина VIII – X конец веков)

Вторая половина VIII – X конец веков является конечным этапом отношений между Хазарами и Халифатом. Данный этап отличается от других всесторонностью отношений. Этот этап характеризуется развитием военно-политических, торгова-экономических и религиозно-идеологических отношений.

В статье обращается особое внимание на ранние средневековые источники и исследовательские работы. Этот этап сравнивается с другими этапами на этой основе. Также отмечается, что этот этап играет важную роль в развитии экономических, торговых и религиозно-идеологических отношений Азербайджана.

Ключевые слова: Династия Аббасидов, Арабский Халифат, Хазарский Хаганат, отношения

Maharram Ahmedov

Relations of the Caliphate and the Khazars (Second half of the VIII - end of the X centuries)

The second half of the 8th and end of 10th centuries is the final stage of relations between the Khazars and the Caliphate. This stage differs from others with the many-branched relations. This stage is characterized by the development of military-political, trade-economic and religious-ideological relations.

The article draws particular attention to early medieval sources and research. This stage is compared with other stages on this basis. It is also noted that this stage plays an important role in the development of economic, trade and religious-ideological relations of Azerbaijan.

Key words: The Abbasids dynasty, The Arab Caliphate, Khazar Khakanate, relations.

subot andir. بعضی معلوماتلار گۆره، خزر خاقانلیغی نین سوقوطونا یاخین خاقان، بو فلاکتین قارینی آلاق اوچون ایسلام دینی قبول ائتمیشدیر. طبعیدیر کی، خزرلر تکجه ایسلام دینین تاثیرینه معروض قالمایشلار، همچنین خریستیان و یهودی تاثیرینه ده معروض قالمیشلار. تصادوفو دئیل کی، بیر چوخ تدقیقاتچلار خزر خاقانلیغی نین سوقوطونه سبب اولان عامیلین یهودی دینی قبول ائتدیگری قناعتینده دیرلر.

نتیجه

عومومیتله، ۸-۱۰ عصرلرده عابباسی - خزر مونسیتلری حربی- سیاسی، ایقتیصادی-تیجاری، دینی-ایدولوژی عاملیلرین تاثیر آلتیندا فورمالاشمیشدیر. قئید اولونمالیدیر کی، همین مونسیتلر هر ایکی ایمپیریانین ضیفله مه یه باشلادیغی دؤوره تصادوف ائدیر. بونا باخمایارق، بو، ایقتیصادی تیجاری مونسیتلرین اینکیشافینا مانع اولما بیلمه میشدیر. خزر حاکیمیتی یهودی دینی قبول ائتدیگدن سونرا زامان -زامان خاقانلیق اراضیسینده دینی یؤنوملو قارشیدورمالار اولموش. بودا خزرلرین بیزانس و خیلافتله قارشیقارشیا گتیرمیشدیر. عرب و خزرلر آراسینداکی حربی- سیاسی، ایقتیصادی و دینی مونسیتلرده آذربایجان اراضیسی نین و خالق نین مهم رولو اولموشدور. آذربایجان شهرلریندن برده نین و دربندین بو مونسیتلرده مهم یئری واردی. دربند شهری نین ایسلام دینین خزر خاقانلیغی اراضیسینده یایلماسینداکی اهمیتلی رولو اونودولمامالیدیر.

UOT94(24). 479. آچار سؤزلر: عرب

خیلافتی، عابباسیلر سولاله سی، خزر خاقانلیغی، مونسیتلر

Ədəbiyyat siyahısı

۱. Bünyadov Z.M. Azərbaycan VII-IX əsrlərdə. Bakı: Azərnəşr, 1989, 336s

۲. Əsədov. Fərda. Xəzərlər və Azərbaycan. Bakı: Elm və Təhsil, 2018, 240s

نمونه کلمات ترکی در عربی

Ərəb dilində Türkce sözlər

این معلّم تلاشگر و اهل تحقیق و با آرزوی توفیق ایشان.

کلمات ترکی در عربی

القشله : سربازخانه، پادگان، ساخلو،
(Barracks) در ترکیه : قیشلا (پادگان) که همان قشلاق است. کلمه اخیر وارد فارسی شده است.

الیطق : خوابگاه (Dormitory). کلمه از مصدر یاتماق (خوابیدن) می‌آید. در فارسی « یتاق : کشیک » (فرهنگ معین) آمده است در مفهوم پاسداری به هنگام خواب مردم.
اسامی غذاها

البرغل : بلغور، افشه (Groat) در ترکی ترکی آذربایجانی یارما گفته می‌شود و در ترکیه بولغور که همان وارد فارسی نیز شده است. کلمه از مصدر بؤلْمک آید و در مفهوم گندم دو نیمه شده است.

البقلوه : باقلوا (نوعی شیرینی) (Kind of pastry). وارد فارسی نیز شده است. برای اتمولوژی کلمه نگا: فر.

البوظه : بستنی (Ice-cream) در ترکیه امروز "دوندورما" گویند. این کلمه دخیل عربی از "بوز" (یخ) ترکی می‌آید.

القاورمه / القورمه: گوشت تفتیده، قرمه. (Preserved meat). از مصدر قاوورماق: تفت دادن ترکی می‌آید و وارد فارسی نیز شده است. (قرمه)

الکباب : کباب، (Kabab). به عربی از ترکی عثمانی وارد شده است ولیکن در فارسی به نوعی



اشاره : حسین مسعودی، از ترکان مرکز ایران و دبیر دبیرستان های منطقه فولادشهر و زرین شهر اصفهان بوده و از محققان مسائل زبانی مادری ترکی است. ایشان مقاله‌ای تحت عنوان «کلمات ترکی در عربی» برای ما ارسال داشته است. ما قسمت مقدمه مقاله را از باب رعایت تلخیص حذف و در متن نیز «اسامی خاص»، «اعلام» و «اماکن» که علی‌الاصول کلمات قرضی به حساب می‌آیند حذف و در عوض، با ذکر معادل و تلفظ ترکی کلمه در خود زبان و تشریح و تفصیل اتمولوژی (ریشه‌شناسی) کلمه، نوشته ایشان را تکمیل و تقدیم خوانندگان می‌نمائیم. علامت اختصاری «فر» اشاره به «فرهنگ ترکی نوین» نوشته اسماعیل هادی است. با تشکر از زحمات

حوله دستی (Towel)، دستمال (Hand kerchief)، باشلق (Cap و Cowl) نیز آمده است. لازم به ذکر است که حوله نیز ریشه ترکی دارد. نگا: فر.

الکرک : پوستین (Collar). کورک (مثال: کورکونه بیره سالماق معادل: کک به تنبانش انداختن. برای اتیمولوژی کلمه. نگا: فر)
الیاقه : چاک گریبان، یقه (Veil) لفظ ترکی است. (یاخا/ یخه) که وارد فارسی نیز شده است. نگا: فر.

الیشمق/ الیشمک : نوعی روبند زنانه (Yashmak, Veil) اسم مصدر است از مصدر یاشماق: پوشاندن، معادل عربی این کلمه در عربی "لثام" است.
میوه و درختان

المروديه: گلابی / امرود (Pear). وارد فارسی نیز شده است. برای اتیمولوژی کلمه. نگا: فر.
البنجر : چغندر (Beet). در ترکی ترکی آذربایجانی چوغوندر/ چوکوندور گفته می‌شود که لفظ ترکی است از مصدر "چؤکمک" در مفهوم محصولی فرو نشسته در زمین. در ترکیه پانجار گویند که همان از طریق عثمانی وارد عربی شده است از همان لفظ "پئنجر" در قره‌داغ کناره ارس: "سبزیجات" همان را در نام ترشی "هفته بیجار" در فارسی می‌بینیم در مفهوم ترشی متشکل از هفت نوع سبزه. ریشه یابی پانجار در ترکی مشکل است.

التتن : توتون، (Tobacco). از مصدر توتمک: سوختن، توتون که در ترکی ترکی آذربایجانی به معنای «دود» است. (توتونوم تپه‌مدن چیخدی: دود از کلهام برخاست= پدرم درآمد) از همین مصدر در فارسی: توت< دود/ توتن/ توتک.

به فعل کؤیمک: سوختن، پختن در ترکی قدیم مرتبط باشد. (از این فعل: کؤیمج که در فارسی کوماج شده است). ولیکن این ارتباط هم بعید می‌نماید و سازگار با قواعد ترکی نمی‌نماید. بنابراین عجلتا اصالت آنرا فارسی می‌دانم.

القیماق/ القیمر/ الکیماق/ الکیمر : سرشیر، قیماق، (Cream). کلمه به صورت «قایماق / قیماق» در ترکی ترکی آذربایجانی آید. در ترکی ترکیه: کایماق/ کایمار... همان وارد فارسی شده است. و "قیماق" تلفظ می‌شود. خامه نیز تلفظ محرف از آن است. قایماق< خایماق< خایما< خامه. الیوغورت : ماست (Yoghurt) از مصدر "یوغورماق" (عجین کردن) در مفهوم شیر عجین شده آید و وارد زبانهای اروپایی شده است. در ترکی آذربایجانی به جای آن "قاتیق" نیز گویند که از مصدر "قاتماق" آید. (در مفهوم آن چه مخلوط نان کردن و خوردن). این کلمه اخیر در فارسی به صورت قاتق آید.
البسه و پوشاک

البقچه: بقچه (Bundle). از مصدر بوقماق/ بوغماق (بستن) وارد فارسی نیز شده است.
التبان : شلوارک (Shorts). از مصدر توتماق: گرفتن، پوشاندن (دومان داغی توتدو: مه کوه را پوشاند)، تومان: پوشاننده (در مفهوم ساتر بدن آید) و وارد فارسی نیز شده است به صورت تنبان.
الطربوش : فیه (Fez) (نوعی کلاه عثمانی به صورت سیلندر قرمز...).

الفوطه : لنگ (Loincloth). در ترکی "فیه" گفته می‌شود. در اصالت ترکی بودن آن باید تردید نمود. در ترکی کلمه‌ای که با "ف" شروع شود رایج نبوده شاید "پیچه" فارسی پیتِه، فیه شده و از آن جا وارد عربی شده (الله اعلم) در عربی به معانی: پیشگیره و پیشبند. (Apron).



الباروده : تفنگ. (Rifle) و
(Gun) در عربی بدان بیشتر
"بندقیه" گویند. از کلمه بندیک/
وندیک/ ونیز آید. شاید بدان
اعتبار که از جزیره ونیز وارد
می شده است.

البرغی : پیچ، برقی
(ابزار) (Crew). از مصدر بورماق
(پیچاندن) اسم مصدر است و عینا وارد فارسی نیز
شده است.

البرمق : پره چرخ (Spoke). تلفظ ترکی آن
"بارماق" است. در اصل به معنی انگشت می آید
که مجازا معنی پره را نیز می دهد.
البغمه: گردن بند، (Necklace). از مصدر
بوغماق (خفه کردن یا بستن گلوگاه، بستن).
«بوغما» در مفهوم چیزی که به گلو بسته
می شود.

البلطه : تبر، (Ux). تلفظ ترکی کلمه "بالتا"
است. برای اتیمولوژی کلمه نگا: فر.

البلیه : تیله، تشله، (Taw) و (Marble) (؟)
البوری : شیپور، (Horn). کلمه در ترکی به
معنی لوله (بخاری و نفت) آید. نگا: فر.

البویه/ البویا : واکس، (Shoe-Polish).
البیرق: پرچم، لوا. (Flag). تلفظ ترکی کلمه
بایراق (بعضا: بایداق) است که به صورت «بیرق»
وارد فارسی نیز شده است. نگا: فر.
التنک : حلبی، (Tin-Plate). (قبلا توضیح
داده شده).

الجزدان : کیف پول، (Purse) و (Wallet).
کلمه مرکب است. جز (لفظ عربی است) + دان
(پسوند فارسی) در مفهوم ظرف برای چیزهای
خرده ریز که امروزه نیز به همان صورت در ترکیه
رایج است.

الجاریزک : آلو (Plum). ظاهرا این کلمه باید
مرکب باشد. الجا+ ریزک جزء اوّل لفظ آلچا (
آلوچه) است که تلفظ قدیمی آن در ترکی آلوچ
بوده و از ریشه آل (قرمز)، آلا (دورنگ) در مفهوم
میوه ای مرکب از دو رنگ سرخ و زرد. که به
صورت های: آلو/ آلبالو/ آلوچه/ آلایدن و... وارد
فارسی شده است. اما جزء دوم (ریزک) را در این
ترکیب تشخیص دادن مشکل است شاید نر/ ترک
فارسی باشد؟!

الجاودار : چاودار/ کاورس (Rye). (برای ریشه
یابی کلمه در ترکی نگا: فر) وارد فارسی نیز شده
است.

القائون/ القؤون : طالبی/ گرمک
(Eantaloup). (نگا: فر)

الوشنه : آلبالو (Sour cherry). از اسلاوی
وارد ترکی شده و از آن جا به عربی، و اصالتا
اسلاوی است.
اشیاء و آلات :

الأزمه / القازمه : کلنگ (Pickax). قازما (از
مصدر: قازماق) معروف است. اما "ازمه" باید از
مصدر ازمک (خرد کردن) باشد در این صورت در
اصل به معنی کلوخ کوب (تخماق) بوده که بعدا
تغییر معنی داده است.

البارود : باروت (Gunpowder). کلمه
اروپایی است که از طریق ترکی عثمانی وارد عربی
شده است.

الشبک / الشبق : چپق، (Chibouk). تلفظ ترکی کلمه «چوبوق» است که ساختار آن قطعا ترکی است ولیکن بن کلمه «چوپ» است که ممکن است همان " چوب " فارسی باشد. وارد زبانهای دیگر از جمله فارسی نیز شده است.

الطبنجه : تپانچه، سلاح ناری کمری، (Pistol). از مصدر تپمک: لگزدن. " تپانچا " که وارد فارسی هم شده است. تپانچه: سیلی (نگا: فر تپمک).

الطلمبه: تلمبه (Pump). در اصل کلمه ایتالیایی است از طریق ترکی عثمانی وارد عربی و فارسی شده است. (نگا: فر).

الفرشه : فرچه، (Brush). تلفظ ترکی کلمه "فیرچا" است که وارد فارسی و عربی شده است. الفشک : فشنگ، (Cartidge) . وارد فارسی نیز شده است.

القاشوقه : قاشق (Spoon). از مصدر قاشیماق: خراشیدن و کندن، قاشیق/ قاشوق در مفهوم ابزاری درون تراشیده (چوبی که درون آن را تراشیده قاشق ساخته‌اند) آمده و وارد فارسی و عربی شده است. در اسامی عربی نیز آید. غاشقی/ غاشجی محرف کلمه قاشقچی است.

القایش : چرم، (Leather). تلفظ ترکی کلمه قاییش/ قه‌ییش در ترکی ترکی آذربایجانی به معنای کمر بند آید. (نگا: فر).

القبان : قپان، قنط، (Steelyard). از مصدر قاپماق: برگرفتن و ربودن و از زمین کندن ... قپان در مفهوم ابزاری که بار را از زمین کنده و کشد. از همان مصدر قاپلان : پلنگ (در اسامی عربی: شیخ قبلان) و در فارسی قپان/ قاپیدن.

القزان : پاتیل، دیگ، (Caldron). تلفظ ترکی کلمه قازان (بعضا: قزن) می‌باشد که وارد فارسی

الجزمه : چکمه، موزه، (Boot). در ترکیه "چیزمه" گویند که همان وارد عربی شده است و از مصدر چیزمک (نقش و نگار کشیدن) به اعتبار آن که این نوع موزه‌ها دارای نقش و نگار بوده است. در ترکی ترکی آذربایجانی چکمه گویند که همان وارد فارسی شده است.

الخرطوش : فشنگ، (Cartirdge). چنان که از معادل انگلیسی کلمه هم قابل مشاهده است کلمه اروپایی است که وارد عثمانی شده و از آنجا به عربی.

الدقماق : تخماق، کلوخ‌کوب، گرز، (Beetle). عینا به صورت "تخماق" وارد فارسی شده است (نگا: فر).

الدوشک : تشک، (Mattress). از مصدر دؤشه‌مک/ تؤشه‌مک: فرش کردن، دؤشک: چیزی که در زیر شخص پهن می‌شود. عینا به صورت «تشک» وارد فارسی شده است.

الدبوس : گرز، (Mace). کلمه "تؤپوز" ترکی است که وارد عربی شده است. نگا: فر.

السنجق : پرچم، علم، (Flag). (قبلا توضیح آن گذشت).

السؤنکی / السنکو : سرنیزه، (Bagonet). تلفظ ترکی کلمه «سونگو» است. (سومویو سونگو اولموش: سالهای زیادی از فوت او می‌گذرد). نگا: فر.

السوتین : سینه‌بند زنانه، کرس، (Brassiere). (از کلمه "سوت": شیر ترکی؟!)

الشاكوش : چکش، (Hammer). از مصدر چکمک (کشیدن؛ مجازا: زدن)، چکیچ (آلت ضرب میخ) که به صورت "چکش" وارد فارسی شده است.



شده است و از همان قزن قفلی (قفلی به شکل قزن).

القبلق : کلاه، (Hat) و (Caplac). تلفظ ترکی کلمه "قالپاق" است که وارد فارسی نیز شده است. (نگا: فر).

القونداقچی : تفنگ‌ساز، (Gunsmith). قونداق: قنداق تفنگ و طفل شیرخوار- از همان قونداقچی. برای ریشه یابی کلمه نگا: فر.

القیطان : قیطان (Cord). (ترکی بودن اصالت کلمه قابل بحث است).

الکرباج : تازیانه، (Lash). از مصدر قیرماق: زدن و شکندن، قیرمانج/ قیرماج که محرف آن در ترکیه قیرباج شده است و کلمه اخیر از همان است. لفظ دیگر و معروف‌تر آن چالاق: شاللاق است که وارد فارسی شده است. (شلاق).

الکریک : پارو، (Fur clouk)، جک (Jack) بیل... این کلمه در ترکی کورک است که محرفا به معانی فوق در عربی وارد شده است. نگا: فر. الیطاقان: نوعی شمشیر قوس‌دار، (Yataghan). از مصدر «یاتماق» خوابیدن در ترکی ترکیه به معنی قمه و نظایر آن آید. (به اعتبار آن که بر پهلوی قمه بند خوابیده است). کلمات متفرقه :

الأوزی : بره، (Lamb). تلفظ ترکی کلمه قوزو/ قوزی است که صامت اول ساقط شده است.

السنقر/ السنقور : سنقر، گونه باز شکاری، (Gyrfalcon). این کلمه در همین معنی به صورتهای شونقار/ سونقور در ترکی رایج است. زبانشناسان اصل آن را محرف «صقر» عربی می‌دانند. (نگا: فر).

العاشق : قاب‌بازی، (Knutle-bone). تلفظ ترکی کلمه: آشوق/ آشیق است. (نگا: فر). القرقوز : خیمه شب‌بازی (suppe-show). در ترکی ترکیه «قارا- گوژ»/ «قره گوژ» بوده (به اعتبار چشم‌های سیاه عروسکان خیمه شب‌بازی) که محرف همان در عربی «قرقوز» شده است. الادب‌سیر : بی‌ادب، (Impolite). (ادب‌سیر). الأورنیک : پرسشنامه، (Form). محرف "اؤرنک" (نمونه) ترکی؛ نگا: فر. البصمه : اثر انگشت، (Finger print). از مصدر باسماق: پرس، چاپ، ترکی به صورت «باسما»: چاپ آید که همان در فارسی: باسمه و در عربی «بصمه» شده است. الدغری : راست، مستقیم، (Straight). (دوغرو: مستقیم، راست). الویرگو : مالیات، (Tax). (تلفظ ترکی وئرگی از مصدر "وئرمک": دادن). الیاض : خط (در پشت سگه) (Tails). از آن جایی که سگه‌های عثمانی در یک رو توغرا (طغرای) شاهی و در روی دیگر نوشته (یازی) داشت، لذا طغرا را به صورت مرخم، تورا نمودند و به جای « شیرو خط»، «یازی- تورا» گویند و اسم مصدر است از مصدر یازماق : نوشتن.

آذربایجانین پارلایان اولدوزلاری

Azərbaycanın parlayan ulduzları

زورلا اصفهانا کوچورولوب اورائین "تبارزه" آدلانان محله سینده مسکونلاشمیش ؛ آنجاق جان دوداغیندان چیخاناکیمی اوز کیم لیین هابئله اوزلویون دانمامیش ؛ پوئزیاسینین بلکه ده سکساندان آرتیق فایزین اوز آنا دیلینه حصر ائتمیشدیر . بو تبریز افتخاری ۱۲ امامی شیعه اولوب ؛ شعرلرینده ایسه بونلارا هابئله آنا یوردو اولان تبریزه گاهدان اشاره ائدیر :

آستانین داشینه قوسی کیمی اوز سورمگه
باغیریمی آب ائتدی یا شاه خراسان انتظار

آبروی خاک راهین چون کی قوسی تک منه
بوندان آرتیق وئرمه یا شاه خراسان انتظار

تبریز جذبه سی یاخامی توتמוש آپارار
قوسی اگر چی دامنیمی اصفهان توتار .

تبریز آچار کونلومو قوسی گر آچیلسا
هر چند کی فردوس صفاهانه یئتیشمز

غیار خط سبزین سرمه ی چشم ائتمیشم قوسی
منه اول توتیا تبریز شهرین اصفهان ائتمیش

قوسی گرک کی کعبه دئییب اقتدا قیلا
تبریز قلله سینه صفاهان دئدیکلری

قوسی نین عومرونون بیر چوخو اصفهان شهرینده کئچیب سه ده ؛ او وطنین اونودمایب یئری گلیمشکن آنا دیلینین اوجسوز - بوجاقسیز خزینه سینه دیرلی اینجی لرده آرتیریب ؛ همشهری لرینین هابئله دوست لاری یا خود اوزوندن اونجول شاعیرلرین شعر دیوانلارین قولتوغوندان یئره قویمایب اولدوقجا اونلارین پوئزیالاریندان غیدالانمیشدیر . ادبیاتچی دوستوموز مهندس محمد رضا کریمی نین دیلی جه دئسک : "اونون یارادیجیلیغیندا آذربایجان ادبیاتی یئنی بیر جان تاپیب باش قوزایبیدیر .

اینجه لیک لر شاعیری

قوسی تبریزی

رضا همراه



نولا تبریزی گر قوسی بهشته اختیار ائتسه
کیم اونون خاک پاکی سرمه ی چشم صفاهاندیر

آذربایجان ادبیاتی تاریخینده فضولی مکتبی آدلانان مکتبین ان تانیمیش نماینده لریندن تبریزی قوسی ؛ هجری ۱۱ ینجی و میلادی ۱۸ ینجی عصرین اولو شاعیری نین اوزونه بویوک بیر یئری اولموشدور . بو بویوک سوز اوستادینین شعرلری الدن - اله گزیب هله ده بیر چوخ کیتابخانالاردا الیازما شعر دیوانلاری مارقلا قورونماقدادیر .

تذکره لرین یازدیقلارینا گوره قوسی تبریزده آنادان اولوب همین شهرده اوشاقلیق و گنج لیک چاغلارین کئچیریب آنجاق شاه عباسین غلط سیاستی نتیجه سینده اودا بیر چوخ عالیم لر ؛ شاعیرلر ؛ خطاط لار ؛ معمارلار و ... کیمی

تبریزی صائب چوخ اثرلرینی فارسجا بویورموشسادا ؛
 قوسی بوتون اثرلرینی تورکجه یازیر و اونا گوره ده
 تاریخیمیزده احترام قازانماغا حقلی دیر ."
 تورک نظمی ؛ فارس لفظی ایله سوزلر سویله دیم
 آه کیم بیر شمه قوسی شرح احوال اولمادی
 وئردیمیز نم - نیشانی اونون چاپ اولان دیوانیندان داها
 آرتیق گورمک مومکون دور . گوردویوموز کیمی او ؛
 تبریزی سئویب یئری گلمیشکن اونا بیر سیرا دا شعرلر
 حصر ائتمیشدیر . بوگون آدی بیزه داها غریبه و تانیس
 اولمایان تبریزین باغ طاهرینه گورون نه گوزل بیر ترجیع
 بند دئیمیشدیر . کیم نه بیلیر بلکه ده شاعیر بو شعرین
 یازماسایدی بو گون باغ طاهر آدلی باغین آدی - سانی
 یوخ ایدی . شاعیر جنت سایاقلی طاهیر باغین بئلنچی
 وصف ائدیر :

اول باغ ده کیم ائيله دی تبریزی گولستان
 اول باغ کی بیر گوشه سیدیر روضه ی رضوان
 بیر حدی سهند آلمیش و بیر حدینی اورمو
 ایکی یانی سیرخاب دیر اول کوه بدخشان
 فواره لری چشمه ی خورشید ه توکر سو
 دریاچه لری رشک ایله دریاهه وئریر قان
 مینای مئی و لاله و خشخاش و شقایق
 بیر رنگ بولار ائتدیلر اول باغی چراغان
 کیم پرتو خورشید کیمی باغ فروغی
 ائندی فلکین ثابت و سیارینی پنهان
 اول باغده کیم گوللری دیر بحر گهر خیز
 بیر وقت ده کیم ابر بهار اولاد افشان
 هئی هئی دولانیم باشینا ای ساقی یاغی
 اوز باشین اوچون قویما گور الدن ایاغی

++=

اول باغده کیم قله سی افلاکه چکیب سر
 اول قله ده کیم وار سپهر ایله برابر
 جوش گول و نسرين و ریاحین و قرنفل
 دونیا اوزونو ائيله دی رنگین و معطر
 به به نه گوزل سرولری واردی بو باغین
 کیم فاخته سی کرکس گردون ایله اوینار
 گول بوته لری دلکش و عرعرلری موزون
 جنت یولودور چار خیابانی سراسر
 آخر نئجه هشیار اوتوروم من بو چمنده

کیم غنچه سی مینا کیمی دیر لاله سی ساغر
 اول قله ده کیم باغ کناریندا دوشوبدور
 دورت جانبی بی شبهه سکیز جنته بنزر
 هئی هئی دولانیم باشینا ای ساقی یاغی
 اوز باشین اوچون قویما گورالدن ایاغی
 +=

مطرب بئله گولزاره طربخانه گرک دیر
 مئی خوش ائله کیم ناله مستانه گرک دیر
 هم معبدی هم میکده سی واردی بو باغین
 کیم اوزگه یه مسجد ؛ بیزه میخانه گرک دیر
 هر نخل بو گولزارده بیر لیلی یه بنزر
 هر کیم کی نه مجنون اولاد دیوانه گرک دیر
 بو آب و هوادن کی وئرر عاشقه احیاء
 وار جانیمیز اما بیزه جانانه گرک دیر
 اول باغده من سینه می صد چاک ائده رم کیم
 سونبول لرینین کاکولونه شانه گرک دیر
 بیر فصلده کیم سبزه سیلر زنگ کونولدن
 اول باغده کیم بولبوله پروانه گرک دیر .

قوسی اوزو تاریخ سئور ؛ ادبیات سئور و بیر سوزده مطالعه
 یه رغبت گوسترن شاعیرلردن ایدی . بیر چوخ شاعیرلرین
 شعرلرین اوخویارمیش . شاعیرین داها آرتیق سئودییی
 شاعیرلردن گنجه لی نظامی ؛ تبریزی صائب ؛ بایات
 ائلیندن اولان بویوک فضولی ؛ شیروانی نسیمی ؛ امیر
 علی شیر نوائی و سایره نی گوسترمک اولار کی بونلارین
 درین دوشونجه لریندن و فیکیرلریندن هئچ واخت الی
 بوش اولمامیش و همین شاعیرلرین کولگه لرین
 شاعیریمیزین شعرلرینده گورمک بیر اوقدر چتین
 اولمامیشدیر . اسد آغا یعقوبی نین فیکری جه " : قوسی
 غزلرینی آنا دیلینده یازمیشدیر . بونولادا شعرلرینین
 آذربایجان لیلارا تربیه ائدیجی تاثیر گوجونو آرتیرمیشدیر .
 شاعیرین بو دیلده گنج لره مراجعت ائتمه سی تحصیلین
 آنا دیلینده آپاریلماسی طرفداری اولدوغونو عکس ائتدیریر .
 او ؛ آذربایجان ادبی دیلینی جانلی دانیشیق دیلینه
 یاخینلاشدیراراق تعلیم دیلی ایچون داها ال وئریشلی
 ائتمیشدیر . " دئدیمیز کیمی او صفوی دوورونده بویوک
 شاعیر و عالیم لریندن اولان تبریزی صائب ؛ تبریزی تاثیر
 ؛ شیخ صفی الدین اردبیلی و اونلار دیگر شاعیرله یاناشی
 آذربایجان ادبیاتی نین ذیرو ه سینه اوجالاراق اوزلریندن

دیرلی گنجینه لر یادیگار قویموشلار . شاعیریمیز یوکسک قابلیته مالیک اولدوغو ایچون یاراتدیغی اینجه شعرلر ايله یالنیز اوزونو ابدی لشدیرمه یب بلکه آذربایجان تاریخ و مدنیته نی ده اوزو آغ ؛ باشینی ایسه اوجالتمیشدیر . شاعیریمیز قوسی نین همشهرلیسی اولان میرزه محمد علی صائب ده اوز دیرلی بیاضی اولان سفینه صائب عنوانیندا کی کیتابیندا قوسی دن نجه بیت فارسجا شعر نقل ائده رک ؛ شاعیر قوسی نین دیرلی بیر شاعیر اولدوغون ثبوت ائدیر . تاسف له بو اینجه خیال شاعیرین بو گونه قدرنه آنادان اولما تاریخی بللی دیر نه اولوم تاریخی !! تذکره یازارلارین دا اولو شاعیریمیز قوسی حاقدا یازدیقلارینین بیر چوخ فایزی ائله قات - قاریشیق و تکرار اولاراق ثبت اولموشلار . شاعیر تبریزی علی جان قوسی حاقدا بیر - ایکی مقاله گوزومه دیسه ده ؛ آنجاق اساسا اونون یارادیجیلیغی باره ده اولموشدور . چوخ غریبه دیرکی ؛ اونون شعر دیوانین آچاندا مع الاسف یاشایشی ايله اوخوجولار بیر اوقدر تانیش اولا بیلیمیرلر !! همین نقیصه تاسف له هله ده دوام ائدیر !!

تبریزی قوسی نین مدح ائتدی کیسه لردن بیرسی ده گنجه لی "مصاحب" ایدی . رحمتلی فریدون بیگ کوچرلی مصاحب حاقدا بو بیلگی لری ارايه وئیرر : "کربلای علی خان زیاد اوغلو اسم ايله مشهور دور . گنجه و قراباغ بگلر بگی سی اولوبدور . زیاده خردمند ؛ باخبر و خوش صحبت بیر وجود ایمیش . شاه عباس صفوی نین لطف و عنایتینه نائل اولدوغو اوچون مصاحب لقبینی آلمیشدی . امور مملکتده زیاده ماهر و دوربین اولدوغوندان ماعدا شعر شناسلیقداید بیضاسی وارایمیش . اوزو داهی شعر دئیرمیش و بیر چوخ شعر و غزللری قالب دیر . " بونلاردان علاوه رحمتلی احمد گلچین معانی ده گنجه لی زیاد اوغلو مصاحب دن ان دولغون بیلگی لری ارايه وئرمیشدیر . او ؛ توپلادیغی تذکره پیمايه ده صص ۴۹۲-۵۰۲ قدر یازی یازمیشدیر . بونلاری تقریبا تکرار ائدن رحمتلی اوستاد عزیز دولت آبادی ده سر/بندگان شعر پارسى در قفقاز کیتابیندا شاعیر حاقدا توجهی اولموشدور . قوسی ترجیع بند لرینین بیریسینده محمد قلی خان زیاد اوغلو اوغورلو خانایم مدح یازمیشدیر . بیلیریک کی او ؛ ۱۰۷۴ ده قاراباغین بیگ لر بیگی سی اولوب بو مهم امر اونا تاپیشیریلیمیشدیر . شاعیر یازیر :

قوسی نین دیوانیندا آتالار سوزو :

شاعیریمیز قوسی ده ترکی آذربایجانین دیگر شاعیرلری سایاق آنا دیلینین آشار - داشا ر دیل خزینه سیندن لازیمی قدر فایدالانمیشدیر . او ؛ شعرلرینین بیر سیراسیندا هله بوگونه کیمی بیزه گلیب چاتان آتالار سوزوندن یئری گلمیشکن ایشله تمیشدیر کی اونلارین بیر سیراسی بو یازیمیزین ضمیمه تقدیم اولور .

سینه ده کونلوم ساراین روشن ائیلر شمع داغ
اوز آیایغی آلتینا هر چند ایشیق وئرمز چراغ .

من تاک تکیب مئی یئرینه خون دل ایچدیم
سوزدور بو کی هر کیسه نه اکدی اونو بیچدی

==+=

یئتمه ین سوز سوزینه شورین نه بیلسین معنی نین
آغزی شیرین ائيله مز حالوا دئمک ؛ حالوا کیمی

اگر چه دوغرویا مشهور دور زاوال اولماز
فغان می دوستلاری دوغزو سوز ائدر دوشمن

تسخیر زولف یاری حبادن دیلر کونول
اوخشار اونا کی ؛ اوزگه الی ایله ایلان توتار

چراغی یاندی عشقین مندن و من عشقندن یاندیم
بلی مشهور دور کولدن اود اولماق ظاهر ؛ اوددان کول
قوسی نین اعتنا ائتدیگی شاعیرلر آز اولمامیشدیر . آنجاق
اونون ائله تورک دیلی شاعیرلره توجهی داها چوخ
اولموشدور کی بو یازیمیزدا اونلارین بیر سیراسی تقدیم
اولور.

۱- سید عمادالدین نسیمی و قوسی :

نسیمی ؛ تبریزی قوسی نین ان چوخ سئودیی شاعیر
لردن اولموشدور . آراشدیریجی لارین بیر سیراسی اونو
تبریزی ؛ شیروانی و بیر سیراسی ایسه شیرازی
یازیرسالاردا بلکه ده قطعیت له اونون دوغوم یئری حله
لیک آیدین دئیل . آنجاق بونو دئییه بیلریک کی او بیر
آذربایجانلی شاعیری دیر کی هجری ۷۷۰ ده آنادان
اولموشدور . نسیمی یازدیقلارا اساس ۳۷ ایل شرفلی
عومور سوردوکه هجری ۸۰۷ ده حلب شهرینده دریمی
سویولوب شهادت شربتین نوش ائتمیشدیر . نسیمی نین
مزار داشیندا اونون وفات ایلین هجری ۸۲۴ ذکر ائتمیشلر
. نسیمی نین آشاغیداکی بیت لرین

حسرتیندن یاندی باغیریم جیگریم قان اولدوگل
سنسیز ایشیم گنجه - گوندوز آه و افغان اولدو گل
اونجا کیم گوز یاشی توکدوم یار سنین یوللارینا
اول باشین هر قطره سی دریای عمان اولدو گل
دوشمی گولدورمه شاهیم ؛ ساغلییمی ایله گل ایریش
مدعی ایلر تا دئمه سین قوولو یالان اولدو گل ...
گورن شاعیر قوسی نین طبعی داشیب بئلنچی قارشیلاییر
:

ساقیا باغیریم مئی گولگون اوچون قان اولدو گل
صبر ائوی سنسیز تزلزل بولدی ویران اولدو گل
بخیه سیندن زخم ایمین اکراه ائدردین شکر کیم
آچیلیب اول غنچه ی پژمرده خندان اولدو گل
خاطر حالیم پریشان اولماق ایله جمع اولور
اوندان آرتیق کیم سن ایسترسن پریشان اولدو گل ...
یا باشقا بیر یئرده قوسی ؛ نسیمی نین آشاغیدا کی بیت
لرین اوخویوب داماغی طاملی اولور . نسیمی دئییر :
کل مکانه گوهری گوهره کان می سان نه سن ؟

اوش بو صفات و حسن ایله جان جهان می سان نه سن ؟
عرش ایله فرش و کاف و نون سنده دیر ای ملک بو گون
کیمسه بو سیررا ایرمه دی شرح و بیان می سان نه سن ؟
کون و مکانه یاخمازام چون سنی بولدوم ای صنم
ایکی جهان ایچینده سن کون و مکان می سان نه سن ؟
قوسی ایسه همین بیت لری بئله قارشی لایب نظیره یازیر
:

ای بی قرار سینه ده نثشر می سان نه سن ؟
پیکان می سن کونول می سان اخگر می سان نه سن ؟
بیر دم سنی اول آتش رخساره یاخمادی
سن ای حجاب سد سکندر می سان نه سن ؟
رحم ائيله مز فغانینا اول دلربا کونول
سن گبرمی ؛ فرنگمی ؛ کافر می سان نه سن ؟
۲- حکیم فضولی و قوسی :

تورک دونیاسینین اوپوندویو بایات ائلی بویوک فضولی
نین شعر داغارجیغی چوخ بویوک اولموشدور . بو بویوک
شاعیریمیزین حاقیندا گونوموزه قدر یوزلر مقاله و شعر ؛
دونیانین بیر چوخ یئرلرینده قلمه آلینسادا ؛ حله بو ایشین
آردی کسيلمه دن دوامی وار.
بو شاعیردن گنیش حتملی شعر دیوانلاری بیزه یادگار
قالمیشدیر . فضولی ده اوزوندن اونجول شاعیرلرکیمی بیر
چوخ شاعیرلره تاثیر بوراها بیلیمیشدیر کی اونلاردان
تبریزی قوسی نی آد وئرمک اولار . قوسی ؛ فضولی نین
رنگارنگ شعرلرین گوروب اوخودوقدا پوئزیاسینا ماراقلانیب
نئچه یئرده اوز شعرلریندن اونون آدین سلام صلوات لا
گتیریر :

قوسی اول رعنا غزالیدور فضولی نین بو کیم
شاه ملک محنتم توتموش جهانی لشکریم
یا
قوسی بو اول غزل دیر کیم سویله میش فضولی
ها بویله محنت ایله گنچسین می روزگاریم
یا
بو همان رعنا غزلدیر کیم فضولی سویله میش
پند چوخ وئردیم ائشیتمز عارسیز دیر عارسیز
بیر یئرده فضولی نین بو تانیتمیش شعرین
منی جاندان اوساندیردی جفادان یار اوسانماز می ؟
فلکلر یاندی آهیمدان مورادیم شمع یانماز می ؟
قامی بیمارینا جانان دوا درد ائدر احسان

دئمه ظالیم ؛ دئمه کافیر اولور واللهی باللهی
 قیا باخکج ؛ تبسم نازک ائتکج التفات ائيله
 منی آخیر بو ظالیم اولدورر واللهی باللهی
 تبریزی قوسی ایسه بو غزلین بئله قارشیلایب :
 طیبیم باشیما بیر گون گلر واللهی باللهی
 منه تاپشیردیغی جانی آلا ر واللهی باللهی
 دئییرلر حالیمی سورماز ؛ سورار بیر اوزگه دیل دیر بو
 سانیرلار دردیمی بیلمز ؛ بیلر واللهی باللهی
 منی ای شوخ سنگین دل کی تیغین چون هلاک اولدوم
 سن اولدور یوخسا حسرت اولدورر واللهی باللهی .
 یا باشقا بیر یئرده شیخ صفی نین بوشعربین کی بئله
 باشلانیر:

قویدو اوز کونلومه غم لشکری هامون - هامون
 قارا بایداقلی عالم لر اوجو گلگون - گلگون
 چاغیریردیم قاتی آواز ایله لیلی - لیلی
 داغ سس وئردی جوابیمداکی مجنون - مجنون
 گوزلریمدن یانا اود توتلادی دوزخ - دوزخ
 جگریمدن یانا قان قاینادی جیحون - جیحون
 بونه ویرانه کونول دور صفی ای وای ؛ ای وای
 سرورلر وار ایدی بو باغده موزون - موزون
 گورب اوخویان ؛ تبریزی قوسی بئلنچی بیر شعر یازابیلیر:
 ساقیا ائيله میشم جامیمی پرخون - پرخون
 ائتمه دی چهره می چون باده ی گلگون - گلگون
 عشق اهلینده گرک حوصله دریا دریا
 نه قدر شور جنون اوز قویا هامون - هامون...
 اولا بیر گون دییه اول ماه کی قوسی - قوسی
 سویله ین وقتده درد اهلی کی مجنون - مجنون .
 ۴- تبریزی صائب و قوسی :

هند سبکی یا خود داها دوغروسو هند مکتبی آدی ایله
 ادبیات عالمینده تانینان مکتبین ان بویوک و تانینمیش
 سیمالریندن اولان بیرسی ده تبریزی میرزه محمد علی
 صائب اولموشدور . صائب ۹۹۹ تبریزده آنادان اولوب
 ۱۰۸۷ ده اصفهان دا دونیاسین دیشمیش ؛ حالیا مزاری
 اورادا بللی و ادبیات وورغونلارینین بیر زیارت گاهی کیمی
 تانینماقدا دیر . اونون یوزمین بیت دن زیاده شعرلری
 اولموش کی یکی دیلده دئمشیدیر . تاسف له تورک
 شعرلری نین حجمی بیر اوقدر اولمامیش ؛ بیر سیراسی دا
 ایتیپ - باتمیشدیر . بو تای سیز شاعیر له قوسی نین بیر



نئچون قیلماز منه درمان منی بیمار سانماز می ؟
 غمیم پنهان توتاردیم من ؛ دئدیله یاره قیل روشن
 دئسه م اول بی وفا بیلیم اینانماز می ؟
 گوروب اوخودوقدا ؛ اونا گوزل بیر نظیره یازیر کی
 اوزلویونده دقته لایق دیر . باخین
 تظلم دن اوساندیم ظلمدن دلدار اوسانماز می ؟
 جفا و جوردن اغیار اوساندی یار اوسانماز می ؟
 اوساندی باده گول رنگدن میخانه اوباشی
 مگر مظلوملار قانیندان اول خونخوار اوسانماز می ؟
 توتوشدو شمع کونلوم دمدم پروانه یاخماقدان
 بو معنادن مگر اول آتشین رخسار اوسانماز می ؟

۳- شیخ صفی الدین اردبیلی و تبریزی قوسی
 بویوک عاریف شیخ صفی الدین اردبیلی (۷۳۵-۶۵۰) اوزو
 عاریف اولدوقدا آرا - سیرا شعرلر ده یازارمیش . بوگون
 اونون بیر سیرا تورکجه - فارسجا شعرلریندن ؛ هابئله بیر
 سیرا ایستر اوز یازی لاریندان ؛ ایستر سه ده مورود لرینین
 یازیلاریندان الیمیزده دیر . شیخ صفی ایله ده قوسی نین
 شعرلری آرا ؛ بیر یاخین لیق گورمک بیر اوقدر ده چتین
 دئییل . آشاغیداکی اوخویاجاغینیز شعر صفوی دوورونون
 شاعیر و عاریفی ائله شیخ صفی دن دیر.

دئمین کیم دردیمی بیلمز بیلر واللهی باللهی
 دئسه بیلیم اینانمین آلدادییر واللهی باللهی
 دئدین هرگیز منیم کونلوم سنن ایله مهربان اولماز

سیرا یاخینلیق لارین گورمک ؛ شاعیرلرین شعر دیوانلارینا
مراجعت ائتمکله گوروروک . صائب بیر یئرده بئله دئییر :
شاه من در کوی تو تاکی کنم فریاد هئی
داهی طاقت قالمامیشدیر داد هئی بیداد هئی
همدمیم غم ؛ مونسیم غم ؛ دلبر و غمخوارهم
ای دولانیم باشینا سنسبز دئییل دل شاد هئی
در دل صائب بسی جا کرده آن چشمان مست
ایکی کافر بیر مسلمان اولدورور بی داد هئی
قوسی ایسه اوست ده کی ملمع شعره بئله جواب وئیرر :
عمرلر دیر صید ناوک خوردی ام صیاد هئی
نیم بسمل قویما باشین چون منی جلاد هئی
نقشیمی کیم توتما داویمدان منیم گوز یومما کیم
من حریف پاکبازم ؛ ساده ام نراد هئی
هر قدر قوسی فغان و ناله و آه ائيله رم
هیچ کیم یئتمز منیم فریادیم فریاد هئی .
یا صائبین ان معروف غزلی اولان کی بو مطلع ایله باشلانیر :

الدين چيخارام زولف پريشانيني گورجک
هوشدان گنده رم سرو خورامانيني گورجک
سوسوزلارا گر جان آخيدور چشمه ی حيوان
من جان وئيره م چشمه حيوانيني گورجک
کژگانی اولوب قانلی یاشيندان رنگ یاقوت
صائب لب لعل گهر افشانيني گورجک .

قوسی دا بو غزلی بئله قارشيلاییر :

الدين گئدرم سرو خورامانيني گورجک
دیلدن دوشرم غنچه ی خندانيني گورجک
هر چند منه تاب وئرر موی میانين
بی تاب اولارام زولف پريشانيني گورجک
رحم ائيله ییب احوالينا کويونداکی ایتلر
فریاده گلر قوسی نالانيني گر جک .

۵- قزوینلی وحید و قوسی :

عمادالدوله لقبی ایله تانینان میرزه محمد طاهر وحید ؛
۱۷ ینجی عصرین آدلی - سانلی ؛ عین حالدا ساوادللی
شاعیر و یازیچی لاریندان ایدی . اونون تورکجه - فارسجا
شعرلری ایله برابر بیر سیرا نثرلری ده بو گون الیازما
شکلینده دونیانین بیر چوخ کیتابخانالاریندا قورونماقدا دیر
. شاعیریمیز قوسی ایله بو اولو شاعیرین آراسیندا بیر سیرا
اورتاقلیق لار گورمک بیر اوقدر ده چتین دئییل . قوسی

شعرلرینده بیر نئچه دونه وحید دن احترام لا بئله یاد
ائتمیشدیر :

باغیریمی قان ائندی دوران ناله ی سرشار هئی
جانیمی یاندیردی گردون آه آتش بار هئی
جانه یئتدیم پیچ و تاب هجر دن ای یار هئی
گئتدیم الدن ای دولانیم باشینا دلدار هئی
... یاخشی دیر بی کس لرین گاهی یئتیشمک حالینه
قوسی بی چاره هم بی یاردیر ؛ غمخوار هئی .
همین ردیف و قافیه ده قزوینلی وحیدین ده گوزل بیر
غزلی اولموشدور کی آشاغیدا تقدیم اولونور .
باغیریمی قان ائيله دین ای دلبر خونخوار هئی
یئت منیم فریادیم بی درد هئی ؛ ديلدار هئی
عندلیبیم ؛ درمنم گول ؛ گلمیشم دردین دریم
آچیل - آچیل اوزومه گوی ای گول بی خار هئی
... بیر باخیشدان گر کونول تاش ایسه ؛ اندر توتیا
یوز به یوز نئجه دورور ای نرگس بیمار هئی .
الته قوسی تورکجه شعر دیوانیندا دونه - دونه قزوینلی
وحید دن آد آپارمیشدیر کی ایکی بیت اورنک اولاراق
تقدیم اولونور .

نه یاخشی سويله میش قوسی وحید عالم معنی
نگاه بی محابا دیر دل بی تاب دیلماجی

نه یاخشی سويله میش قوسی وحید پاک گوهر کیم
منی یاندیردی بیر آتش کی دشمندن ایراغ اولسون
قوسی نین تاثیر بوراخدیی شاعیرلر :

قوسی نین اوزوندن سونرا کی بیر سیرا شاعیرلره تاثیر
اولموشدور . اونون شعرلرینه اعتنا ائتدی شاعیرلردن بیر
سیراسینین سیاهیسی نی آشاغیدا گوستره جه یک .

۱- تبریزی تاثیر و قوسی :

میلادی ۱۷ ینجی عصرین ان تانینمیش شاعیرلریندن
بیرسی ده " تبریزی میرزه محسن تاثیر " اولموشدور . او
۱۰۶۰ ینجی ایله تبریز شهرینده آنادان اولموشدور .
شاعیر ؛ شاعیرلیک دن سووای دولتی ایش لرده ده
اشتراکی اولوب ؛ بیر سیرا خدمت لرین مصدری
اولموشدور . میرزه محسن تاثیر ۱۱۳۱ ینجی ایله
دونباسین دیشمیشدیر . عصرینین تذکره چیلری اوندان
سلام - صلوات لا یاد ائتمیشلر . قوسی نین بو شاعیرله



داغلار دا چيخيپ سالدی باشين سونبول آشاغی
اول لاله روخون زولف پريشانيني گورجک
پوسته دهنی ؛ آچيلار قالدی حدیندن
اول سرو قدین قونچه ی خندانيني گورجک .
۳- تبريزلی قوسی و راجی :
قوسی نين شعرلری دئديميز کیمی ديلده - ديشده
گزيب شعرلری راجی کیمی شاعيرين الينه هابئله
قولاغينا چاتميشدير قوسی بير يئرده دئيير :

عاشق اولدوم يئنئ باشدان بير پری روخساره من
مست من ؛ بی عقل من ؛ دیوانه من ؛ بی چاره من
بير سپند شوخ یوز مجمرده يانماق سیری وار
کیم عنانیم وئرمیشم اول شمع گول روخساره من
... ائيلمز قوسی تدارک بير نفس عصيانیمی
عمر جاويدان اگر صرف ائتسم استغفاره من .
بو گوزل بيتلری گوروب اوخويان راجی ؛ گورون اونو نه
اوستادانه قارشيلايير :

هجرينده دائما گليره م آه و زاره من
بی چاره من ؛ فلک زده من ؛ بخت قاره من
باغ بهشته ائيله مه رم ميل آشیان
گرباش قويام خيالوييله بير مزاره من
... هر يئرده راجيني گوره سن ائيله التفات
وئررم گوزل قسم سنی پروردگاره من
يا قوسی نين بو مخمسی نی اوخويان راجی:
منی هجر ائيله ميش زیر و زبر واللہی باللہی
کونول آب و کباب اولموش جيگر واللہی باللہی
محبت قويمايش مندن اثر واللہی باللہی
دئين مندن اونا ای دوستلار واللہی باللہی
يئتر ظاليم يئتر کافر يئتر واللہی باللہی
بئله جوابلاميشدير :

سنين تک يوخدو يار جان ستان واللہی باللہی
بويوک سوگند دور ظاليم اينان واللہی باللہی
گندر تعجيل ائيله گلمز دئييرلر عومر سن گلسن
کئچن گونلر گلور کلا جوان واللہی باللہی
دئسه هر کيم سنون سير دهانودان نشان بيللم
غلط دور محض بير سوز دور يالان واللہی باللہی
۴- تبريزلی قوسی و صراف :

دئديميز کیمی تبريزلی قوسی نين شعرلری ال-دن-اله
گزميش و بير چوخ يئرلرده ؛ ديللر ازبری اولموشدور.

فيکر داشليغين شعرلريندن دويماق اولور. قوسی بير يئرده
دئيير :

ديلر کونلوم کی يار اغيار ايله يار اولماسين يارب
جهان تا وار اوليون يار اغيار اولماسين يا رب
منيم تک بولبولون قان اولدو باغری غمچه فارغ دير
بو ديل بيلمزلره هئچ کيم گرفتار اولماسين يارب
کونول مين درده درمان ائتمک ايچون بير نگاه ايستر
سنين بيمار چشميندن کی بيمار اولماسين يارب ...
ميرزه محسن تاثير ايسه بئله سويله يير:
منيم تک هئچ کيمين احوالی در هم اولماسين يارب
غريب و بی کس و بی يار و همدم اولماسين يارب...
ازلدن بيعت ائتميش لاله تک درد ايله درمانيم
جگر داغينه کونلون قانی مرهم اولماسين يارب
مگر تغيير اولتا تاثير حقدن بخت و اقبالين
خط نقش جبينين خط خاتم اولماسين يارب .

۲- سيد عظيم شيروانی و قوسی :

سيد عظيم شيروانی ترکی آذربايجانين قدر شاعير و
يازيچی لاريندان ایدی کی شعرلری و يازی لاری بير نئچه
دونه چاپ و يايئلانميشدير . سيد عظيم ده بير چوخ
شاعيرلر کیمی قوسی يه توجهی اولموشدور کی بو توجه
اونون شعرلرينده کولگه سالميشدير . او قوسی نين
آشاغيداکي شعرين اوخوياندا کی بئله دير :
الدين گنده رم سر خورامانيني گورجک
ديلدن دوشرم غنچه ی خندانيني گورجک
هر چند منه تاب وئرر موی ميانين
بی تاب اولارام زولف پريشانين گورجک
ای جان آليجي گوزلری شهباز باخيشلی
شاهين ياشينار پنجه ی موژگانيني گورجک .
آغزی سولانيب آشاغيداکي نظيره نی يازير کی ماراقلی
دير باخين :

جان تازه لنير لعل دور افشانيني گورجک
دل خرم اولور سرو خورامانيني گورجک

جان چکر هر کیم کی زخمی‌مدن منیم پیکان چکر
گورنه جاهل دیر ائدر تقلید ازل نقاشینی
اول مصور کیم مثال صورت جانان چکر .
صراف دا اوست ده کی غزله بئله جواب وئریر :

نقاش نقش قامت سرو روان چکر
اما یئتر دوواقیوا چکدیکجه جان چکر
ظاهرده گرچه فاش ایله موژگان چکر ولی
باطنده قتل عاشقه تیر و کمان چکر
نرگس گوزون بنفشه خطون لاله عارضون
عکسین سالور خیاله گلور گولوستان چکر .
۵- قوسی و حکیم سید ابوالقاسم نباتی :

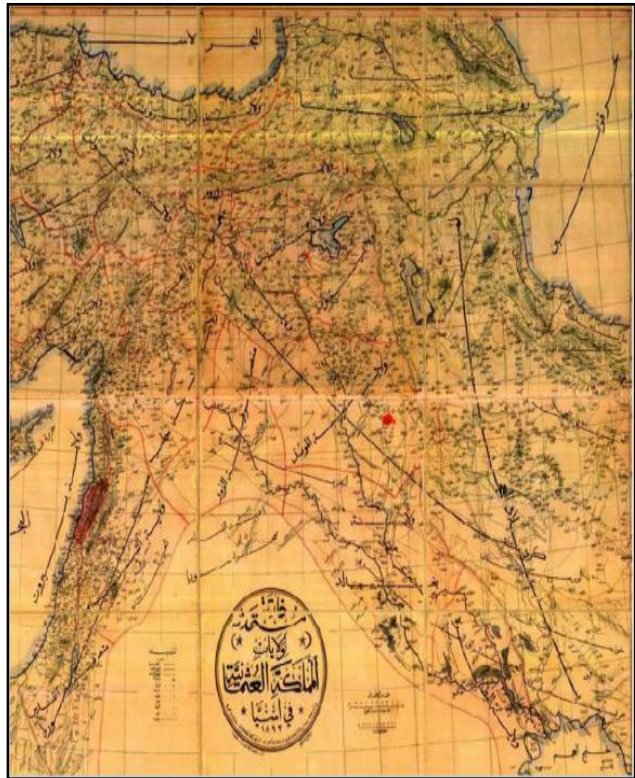
قاراداغین اوشتوبون کندیدن قووزانان سید یحیی محترم
اوغلو سید ابوالقاسم نباتی ترکی آذربایجانین ان تانینمیش
شاعیرلریندن اولموشدور . سوزوموزه شاهید اونون شعرلری
دیر کی دونه - دونه چاپ اولموشلار . نباتی نین ده قوسی
یه علاقه سین شعرلریندن سچمک اولار . قوسی نین
آشاییداکی شعرین گوروب اوخویان شاعیر نباتی اونا بیر
نظیره یازیر . اونجه قوسی نین شعرین داها سونرا نباتی
نین شعرین بیر گه اوخویاق .

محتنیندن منیم اول مست خبردار اولماز
اوزو ؛ اوز دامینه صیاد گرفتار اولماز
نه قدر اولموش اولا دشمن دیرین یئی دیر
قره بختیم یوخودان شکر کی بیدار اولماز...
عشق و پروانه نه سوز دور بو کی عاشق قوسی
جان وئر اوله کی جانانی خبردار اولماز .

نباتی بو غزلی بئله قارشیلاییر :

عشق جامیندان ایچن کیم سنه هوشیار اولماز
نه بودونیا ده قیامت ده ده بیدار اولماز
قورخو بیلمز ائله مز شاه و گدادان پروا
مست و مستانه گزر کاغذ و طومار اولماز...
آلیشار شمع کیمی اودلاشی پروانه کیمی
جان وئر یارا نباتی کیمی بی عار اولماز .

کیچیک یازیمیزین سون سطرلرینده چوخ کونلو م ایسته
بیر حاقیندا دانیشدیغیمیز شاعیر ؛ تبریزی قوسی نین
ایکی سئودیم غزلرینه سیزی قوناق ائدی ؛ آراشدیریجی
لاریمیزدان رجا ائدم شاعیر حاقدا گئیش سئیه ده آرایب
آختارسینلار نییه کی قوسی نین آذربایجانلی لارین
بوینوندا بویوک حاقی وار .



قوسی‌نین تاثیر ی صراف‌داها داها چوخ اولموشدور . صراف
قوسی نین آشاییداکی غزلینی گوروب اوخودوقدا سئوینیر
. قوسی یازیر :

توتار آهنگ مطرب چون دل پر اضطراب اوینار
مگر بیلمز می کیم دف سیز بو سرمست خراب اوینار
اوشاقلار یک سنین قاپیندا چرخ پیر ایل لردیر
بو امید ایله کیم بیر گون اولار بیر فتح باب اوینار
نجه اطفال ایله دیوانه هم رقص اولماسین یارب
کی ذوقوندان نسیم نو باهارین شیخ و شاب اوینار ...
اینجه خیاللی شاعیر صراف ایسه همین غزلی گورون نه
گوزل قارشیلاییر :

چشم سیه یار دل پیر ایلن اوینار
آهوی خطا دیده یه باخ شیر ایلن اوینار
سالمیش یوزه تک خالینی یاندورسون حریفی
لیلاج دغلبازدو تدبیر ایلن اوینار
آئینه ده اوز عکسینه یاریم اولوب عاشیق
صورت گره باخ چکدیککی تصویر ایلن اوینار ...

باشقا بیر یئرده قوسی یازیر :
گرچی خوبلار محنت هر عاشق حیران چکر
ساقی ناز آفرینین نازینی دوران چکر
چیخماز ای قاتل خدنگ دلنشینین سینه دن

غزل

دئییر زاهد کی ظاهر دیر قیامتدن علامت لر
نه بیلسین کیم بو قامت دن قیام ائتمیش قیامت لر
گورونمز سبزه ی خوابیده سرو ناز اولان یئرده
اونون یانیندا سیز پامال سیز ای سرو قامت لر
بو یولدان کیم وصالین بولدوم و تاپشیرمادیم جانیم
منی اولدورمه سه هجر ؛ اولدورر آخر ندامت لر
اگر اقبال ؛ اگر ادبار عاشق رزق سیز قالماز
یئتر هر وجهیلن کیم وار درد و داغ و محنت لر
اولوب سوهان روحوم قانلی باغیریم داغ ائدن ناصح
سنین تک اوزگه یه چوخ ائتمیشم من هم نصیحت لر
اونون تک بیر نگار پاک سیرت باغلاماز صورت
و گرنه عالم ظاهرده چوخدور یاخشی صورت لر
نگاه گرم اونون روخسارینا گر آفتاب ائتسه
سپند ائیلر منی بی اختیار اولدلا ره غیرت لر
کرم قیل باده گلگونه عادت وئرمه باشین چون
کی دائم قان ایچر ساقی گوزو کونلومده حسرت لر
بوگون مندن اوزون دوندردی جانان بیلیمیره م قوسی
اونا یارب نه سوز عرض ائيله میشلر بی مروت لر .

غزل

دئیین فرهاد و مجنون خواب غفلتدن اوپانسینلار
اگر دوغرو دئییرلر دردیمه بیر دم دایانسینلار
منیم ای چرخ ناپاکیزه پرور صاف دیر کونلوم
نولا سیراب اشکیم بیرله دریالر بولانسینلار
اونون تا کاکولون گوردوم بو سامان ایله بیلدیم کیم
پریشانلارگرک عالمده سر گردان دولانسینلار
منی بیر شمع گول رخسار یاندریمیش کی غیرت دن
گرک بولبوللر و پروانه لر اولدلا ره یانسینلار
اولرلر رشکدن گر بیلسه لر خون جگر قدرین
بونو بی دردلر مندن ائشیتسین لر اینانسینلار
بوخوبلار کیم جفا و جور قیلماقدان اوسانمازلار
الهی عاشق ائت تا اولزیندن هم اوسانسینلار
مروت اولما سایدی مانعیم قوسی دئییردیم کیم
الهی من کیمی اغیار هم اولدلا ره یانسینلار.

قایناقلاریمیز و ایضاclarیمیز :

- ۱- دیوان اشعار ترکی سید عمادالدین نسیمی - تصحیح دوقتور حسین صدیق (دوزگون) ؛ تبریز ؛ نشر اختر ۱۳۸۷ ؛ صص ۳۵۶ - ۳۱۸
- ۲- سفینه ی صائب - به کوشش سید صادق حسینی اشکوری ؛ چاپ اول ؛ دانشگاه اصفهان ۱۳۸۶ (فاکسیمیله)

۳- یازارین شخصی یادداشتلاری

۴- دیوان قوسی - توپلایب ؛ تصحیح و سهمانلایان - سیده حمیده رئیس زاده (سحر) - بیرینجی چاپ ۱۳۷۶

۵- وارلیق درگی سی / سای ۸۲-۳ ؛ تهران ؛ پائیز ۱۳۷۰ _ قوسی تبریزی - محمد رضا کریمی

۶- دیوان اشعار ترکی فضولی / دوقتور حسین صدیق ؛ نشر مکتون - ۱۳۸۴ تبریز

۷- قارا مجموعه / شیخ صفی الدین اردبیلی / توپلایان دکتر حسین صدیق ؛ نشر اختر ؛ تبریز ۱۳۸۶

۸- دیوان اشعار ترکی حکیم سید ابوالقاسم نباتی - تصحیح ؛ دوقتور حسین صدیق ؛ تبریز ؛ نشر اختر ۱۳۸۵

۹- دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی ؛ تصحیح ؛ دوقتور حسین صدیق ؛ تبریز ؛ نشر ندای شمس ۱۳۸۶

۱۰- صائبین تورکجه شعرلری- چاپ اولمامیش اثر / بو مقاله نین یازارینین همی ایله توپلانیب چاپ عرفه سینده دیر /

۱۱- آذربایجان ادبیاتی تاریخی ماتریاللاری ؛ فریدون بیگ کوچرلی - جلد ۱ ؛ آذر نشر باکو ۱۹۲۵ ؛ صص ۸۷

۱۲- چالیشقان یازیچی م ؛ کریمی ده ؛ تاریخ ادبیات آذربایجان کیتابیندا قوسی حاقدان اون صحیفه دن زیاده شاعیرین یارادیجیلیغینا عاید بیر مقاله یازمیشدیر . باخین / تاریخ ادبیات آذربایجان ؛ م - کریمی ؛ جلد دوم ؛ موسسه فرهنگی هنری یکتا رصد زنجان ؛ ۱۳۸۴

۱۳- تذکره پیمانه ؛ احمد گلچین معانی ؛ نشر کتابخانه سنائی ؛ تهران ۱۳۶۸-۵۰۲-۴۹۴ صص

۱۴- سرایندگان شعر پارسی در قفقاز ؛ عزیز دولت آبادی ؛ بنیاد موقوفات دوقتور محمود افشار ؛ تهران ۱۳۷۰

۱۵- البته قوسی نین مدح دندیبی گنجه لی مصائب ین یاشایشی بیر چوخ کیتابلاردا گلیمیشدیر او جمله دن آشاغیداکی بو اوچ کیتاب:

۱۶- گلستان ارم ؛ عباسقلی آقا قدسی ؛ ویراستار مهدی کریمی ؛ چاپ اول ۱۳۸۲ ؛ تهران ؛ مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه ؛ صص ۲۷۴-۲۷۵

۱۷- گلستان ارم ؛ عباسقلی آقا باکیخانوف ؛ ویراستار ؛ عبدالکریم علی زاده ؛ تهران نشر ققنوس ؛ ۱۳۸۳ ؛ صص ۲۳۶

۱۸- تذکره ساقی نامه سرایان آذربایجان ؛ میر هدایت حصارى ؛ نشر تابان ؛ تهران ۱۳۸۴ ؛ صص ۷۳-۸۰

۱۹- سهند هفته لیبی ؛ تهران - تبریزی میرزا محسن تاثیر ؛ دوقتور محمد زاده ۷۰/۶/۲۷

۲۰- وارلیق درگی سی - نومه ۱۱۰ - پاییز ۱۳۷۷ ؛ تاثیر تبریزی ؛ محمد علی حسینی

۲۱- وحید قزوینی - محمد علی حسینی ؛ وارلیق درگی سی ؛ سای ۱۲۳ ؛ تهران ۱۳۸۰

۲۲- دیوان راجی تبریزی - تصحیح و مقدمه ؛ ابوالفضل احمدلو - نشر فخر آذر ؛ تبریز ۱۳۸۸

۲۳- قوسی تبریزی نین تربیه وی فکرلری حقیقنده / اسد یعقوبی / سحر درگی سی (تاریخی - ادبی مجموعه) نومه ۷ ؛ ۱۳۶۲ - صص ۲۴-۲۰

۲۴- وارلیق - شهرپور ۱۳۶۸ ؛ سای ۷۴ ؛ تهران / دیوان قوسی تبریزی ؛ عزیز دولت آبادی ؛ صص ۱۰۷-۱۰۹

۲۵- آذربایجان ژورنالی ؛ نومه ۵ - آیلیق اجتماعی ؛ سیاسی و ادبی مجموعه ؛ دیقابر ۱۹۴۵ - صص ۲۳-۲۲ و ۲۸ - قوسی تبریزی نین نشر اولونمامیش

شعرلری ؛ فیلولوژی علملر نامزدی ؛ حمید آراسلی

موقعیت زبان تورکی در ایران دوره قاجار به روایت سیاح اتریشی یاکوب ادوارد پولاک

در ایران به وطن خود بازگشت. پولاک در سطوری از سفرنامه خود به نام «سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان» هر چند کوتاه به گستردگی و فراگیر بودن زبان تورکی در ایران می‌پردازد. پولاک که خود در ردیف وقایع‌نگاران، مردم‌نگاران و پیش‌روان اروپایی طرح ملیت و هویت ایرانی-فارسی بشمار می‌رود.

آذربایجان

آذربایجان سن سن منیم
 علوییتیم شان شوهرتیم
 آدین منیم اوز آدیم دیر
 سنسیز منیم نه قیمتیم
 آذربایجان آذربایجان
 یاشا یاشا آذربایجان
 *

بیز تاریخه سیغیشماریق
 دونن واردیق بوگون واریق
 بیز دوستلوغا گووه نه ریک
 گله جه یه آددیم لاریق
 آذربایجان آذربایجان
 یاشا یاشا آذربایجان
 *

نفسیمیز بابک لرین
 صابرلرین گور نفسی
 ماهنی لاردا یاشار بیزیم
 بابا لارین آیاق سسی
 آذربایجان آذربایجان
 یاشا یاشا آذربایجان

زبان مردم آذربایجان در تاریخ

یکی از بحث‌های جنجالی امروزه این است که مردم آذربایجان در طول تاریخ به چه زبانی صحبت میکردند؟!!

تا پایان دوره قاجاریه زبان تورکی یک زبان دوفاکتو در ایران بود. شاهان قاجار اهمیت چندانی به ترویج و گسترش زبان فارسی نشان نمی‌دادند، تورکی را مقدم می‌شمردند و تورکی زبان رایج در دربار و اردوی ایران بود. در اواسط دوره قاجار -اواخر دوران سلطنت ناصرالدین شاه- با نفوذ فراماسونرها و فشار عمال دولتهای استعمارگر اروپایی من جمله عوامل انگلستان و جناح فارس‌گرای دربار و تشویق به انجام مکاتبات درباری- رسمی تنها به فارسی توسط آنها، زبان فارسی مورد توجه بیشتری قرار گرفت و به همراه تورکی زبان مجالس رسمی درباری-دولتی در ایران گشت. لیکن این توطئه‌ها از موقعیت زبان تورکی نکاست و تورکی همواره جایگاه خود را در دربار قاجار حفظ نمود. در اوایل دوره قاجار بیشتر مکاتبات رسمی دولتی به زبان تورکی بود، همچنین در آن دوره در برخی مکاتبات رسمی از فارسی نیز استفاده شده است.

در ایران آن دوره زبان تورکی زبان بیشتر ساکنین ممالک محروسه بود. به‌رغم هژمونی تورکان و زبان تورکی در ایران دوره قاجار، فارسی تنها زبان عده خیلی از شاعران و کاتبان در مناطق تاجیک‌نشین و فارس‌زبان بود.

از جمله وقایع‌نگاران و سیاحان اروپایی که وضعیت فرهنگ، جامعه، جمعیت و مردم ممالک محروسه و همچنین موقعیت، نژاد و تبار ساکنین آن را در دوره قاجار به قلم گرفته است مردم‌نگار و پزشک اتریشی یاکوب ادوارد پولاک بود که از سال ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ در ایران زندگی می‌کرد. پولاک به دعوت امیرکبیر برای تدریس در دارالفنون همراه با شش استاد دیگر اتریشی پیش از گشایش دارالفنون به ایران آمدند و در رشته‌های زبان فرانسه و پزشکی به تدریس پرداختند. دکتر پولاک در سال ۱۸۵۵، پس از دکتر کلوه و قبل از استخدام دکتر تولوزان، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و پس از ۱۰ سال اقامت

واحدهای اندازه گیری ترکی

واحد طول : آرشین = ۱۱۵ سانتی متر / یاریم آرشین = ۵۷,۵ سانتی متر / چیرک = ۲۹ سانتی متر / سییه = ۱۴,۵ سانتی متر / پونزا = ۷,۲ سانتی متر.

واحدهای اندازه گیری طول مسافت در مقیاس بزرگتر آغاج بوده است : آغاج = ۶ کیلو متر / منزل = ۶ آغاج . حد فاصل هر آغاج قهوه خانه ای جهت استراحت وجود داشت معمولاً یک فرد معمولی روزانه دو آغاج راه می رفت یک مسافر تنبل یک آغاج راه می رفت و آدم های خیلی تنبل طوری مسافرت می کردند که اگر مسافت ۱۰ روز را جمع می کردی از ۹ آغاج هم کمتر می شد. این موضوع برای اینکه میزان تنبلی شخصی را مشخص کنند می گفتند فلانی خیلی زرنگ است ماشاله " اوئن گونده دوققوز آغاج یول گئدیر " (در ۱۰ روز ۹ آغاج راه می رود)

واحدهای پول: قیران = ۱۰۰ دینار = بیست شاهی / ده شاهی = ۵۰ دینار / چهار شاهی = یک عباسی. یک منات = ۳,۵ قیران / یک پنابت = ۵۰ دینار / اوچ پنابت = ۱,۵ قیران / قارا پول = سکه کم ارزشتر از برنز و یا روی = پیشیز

« تومان » واحد پولی ۸۰۰ ساله در فرهنگ و ادب و تاریخ ما ترکان نیز همواره به جای عدد ده هزار استفاده شده است. این واحد پولی را بخاطر برابری آن با ۱۰۰۰۰ دینار چنین نامی را نهاده اند. «سکه صد دینار» یا همان «صنار» را سلطان محمود غزنوی ضرب کرد و بعدها به « محمودی » معروف شد. دینار واحد پول روم و برگرفته از نام امپراتور روم دیناریوس بوده است. همزمان شاهان سامانی ماوراءالنهر سکه های نقره ای معروف به «شاهی» را ضرب کردند که ارزش آن نصف محمودی بود. بعداً ۱۰۰۰ دینار را «قران» و ۱۰۰۰۰ دینار را «تومان» گفتند. در اواخر دوره قاجار سکه های ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ دیناری ضرب شد که به یک «قران» و «دو قران» یا دوهزار (اصطلاحاً دوزار و دو قرون) معروف شدند .

عده ای بر این نظریه معتقدند که زبان مردم آذربایجان قبل از حکومت سلجوقیان فارس بوده و به تدریج با آمدن اقوام ترک «غز، قپچاق، اوغور» و تشکیل حکومت های ترک ، تبدیل به زبان ترکی شده است.

با کمی تامل بر روی این نظریه میتوان سوال کرد که چرا با وجود اینکه پایتخت سلجوقیان شهرهای نیشابور، ری و اصفهان بوده در هیچ یک از این شهر ها آثاری از زبان ترکی وجود ندارد؟ و فقط آذربایجان به زبان ترکی تکلم میکند؟

ولی اصل مطلب

-یامپولسکی ، مورخ بزرگ روسی با استناد به منابع آشوری اثبات میکند که ساکنان بومی آذربایجان اقوامی بودند به نام توروک ها، حتی در کتیبه هایی که از اورارتو ها باقی مانده است سخنی از ایالاتی در آذربایجان رفته است که قومی به نام توریخی (توروکی) هزاران سال قبل از میلاد در آنجا زندگی میکردند.

«آرتور کریستن سن» تاریخ نویس دانمارکی نیز وجود ترکان بومی بسیار قدیمی ساکن آذربایجان را اثبات میکند و از آنها سخن به میان می آورد

-پومپونیوس جغرافی دان و تاریخ نگار سده اول میلادی مینویسد : زبان ترکی در اراضی آذربایجان در دوران پیش از میلاد پدیدار شده است

-باید این را دانست که منابع تاریخی معمولاً به اقوام دارای موقعیت سیاسی برتر و حادثه ساز توجه دارد و قبائل بومی را نادیده میگیرد در مورد آذربایجان نیز اینگونه بوده است، بعد از آمدن اقوام آریایی به ایران و آذربایجان بدلیل موقعیت سیاسی برتر این اقوام ، وجود اقوام بومی آذربایجان که ترک ها باشند تحت شعاع قرار گرفته و از میدان دید و توجه دور مانده است در حالی که ساکنان اصلی سرزمین آذربایجان ترکهای بومی منطقه بودند

ایراندا مین ایل لیک تورک حاکمیتی

İranda min illik türk hakimiyyeti

Zülfiyə vəliyəva

زلفیه ولییوا

کۆچورن: عباس ائلچین

دا خصوصاً هونلاردان اعتباراً، چین و موغول قروپلاری ایله توققوشمالار ائناسیندا بیر چوخ قبیله نین یئر دیشمه سی ایله آوروپایا، گونئی آسیا و کیچیک آسیا قدر یاییلماسیندا بو کۆچ حادیثه لری اهمیتلی رول اوینامیشدیر. تورکلرین و فارس لارین ایلکین مکانلاریندان بیرری اولاراق گؤستریلن اورتا آسیا بوزقیرلاری بؤیوک هونلارین پارچالانماسی ایله قبیله لرین قافقاز، آمودریا و سیردریا اوزریندن باتی یا و گونئی یه کۆچ ائتمه سینه سبب اولموشدور. هونلارین داوامی کیمی اورتایا چیخان باتی هونلار (۴۶۹-۳۷۰) و آغ-هونلار (۵۶۷-۴۲۰) گئنیش بؤلگه لری حاکمیتلری آلتینا آلمیشدیلار. هم اورتا آسیادا، هم ده گونئی و کیچیک آسیادا تورک و فارس خالقلاری داواملی حاکمیت اوغروندا موباریزه آپارمیشلار. هئج ده تصادفی دئییل کی، فارس لارین ان مشهور شاعری ابولقاسم فردوسی (۹۳۵-۱۰۲۰) سلطان محمود غزنویه تقدیم ائتدیگی «شاهنامه» اثری ایله بو ایکلی خالقین فولکلوروندا یئر آلمیش موجدیله لری و «ایران - توران» مفهوملارینی بدیعی یازیلی ادبیاتا گتیرمیشدیر. تورک خالقلارینین ایران جوغرافیاسی اوزرینده کی حاکمیتی و بورایا یئرلشمه تاریخی و موختلیف دؤولتلر ترکیبینه تمثیل اولونمالاری چوخ داها قدیملره دایانیر. بو قدیمی لیک داها سونراکی موسلمان تورک حاکمیتی اوچون ده اهمیتلی اساس تشکیل ائتمیشدیر. میلادان قاباق ۳۰۰۰-جی ایللرده سومر - آککاد میخی یازیلاریندا گونئی آذربایجاندا یاشایان ائتنیکلرین آدلاری، کوتتی، لولوبی، سو، توروککی، هورری کیمی بویلا قئید اولونور. تورکلرین بؤلگه یه داواملی آخینلارینی اساساً آشاغیداکی کیمی صنیفلندیریلیر. (آ) هونلار، ۱-جی-۵-جی عصر؛ (ب) سابیرلر - خزرلر، ۵-جی-۸-جی عصر؛ (ج) اوغوز - قیپچاق، ۹-جو-۱۲-جی عصر. تورک طایفالارینین بؤلگه یه داواملی آخینی سایه سینده بو بؤلگه ده تورکلرین مۆوقعی قووتلنمیشدیر. هونلاردان سونرا اورتا آسیادا قورولان و اهمیتلی دیگر بیر تورک دؤولتی گوی تورکلر (۷۴۵-۵۵۲) اولموشدور کی، اونلارین دا ایران



تورکلرین و فارس لارین ایلکین موناسیبتلرین قیسا دیرلندیرمه سی ایراندا مین ایل لیک تورک حاکمیتی باشلیغیندا اله آلدیغیمیز بو مۆوضو اساساً موسلمان تورکلرین بؤلگه ده کی حاکمیتلرین اینجه لنمه سی و دیرلندیرلمه سی ایله علاقه لیدیر. اؤلکه میزده و ائله جه ده اونون خارایجینده خصوصاً ایسلامدان اول ایران جوغرافیاسیندا قورولان بیر چوخ دؤولت و مسکونلاشان خالقلار اوزرینه چوخ سایدا تدقیقاتلار آپاریلیمیشدیر. بو مۆوضودا گونئی آذربایجانلیلارینین (پروف. ذهتابی کیریشچی شبستری، پروف. جاواد هئیت و ب.) دا بؤیوک فعالیتلری اولموشدور. ایرانین تورکلر طرفیندن توتولماسیندان و بورادا حاکمیتی اله کنچیرمه لریندن اول دقت ائدیلمه سی گرکن بیر نقطه ده ایران قروپلارین دونیانین بیر چوخ خالقلاری کیمی بو جوغرافیایا، موختلیف طبیعی، سیاسی و اقتصادی سببلره گلیب یئرلشمه لریدیر. خصوصاً تورک تاریخی نین ان حساس مسئله لریندن بیرری اولاراق گؤستریلن و اینجه لنن کۆچ مسئله سینه فارس خالقینین تاریخینده هر ندنسه آز دقت ائدیلمیشدیر. آریلرین بو جوغرافیایا کۆچلری هیندیستان اوزریندن (میلادان قاباق ۲۰۰۰-جی ایللرده) آوروپا قدر داوام ائتمیشدیر و بو کۆچون ایلکین اولاراق هانسی ایستیکاملردن باشلاییب داوام ائتمه سی آز تدقیق اولونسا

ايرىلەلمەلەرنى، ھەم دە كىچىك آسیايا قدر توركلرىن كوتلۇ شكىلدە يىرلشمەلەرنە بۇيوك تاثير گۇستىرىشىدىر. موغول ھاكىمىتى ايله اوغور ساراي عنعنەسى ايران دۇولتچىلىك عنعنەلەرنە گتيرىلمىشىدىر. ھەر ايكي دۇوردە، ھەم سلجوقلار زامانىدا، ھەم دە موغوللار بۇ بۇلگەدەكى ھاكىمىت ايللىرىن دە تورك بويلارنىن فعالىتلىرى ساپەسىندە دۇولت ايدارەسىندە و اينىبىطلى سىستەمە موھوم دىيىشكىلىكلەر باش وئرمىشىدىر. بۇ دىيىشكىلىكلەر جالبرىلەرلە، قارقويونلو و آغ قويونلو دۇولتلىرىنىن و داھا سونرا ايسە صفويلىرىن دۇولتچىلىك عنعنەلەرنە كىچىمىشىدىر. ابن اثىرىن وئردىگى معلوماتلار گۇرە، موغول اوردوسونون يارىسىندان چوخو توركلردن عبارت ايدى. موغوللارلا بىرلىكدە اوغور توركلرى دە ھاكىمىت و اوردونون ايدارە ائدىلمەسىندە ايشتىراك ائدىردىلەر. اوغور توركلرى موغول خانلارنىن موعلىملرى و كاتىبلىرى ايدىلەر، اونلارلا اۋز اليفبالارنى (اوغور اليفباسىنى)، اۋىردىردىلەر. ايران موغوللارنى آراسىندا باشلىجا ايكي دىل موغول و تورك دىلى دانىشلىماقتا ايدى. اولجايتو زامانىدا (۱۳۱۶-۱۳۰۴) باشدا اوغورلار اولماق اوزرە



توركلر اھمىتلى دۇولت مۇقەلرەنە گلمىشىدىلەر. موغول ھاكىمدارى مونكى خان تاختا اوتتورار اوتورماز كىچىك قارداش كوبىلايى ۷۰۰۰۰ اولدوغو قنىد ائدىلن بىر اوردو ايله چىنە گۇندىرركن دىگر قارداشى ھولاكونو دە كىچىك آسیايا بويون ائىدىرمك اوچون غربە گۇندىرر. فتح اولونان اۋلكەلر بۇيوك خانىن ھاكىمىتى آلتىندا اولماقلا ھولاكونون ھاكىمىتىنە گىرەجكدى. ھولاكو اوچون موغول اوردوسونون بئشە بىرى ھاضرلاندى. بۇ سورتلە ۱۲۵۳- جو ايلىن ماى آيىندا اوردو ايرىلەلمەيە باشلاى و قافقاز بئلەجە ھولاكونون قىطعى ھاكىمىتى آلتىنا گىردى. ھولاكو خان (۱۲۶۵-۱۲۵۸) ۱۲۵۶-جى ايلدە تركى آذربايجانى، ۱۲۵۸-جى ايلدە باغدادى ضبط ائتدى و ۵۰۰ ايلدن چوخ

ضعيفلەتمەيە قدر داوام ائتمىشىدىر. بۇ موبارىزە، سلجوقلو توغرىل بىگىن ۱۰۵۵-جى ايلدە باغدادى الە كىچىرەرەك خىلافتىن - ايسلام دىنىن قورويوجوسونا چئورىلمەسىنە و عثمانلىلارنىن دا ايسلام دىنىسىنىن خلىفەسى اولماسىنا قدر داوام ائتمىشىدىر. توركلرىن ايران و آنادولو جوغرافىياسىنداكى ھاكىمىتى، اونلارنىن پلانلى و آردىجىل شكىلدە داوام ائدن يوروشلىرى ايله علاقەلىدىر. بۇ يوروشلر، توركلرىن زامان زامان بۇيوك دۇولتلىر ياراتماسىنا، تورك دۇولتچىلىگىنىن و مدنىتىنىن آوراسىيانىن گئنىش اراضىلرىندە تشكول تاپماسىنا سبب اولموش و گونوموزدە تورك خالقلىرىنىن گئنىش اراضىلردە دۇولت تشكىل ائدىجى و آپارىجى، قاباقچىل، چاغداش خالقلىر كىمى دۇنيا صحنەسىندە مۇوجود اولمالارنىنا گتيرىمىشىدىر. تورك

خالقلىرى گئندىكلرى مكانلاردا بىر چوخ خالقىن مدنىتى ايله قاينايب قارىشىمىش و منىمسەدىكلرى مدنىتى ياشاتماق، قوروماق مىسسىياسىنى دا داشىمىشلار. تصادفى دئىل كى، تورك دۇولتلىرى داخىلىندە مۇوجود اولان خالقلىر اۋز مدنىتلىرىنى موختلىف جەھتدن گئنىش اينكىشاف ائتىدىرمىشلر، بىر

سىرا حاللاردا دۇنيا مدنىتىنىن ان مشھور شاھىتلىرىنى ياراتمىشلار. بۇ مدنىتلىرىن قارشىلىقلى اينكىشافىندا تورك عاملى حلّ ائدىجى رول اوينايمىش، او جوملەدن تورك اصىللى صنعتكارلار بۇ اراضىدە ياشايان دىگر خالقلىرىن مدنىتىنىن، دىلىنىن، ادبىياتىنىن اينكىشافىنا عوضسىز تۇخفەلر وئرمىشلر. موسلمان توركلرىن ۱۰۰۰ اىللىك ايران ھاكىمىتىندە اوغوز-توركم بويلارنىن، آخىنلارنىن، فتحلىرىنىن موھوم يىرى اولدوغو كىمى موغول دۇورونون دە تورك خالقلىرىنىن دۇولتچىلىك تارىخىندەكى يىرى و اھمىتى بۇيوكدور. موغوللارنىن چىنگىز خانىن ھاكىمىتىندە ھونلارنى فتحلىرىنى خاطرلادان ايشغاللارنى، ھەم آوروپا سرحدلىرىنە قدر

حۇكۈم سورن عباسىلار خىلافتىنى تارىخە گۇمىدو. بىلەنچە يىننى ايشغال اولونموش اراضىلار بىشىنچى موغول اولوسو هولكو (اىلخانلىلار) دۇولتى قورولدو. هولكو شامى فتح ائىدىكىدىن سونرا آذربايجانا گليب ماراغا شىهرىنى پايتاخت ائىدى، موسقىللىگىنى اعلان ائىدىر كاراقوروم تابعلىگىدىن آيرىلدى. بىلەنچە آذربايجاندا بۇيوك اىلخانلىلار دۇولتىنى تاسىس ائىدى. اىلخانلىلار زامانىدا آذربايجان دۇولتىنى سىياسى مەركىزى حالينا گلىدى و تىرىز شىهرى آباخان خان واخىتىدىن اعتباراً دۇولتىنى پايتاختى اولدو. هولكو خانىن ياخىن شىرق اۆلكەلىرىدە قوردوغو ايمىراتولوغو اچىرىسىنە آذربايجاندا باشقا ايراق-ى عرب، ايراق-ى عجم، كىرمان، گورجىستان، ائرمىنىستان، كىچىك آسيا (روم)، كوردوستان، فارس، خوزىستان، خوراسان و بىر چوخ ويلايتلار داخىلدى. اىلخانلى ايمىراتولوغون سون زامانلىرىدا حاكىمىت اوغرىندا موبارىزەلەر نىتىجەسىدە چوبانىلار سولالەسى حاكىمىتى الە كىچىرىپ دۇولتى اىلخانلىلار آدىنا بىر مدت ايدارە ائىدى. چوبانىلار سولالەسى تورك-موغول منشالى اولدوغو تخمىن ائىدىلن «سولدوز» بويوندى. چوبانىلار جلايرلەر مغلوبىتىدىن سونرا شىخ اوىس تىرىزە گىرىپ تىرىزى دۇولتىنى پايتاختى اعلان ائىدىلمەسى ايلە و ۱۳۶۷-جى ايلدە شىروان اراضىسىنى دە ضبط اولونماسى ايلە حاكىمىت يىنە بىر باشقا تورك سولالەسىنى حاكىمىتىنە كىچىرىدى. فارس مىللىتىنى فورمالاشماسىدا تورك دۇولتلىرىنى رولو - بو پروسەدە صفوى دۇولتىنى موهوم يىر توندوغو قئىد اولونسا دا بو مۇوضودا بىر چوخ موناقىشەلى ساحەلەر واردىر. سلجوقلارلا باشلايان موسلمان تورك حاكىمىتى اۆز ايتىباھىنى صفوىلەرلە اورتايا قويوموشدور. صفوى بۆلگەدە مۇوجود اولان و دىيشن دىرلىرى اۆزوندە جمەلشدىرەر كىنى بىر فورما ايلە اورتا عصر ذىھنىتىنى تشكىلاتلانمىش، قوتلى فئودال دۇولتچىلىك فورماسى ايلە اورتايا چىخىمىشدىر. بورادا آرتىق سادەجە سوى حاكىمىتىنى داشىيىچىسى كىمى دىيىل، دوشونجە و تفگور دونياسىنى تشىلچىسى كىمى چىخىش ائىدىر موختلىف تىرىقتلەر پارچالانان ايرانىن تورك و موسلمان خالقىنى دۇورونون اهمىتلى گولرىنە قارشى بىرلشدىرىپ قوروا بىلمىشدىر. بو دفعەدە ايرانىن وارلىغىنى ھەمدى، ھەم دە سىياسى اولاراق بىر تورك دۇولتى و تورك

خاندانلىغى اۆز اوزرىنە آلمىشدىر. صفوى تارىخى و سوبو ھەر نە قدر موناقىشە ائىدىلسە دە صفوى مدنىتى بۆلگەنىن تورك بويلارىنىن حاكىمىتىدە اولان خالقلىرىنىن اورتاق مدنىتى اولاراق اولارلى پارچالانان دىيىل، بىرلشدىرىن بىر عونصور كىمى تارىخە يىرىنى آلمىشدىر. صفوىلار زامانىدا تورك فارس موبارىزەسى خصوصى ايلە بوروكراتيا منسوبلارلى آراسىدا اوزون مودت داوام ائىسە دە بو دۇولتىن تشكىلاتىندا «تاجىكىە» آدلانان فارسىلار خاندانلىغىن كاتىپلىگىنى (مونشىلىگىنى) اۆز اللىرىدە ساخلايا بىلمىشدىلر. اوردودا و خاندانلىقدا اساس سۆز حاقي تورك اصىللى اولان بوى بىگىلىرىنى، امىرلىرىنى صلاحىتىدە ايدى. صفوىلار داغىلماسى و داھا سونراكى دۇورلردە مودرنلشمە حركاتلىرىنىن گولجەنمەسى، نادىر و قاجار خاندانلىقلارىنى بىر-بىرلىرىنى اوزلەيەرلر حاكىمىتى الە كىچىرمەلىرى يىنە دە تورك سويلو بويلارلىن فعالىتىنى نىتىجەسى ايدى. بو دۇولتلىرىن آرادان قالخماسىدا مودرنلشمە حركاتلىرىنىن و آوروپانىن، روسىيەنىن اىستىمارچى سىياسىتىنىن اهمىتلى رولو اولموشدور. تورك قاجار حاكىمىتىنىن اورتادان قالخماسىدا، ايرانداكى آزادلىق و مشروطە حركاتلىرىدا بىلىندىگى اوزرە يىنە دە موبارىز آذربايجان توركو (ستار خان، شىخ محمد خىابانى حركاتلىرى) موهوم رول اوينامىشدىر. ۱۹-جو عصر مودرنلشمە حركاتلىرى و اونون اۆلىندە خانلىقلار پارچالانان و آرتىق كونترولو چتىنلش بۆلگەنىن ھەر بىر طرفىدە يارانان آزادلىق مىللىرى فارس خالقىنى بىر مىللىت كىمى صحنەيە چىخماسىن و بۆلگەدە اىقتصادى ماراقلارلى اولان آوروپالىلارلىن، اىنگىلىسلىرىن دستگى ايلە دە پىلوىلرىن ايرانىن باشىنا كىچمەسىنە، ۱۹۲۵-جى ايلدن سونرا فارسلىرىن دۇولتچىلىگى الە كىچىرمەلىرىنە موهوم تاثير ائتمىشدىر. مودرنلشمە پروسەسىدىن سونرا ايرانىن سىياسى و مدەنى حياتىدا آذربايجان توركلىرىنى تاثيرلى اولماسى، يوخارىدا قئىد ائىدىكلرىمىزىن سىرىدە بونو گۇسترمك دەدىر كى، بو حاكىمىت اوغرىندا موبارىزە داھا اوزون ايللر داوام ائىدەكدىر.

كۆچورن: عباس ائلچىن

منبع: ائلىن كىتاب (قىزىل قلم آذر Qizil Qelem)

قدیم تورکلرین تانریلار و دنیا مودئلی بارەدە تصورلری

Qədim türklərin tanrılar və dünya modeli barədə təsəvvürləri

قنیرە پاشایئوا

ائلخان زال

Qənirə Pşayeva

Elxan Zal



خالقین تفککورون دە ایسلام لیباسینا بورونوب، یعنی آیری اینانجلارین زامانی گلیب، آیری تاپیناقلار دبدەدیر ایندی. لاکین گئنئتییک یادداش قریبە شئی دیر، گونلرین بیر گونو اونودولان تاریخ اورادان باش قالدیریر. دوغروسو، تورکلر اؤز گۆی تانریلارینی همیشه خاتیرلامیشلار، موسلمان تورکلر بو گونه قدر یارادیجیا الله لا برابر تانری دئیە مراجعت ائدیرلر .

تانری چیلیق تورکلرین قدیم دینی دیر و اونون یارانما تاریخی جوخ-جوخ قدیملره اوزانیر. اونون هارادا یاراندیغی دا بللی دئییل. آوراسیانی گئنیش اراضیلرین دە کؤچری حیات طرزی سورەن طایفهلارین و خالقلارین اکثریتینین مدنیتین دە گۆی تانری اینانجینین ایزلرینی تاپماق مومکون دور. اما بو اینانج سیستمین دە کی تکالاهلیلیق ائلمئنتلری اونون یاخین شرق منشأی اولدوغونو سؤیلمەیه اساس وئره بیلر .

قدیم تورکلر ساواش چی و تشبوسکار اینسانلار ایدی. اونلارین جاھانگیرلیک ادعالاری مین ایللرله تاپیندیقلاری گۆی تانری اینانجین دان گلیردی. تک تانری بوتون دونیالارین حکمداری اولدوغو کیمی، اونون گؤندردیی کاغان دا یئر اوزونون تک حکمداری اولمالی ایدی. بو آمال اوغرون دا ساواشان تورکلرین حیاتی ائله آمان سیز دؤیوشلرله کئچیردی کی، بزەن بؤیوک چایلارین رنگی دە قان قیرمیزیسی اولوردو. بو دؤیوشلرله او قدر چوخ اوخلار آتیلیردی کی، گۆی اوزو، سانکی قارتال للکلی ایلە اؤرتولوردو .

اما اونلارین حیاتی یالنیز ساواشلاردان عبارت دئییلدی، اونلار شەرلر سالیر، مدنیتلر یارادیردیلار. یئر اوزون دە وار اولموش هانسی بؤیوک مدنیتی ائشلییرلر، اورادان تورک ایزی چیخیر. شومئر، مصر، ائتروسک... سایماقلا قورتاران دئییل. گۆی تانری اینانجینین سونونجو تنتەنەسی چینگیز خان

هر بیر خالقین تاریخی افسانەلردن و اونون تاپیندیغی اینانج سیستمین دن باشلاییر. بیز شومئر، مصر، قدیم یونان، چین، هیندیستان کیمی سیویلزاسیالارین تاریخینی و میفولوگیاسینی یاخشی بیلیریک. بونلاری اورتا مکتب درس لیکلرین دە، موختلیف کیتابلاردا اوخوموشوق. ایسلام و خریستیان میفولوگیاسی دا بیزیم میشتیمیزین آیریلماز حیسەسی دیر. اکثر تورک خالقلاری کیمی، آذربایجانلیلار دا اؤز اینانج سیستمینە گؤره ایسلام دونیاسینا منسوب دور. ایسلام دان اؤنجه آذربایجان اراضیسین دە زردوشتیلیک و خریستیانلیق کیمی دینلر مۆوجود اولوب. لاکین بو دینلرین اوزون عصرلیک مۆوجودلوغو، خالقین گئنئتییک یادداشینا هوپموش اسکی تورک اینانجینین - تانریچیلیغین ایزلرینی هله دە تامامیلە سیلە بیلیمیش دیر.

تانریچیلیغین ایزلرینی بو و یا دیگر فورمادا بوتون تورک خالقلارین دا مشاهیدە ائتمک مومکون دور. داغا، آغاچا، سویا اینام، معیشتە بو گون دە ایستیفاده ائدیلهن ریتواللار بو گون دە یاشاییر، اما بو اینام

اورخون عابدهلرین ده کی متنلرده تورکلرین تاپنیدیگی یالنیز اوچ تانریچانین آدی چکیلیر - تئنقری، اوما، ایدوک یئر-سوب. آلدیغیمیز معلوماتلاردا، اونلار آراسیندا تئنقرینین داها یوکسک مرتبه توتماسی و فونکسییالارینین اونیوئسال لیگی قباریق سئزلییر. آنجاق بیر چوخ تدقیقاتچیلار قدیم تورکلرین اینانج سیستمینین بیر نئچه قدیم قاتلاردان اولوشدوغونو قئید ائدیرلر Q.Derferin . فیکرینجه، "قدیم تورک دینی اوچ قاتا بؤلونه بیلر: توتئمیست، شامانیست و سیت وئیا وئربو، تئنقریچی". (درفئر، II، ۵۸۰).

اورخون عابدهلرین ده آدلاری چکیلن تانریچالارین ایسپئسیفیک فونکسییالاری و حاکمیت پیللهلری باردهه بیرباشا معلومات وئرلیمیر. قدیم تورک تانری پانتئونونو برپا ائتمهیه چالیشان ی.ایستئبلئوا اونو تورکلرین اوچقاتلی دنیا تصوورلرینه (اوست، اورتا، آلت دنیا) اویغونلاشدیراراق "سوییهلره" آیریر . ی.ایستئبلئوا. ک رئکونستروکوی. ص. ۲۱۷-۲۱۳). بورادا یوکسک سوییه تئنقریه، ایکینجی سوییه اوما، اوچونجو سوییه یئر-سوب، دوردونجو سوییه اجداد کولتونا عایید ائدیلیر. پانتئونون باشیندا ایسه تئنقری یئرلشیر. تانریچالاری، جانلیلاری و روحلاری اؤز ایچینده بیرلشدیره اوچقاتلی دنیا تصوورو اوفوقی (هوریزونتال) و شاقولی (وئرتیکال) عالمی اؤز ایچینه آلیر و چوخ قدیملره عایید ائدیلیر. بیر چوخ تورک خالقلارینین اینانج سیستمینده (یاکوت، تووا) یاشایان بو تصووره بیز ائتروسکلارین اینانج سیستمینده ده راست گلیریک .

قدیم تورک پانتئونوندا باش تانری تئنقری دیر. اوست دونیانین تانریچاسی تئنقری دیگر تانریچالارلا بیرجه دونیادا باش وئرن بوتون حادثهله حؤکم ائدیر، اینسانلارین طالعینینی موعیینلشدیریر. اما تئنقری حیاتین مدتی (قدری) موعیینلشدیرسه ده (کتب، G.Kloson. نوتئس، ص. ۲۱)، "کیشی اوغوللارینین" دوغولوشونو اوما، اؤلومونو ایسه اثرکلیق تنظیم ائدیر.

تومئنلریله بیرجه آز قالا دونیانین یاریسینا یاییلدی و سوندا داها گنج و موترققی دینلرین ایچینده اریدی. خصوصاً ایسلام و تانریچیلیق آراسیندا عمومی جهتلر چوخ ایدی و دین اونلارین فوتوهات ادعالارینا داها چوخ جاواب وئیردی. ایسلام تورکلرین میلی کیملیکلرینی ساخلاماسیندا دا موهوم رول اوینادی. دیگر دینلری قبول ائتمیش تورکلرین اکثریتی آسیمییلیاسییا اوغراد و میلی کیملیینی اونوتدو. بونا باخمایاراق اونلار اؤز قدیم اینانج سیستملرینی قبول ائتدیکلری دینلره داخل ائده بیلدیلر. بو گون کاتولیکلرین ده، پراووسلاولارین ده، قریقوریان کیلسهسی ترفدارلارینین دا آیینلرینده چوخسایلی تانریچی ائلمئنترلی وار .

یئنی دینلر اؤزویله یئنی تسوورلر گتیریدی و زامان-زامان تورکلرین دنیا تصوورو ده دییشیردی. وخت اؤتدوکجه اونلار اؤز لرینین مؤهتشم کئچمیشینی اونوتماغا باشلادیلار. قدیم اساتیرلر و افسانهلر اونودولدو. اونلارین یئرینی یئنی دینلرین گتیردی میفلر توتدو. بیز همین اونودولان میفلری خاتیرلاماغا، گورکملی فرانسیز تدقیقاتچیس زان پول رونون "تئنقریزم" آدلانیدیگی دنیا قدر قدیم و مؤهتشم او اینانج سیستمینین ماهیتینی آنلاماغا چالیشیر. بو پوسئسده اساس جتینلیک توره دن جهت اودور کی، قدیم تورکلرین اینانج سیستمی، تانری پانتئونو و میفولوگیاسی باردهه یازیلی منبعلر چوخ آزدیر. بیز بو باردهه معلوماتلاری اساساً داش عابدهلرده کی یازیلاردان و قیسمه ن ده چین منبعلریندن آلیر. همین متنلر قدیم تورک میفولوگیاسی و اینانج سیستمی باردهه تام تصوور یاراتماسا دا، علم آداملاری اونلاردان چیخیش ائدرک همین دؤورون میفیک تفککورونون عمومی اوبرازینی رئکونستروکسیا ائتمهیه چالیشمیشلار. بیز ده معلوم یازیلی متنلردن چیخیش ائدرک، قدیم تورکلرین تانریلار و دونیانین مودئلی باردهه تصوورلرینی گونوموزون آچیسیندان جانلاندیرماغا چالیشاجاغیق .

خالقلارا خاقان و خاقانلارا مودریکلیک وئرن ده
تئنقری دیر .

آرتیم ایلاههسی اوما یئنی دوغولانلارین
هامیسی دیر. ۷-جی عصرده خریستیان آلبانیاسینین
یئپیسکوپو ایسرائل قری تورکلرده اولان "آفرودیتا
کاهینه لرین دن" صحبت آچارکه یقین کی، اوما یی
نظرده توتور. (ایستوریه آقوان مویسه کافانکاتواوی.
ایسپ. ۱۸۶۱). ۱۰-جو عصر اویغور متنلرین ده او
"اندگیلیگ اوما-قاتون" - "شفقتلی اوما خاتون"
کیمی تقدیم اولونور و تورک-بوددیست پانتئونونا
داخل اندیلیر. اوما یی تنقری ایله بیرگه
دؤیوش چولرین هامیسی دیر. اگر تورک خاقانی
تئنقریه بنزدیسه (تئقریکئن)، اونون خاتونو اوما یی
سایاق دیر: "اوماژتنگ اوگیم قاتون" - "خاتون آنام
اوما یی سایاقدلر". بورادان خاقان-خاتون جوتلویونون
تئنقری-اوما یی جوتلویو ایله ائینیلش دیرن بیر
تصوورون مؤوجودلوغونو احتمال ائتمک اولار.
کودیرقاندا داش سوتون اوزرین ده حک ائدیلمیش بیر
رسم ده عسگرلر نهنک و یاووز بیر سیفته
(تئنقریخان)، اوچوبونوزلو باش گئییمی اولان قادینا
(اوما یی) و داها بیر نفره (یئر-سوب - مازاق لی دیر کی،
بورادا تصویر اولانان اوچونجو پئرسوناژ اوشاق دیر.
یئرده کی یاریق دان-ماغارادان چیخاراق ائروسکلارا
دینی بیلگیلر وئرن تانریچا تاق دا اوشاق گورکمین ده
ایدی) تزییم اندیرلر .

اورتا دونیانین حاکمی "یدوق یئر-سوب" دور.
اورخون یازیلارین دا بو تانریچانین آدی هئچ یئرده
آیریجا چکیلیمیر، او یا تنقری و اوما ییلا، یا دا تنقری
ایله بیر یئرده تورکلره هامیلیک ائدیر و سوچلولاری
جزالاندیریر. یئنیسی یازیلارین دا ائپیتافیانین آلت
دونیا یول لنان قهرمانی آیریلدیگی اوست دونیانین
آتریوتلاری گونش، آیل بیرگه، اورتا دونیادان، "ژئریم
سوییم" دا دویمادان گئندینی بیلدیریر. (S.Malov).
ائنیسیسکی پیسمئنوستی مئپت، № ۱۱،
ص. ۳۱؛ № ۴۵، ص. ۸۱). بیر چوخ مؤلفلرین

معلوماتینا گؤره، تورکلر یئر تانریچاسینا خصوصی
احترام گؤستریردیله. مثلاً، بیزانس لی فئوفیل
سیموکاتتا یازیر کی، "تورکلر تورپاغا هیمنلر
اوخیور. ("فئوفیلاکت سیموکاتتا. ایستوریه، س. ۱۶۱).
"M.Kaqankatvatsi تورپاغا آلقیش دئیهن"،
"تورپاغا و سویا قوربانلار وئرن" خزر جادوکارلارینی
ذکر ائدیر. چین منبع لرین ده ۶-جی عصرده تورکلرین
تاپیندیگی داغ "یئرین تانریسی" آدلاندیریلیر. (لیو
ماو تسای. دیئ جیهنیسیسجهئن ناجهریجهئن، بد
ل، ج. ۱۰). بونو تانرینین یاشادیگی مکان کیمی ده
ایفاده ائتمک اولار. داغ زیروه لری کولتو قدیم
تورکلرین یئر-سوب اینانجینین بیر حیسیسی دی .

اورخون عابده لرین ده اوست و اورتا دنیا بارده معین
معلومات تاپماق مومکون اولسا دا، "اوچقات لی دنیا"
کونسئپسیاسینا اویغون اولراق، آلت دنیا بارده
هئچ بیر معلومات وئریلمیر. اما بیز دیگر قدیم تورک
متنلرین دن آلت دونیانین حاکمی، تانریچا اثرکلیق
بارده معلوماتلار الده ائده بیلیریک. (بو گون
شامانیست سیبیر خالقلاری اثرکلیقی منقول
دئیمین ده، اثرلیق-خان کیمی ایفاده اندیرلر.
(کلوسون، ۲۲۴).

تورک یازیلی متنلرین ده اثرکلیقین آدی و
فونکسیالاری هله لیک الده اولان ان قدیم معلومات
آلتین-گؤل عابده سینین سککیزیجی سترین ده
وئریلیر. بو متن قیرغیز خاقانی اینانچو آلت بیلگه یه
یازیلیمیش ائپیتافیادیر (بارس-بئقا، سر. کتب، ۲۰) و
یازیلما تاریخی ده دقیق دیر - ب.ا.ئ. نین ۷۱۲-۷۱۱-
جی ایللری. متن تانینمیش سووئت تورکولوقو س.
کلیاشتورنی طرفین دن اوخونوب: "بیز دؤرد نفر سانلی
ایدیک، اثرکلیق بیزی آیریدی. افسوس ی ."
(S.Q.KI) اشتورنی. ایستلی زولوتوقو اوزئرا. -
تورجولوگیجا. ک سئمدئستیلئتیؤ آکاد.
J.A.N.Kononova.، ۱۹۷۶، س. ۲۶۴-۲۶۱). بو
متن ده اثرکلیق دن باشقا، بورت آدلی اولوم ملینین ده
آدی کئچیر .

چوخ مارقالی دیر کی، آلت دونیا حکمداری، روحلار
اوچون یئرکله یهن اثرکلیق ساواش چیلارا
حیمایدارلیق ائدیر، مرهمت گؤستریر .
لخو :

(آ)نج (i)پ: (آ)لقو: ک (ای)نتیی: او "لو"گی:
(ای)رکلیگ: اول :

V.Tomsen بونو بئله ترجمه ائدیپ. "هر کس اؤز
تالئینین صاحبی دیر V.Orxun"، ی.ایستئبلنوا،
C.Klosunun ترجمه لری ده تومستئینکین دن
جزعی فرق لنیر. (س. ۶۲۵، ایستاتغه اییلیگ)

S.Malovun .ترجمه سی: "هر کسین بئله
عظمت لی فرق لنه ن طالعی واری (S.Malov)
پامتنیکی درئونئورکسکوی پیسغمئننوستی. مپدپ،
ص. ۹۱). بو ترجمه لرده حؤرمت لی تورکولوقلاردا
چاشقینلیق یارادان "اولوگ" و "اثرکلیق"
سؤزلری دیر. "اولوق" خوشبختلیک کیمی،
"اثرکلیق" ایسه صاحب، عظمت لی کیمی
آنلاشیلیمیش دیر. بیز کلیاشتورننین ترجمه سینی
اوریزینالا داها یاخین حساب ائدیریک. "هر کسین و
هامینین قدری اثرکلیق ده دیر. (اثرکلیقین علین ده دیر).
بونو داها دقیقلشدیرسک بئله ایفاده ائتمک اولار: "هر
کس اؤز اولوغونو (اوغورونو) اثرلیق دن آلیر .

متنلردن گؤردویوموز کیمی، اثرکلیق هئچ ده
یئرالتی دونیانین آمان سیز و قورخونج تانریچاسی
کیمی تسوور ائدیلمیرمیش. او، جان آماقلا برابر،
گؤی ده ده (تئنقری ده) تسوور ائدیلیر، ساواش دا
اوغور وئیر، قدر موینلشدیریر .



اثرکلیق بارده داها بیر یازیلی معلوماتا بیز ۹۳۰-جو
ایلدده مانچی اویغورلار طرفین دن تورک الیفباسی
(رون) ایله یازیلیمیش "ایرک بیتیک" - "فال
کیتابین دا راست گلیری (W.Bang)، آ. و. گاباین.
تورکیسجه تورفان-تئختی ی. س. ۲۴۲-۲۴۳.
"بیتیک" ده اثرکلیقین آدی اوچ یئرده (XII)، لو، لخو
مثللر) چکیلیر .
بیرینجی متن :

(XII) (ای)ق: (آ)بقا: ب (آ)رمی: تا-یدا؛
ق (آ)مل (آ)میس ۴۶ ت (ای)گریدی: (ای)رکل (i)گ:
تیر: آنجا: بیلپل (ای)ر: ژ (آ)ب (ی)ز: اول .

ترجمه سی: "ار اووا وارمیش. داغ دا قاملامیش.
تئنقری ده (گؤی ده) اثرکلیق دیر دئر (حاکم). بیلین - بو
گونه دیر." (ترانسکرپتسیاسی کلیاشتورنی،
ترجمه سی ائلخان زال ...
بورادا مارقالی جهت، مانچی کاهینین سوچ
ساندیغی تانری چی تورک تفککورو اثرکلیقی گؤی ده
(تئنقری ده) تسوور ائتمه سی دیر .

ایکینجی متن :

(آ)لپ: (ای)ر: اویلی: سو "کی: ب (آ)رمیس: سو:
ژیرینتی: (ای)رکلیگ: س (آ)بجی: تور (ای)تمیس: تیر:
(ای)بین (ای)رو: ک (ای)لس (ای)ر: او "زی:
آت (آ)نمیس: " او "گر (او) "نجو "لو"گ: (آ)تی:
ژئتگیلیگ: ک (ای)لیر: تیر: (آ)نجا: بیلین "ل (ای)ری
(آ)نئی: (ای)دگی: "

ترجمه سی: آلپ ار اوغلو ساواشا گئتمیش. ساواش
یئرین ده اثرکلیق (اونا) مرهمت گؤستریمیش. دئییر:
ائوینه گلن ده اؤزو آدیملامیش. اوغرونچولوق (مشهور
اولمایان) آدی یئتکینلشیب گلیر. بیلین: بو چوخ
یاخشی دیر.

آذربایجاندا یئر آدلارینین ایضاحی

G.Azərbaycanda yer adlarının izahı

Тегеран

Хаджар Гусейнова

АГПУ, профессор кафедры

азербайджанского языкознания

Резюме. Как известно, Тебриз - одно из старейших человеческих поселений на Земле. Город Тебриз, который представляет собой центр такой географии, как Азербайджан, всегда был в центре внимания властей. Однако по поводу значения имени Тебриз выдвигались разные версии. Прежде всего, следует отметить, что название города такое же древнее и многозначительное. Иногда турки объясняли это в честь Томрис Хатун в фонетических вариантах Томрис // Таврис // Тебриз. Хотя по поводу названия Тебриз существуют разные мнения, неоспоримым фактом является то, что это слово является древнетюркским. Исторические события, лингвистические и этнолингвистические исследования показывают, что слово Тебриз - слово древнего Востока.

Ключевые слова: *топонимы, южный, национальный, топоним, турсецкий*

Explanation of place names in South Azerbaijan

Hussein Sharkhiderejek Soy Turk

Tehran

Hajar Huseynova

ASPU, Professor of the Department of Azerbaijani Linguistics

Prf.Dr.Həcər Hüseynova

Dr.Hüseyn Şərqidərəcək Soy Türk

دکتر حسین شرقی دره جک سوی تورک

پروفسور دکتر هجر حسین اووا

خلاصه. بیلدیگیمیز کیمی،

تبریز یئر اوزونون ان قدیم

اینسان مسکنلریندندیر.

آذربایجان کیمی بیر

جوغرافیایی مرکزینی ایفاده ائدن تبریز شهری

هر زمان حاکیمیتلرین دیقت مرکزینده

اولموشدور.

آنجا ق تبریز آدی نین آنلامی،

ائتیمولوگیاسی باره سینده

موختلیف وئرسییالار ایره لی

سورولموشدور. ایلک نؤوبه ده، قئید ائتمک

لازیمدیر کی، شهرین آدی دا اؤزو قدر قدیم و

معنالیdır. بعضا تورکلر اونو تومریس خاتونون

شرفینه اولارق تومریس//تاوریس//تبریز فونئتیکی

واریانتلاریندا ایضاح ائتمیشلر. تبریز آدی حاقیندا

موختلیف فیکیرلر سؤیلنسه ده، بو سؤزون قدیم

تورک سؤزو اولماسی دانیلماز فاکتدیر. تاریخی

حادیثه لردن، لینقویستیکی و ائتنولینقویستیکی

آراشدیرمالاردان معلوم اولور کی، تبریز سؤزو قدیم

شرق-تورک سؤزودور.

آچار سؤزلر: یئر آدلاری، جنوب، میلی، توپونیم،

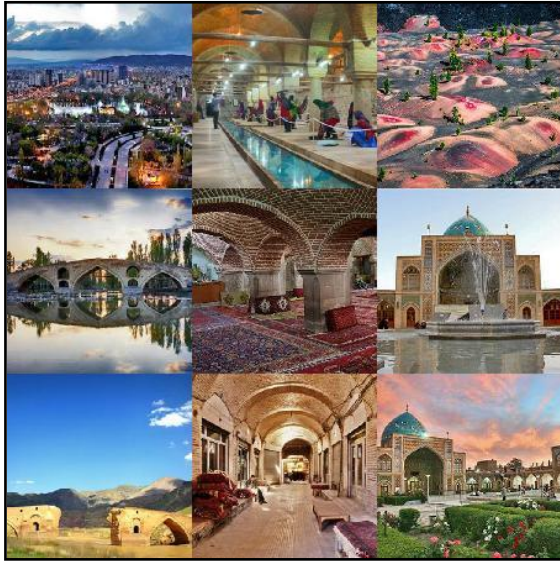
تورک

Расшифровка

географических

названий в Южном Азербайджане

Хусейн Шаркыдереджек Сойтюрк



یازیر کی بو شهرین آدی یاقوت خانمین شهر یزارتی زامانی تئبریز آدلانمیشدیر (۱۷). بو ایسه اونو سؤیله مه یه اساس وئریر کی تبریز قدیم آذربایجان منشالی آدیر. خزر دینیزی نین جنوبوندا یاشایان اینسانلار بو شیوه ایله دانیشیرمیشلار. مینورسکیه گۆره. بو آدین تاریخی ساسانیلردن اؤنجه لره گئدیب چیخیر. تئبریز سؤزو عرب قرافیکاسی ایله یازیلارکن تبریز واریانتی فورمالاشمیشدیر. یعنی تئبریز < تبریز اولموشدور (۴).

موسطافا مؤمین نین قناعتینه گۆره، " دانیشنامه ایسلامی " کیتابیندا آذربایجانین یئرلی اهالیسی بؤلومونده تبریزین آدی توری//تورو (یعنی ایستی سو)//دورو .تمیز،پاک آنلامیندادیر.بو حاقدا خالق ائتمولوگیاسی مؤوجوددور.

میلادی تقویمین ۴-جو یوزایلینه قدر یئرلی اهالی تبریز سؤزونو تورو//توری کیمی ایشلمیشدیر ۵. حاضیردا تبریزین قمبرآباد قصبه سی نین ساکینلری تبریزین آدینی تورو//توری کیمی ایشلمکده دیر. قدیم یازیلاردا، او جومله دن " ابوالفدا " اثرینده شهرین آدی تبریز//توریز اولاراق گؤسترلمیشدیر. آلمان دیلچیسی ویلهلم آیرلئسس ایسه تبریز آدی نین، ائتمولوگیاسی نین مورککب اولدوغونو قئید ائتمیش و آدین ایکی سؤزدن عبارت اولدوغونو سؤیله میش: تب + رز کومپوننتلریندن عبارت اولوب، " ایستی، سیچاک سو " معناسینی ایفاده ائدیگینی بیلدیرمیشدیر.

هجری ۷۲۱-جی ایلهده " تقویم البلدان " کیتابیندا شهرین آدی توریز شکلینده گؤسترلمیشدیر. عئینی آد " وفیات اولیان " کیتابیندا همین واریانت قئید

Summary. As we know, Tabriz is one of the oldest human settlements on earth. The city of Tabriz, which represents the center of geography like Azerbaijan, has always been in the center of attention of the authorities. However, various versions have been put forward about the meaning of the name Tabriz. First of all, it should be noted that the name of the city is as ancient and meaningful. Sometimes the Turks explained it in honor of Tomris Khatun in the phonetic variants Tomris // Tavis // Tabriz. Although there are different opinions about the name of Tabriz, it is an undeniable fact that this word is an ancient Turkish word. It is known from historical events, linguistic and ethnolinguistic researches that the word Tabriz is a word of the ancient East.

Keywords: *place names, southern, national, toponym, Turkish*

آنوتاسییا. مقاله ده اوزون ایللر حقیقی رئال تدقیقاتلاردان کناردا قالان گونئی آذربایجان یئر-یورد آدلاری ائتمولوژی، سئمانتیک تدقیقاتا جلب ائدیلمیشدیر. آذربایجان توپونیملری نین ائتمولوگیاسی نین سیاسی مقصدلر نامینه تحریف ائدیلمه سی، تورک منشالی قدیم یئر آدلاری نین تحریف ائدیله رک فارس منشالی آدلار کیمی ایضاح ائدیلمه سی مسله سینه موناسیبت بیلدیرلمیشدیر.

آکتواللیق. موعاصیر دیلچیلیگین آکتوال مسله لریندن بیر نین ده قدیم یئر-یورد آدلاری نین، توپونیملرین توپلانماسی، تدقیقی و ائتمولوژی جهتدن دوزگون علمی قناعتلرین الدهه ائدیلمه سی مسله سیدیر. بو سیرادا آذربایجان توپونیملری نین ده سیستئملی شکیلده آراشدیرلماسینا احتیاج واردیر.

مئتود. آراشدیرما زامانی تاریخی-موقاییسه، قارشیلشدیرما و آرئال مئتودلاردان، موعاصیر دیلچیلیک اوصوللاریندان ایستیفاده ائدیلمیشدیر.

گیریش. و. مینورسکی (مشهور ایرانشنواس عالیم) دئمیشدیر کی، یاقوت حموی " منجم البلدان " اثرینده

۴. تورئژ - مارجو پولونون سیاحتنامه سی میلادی ۱۳ - جو یوزایله.
۵. تاوراز - قدیم فارس دیلینده.
۶. تارامکس - آسسوریجه ایکینجی شاروخین (سارگتن) کیتابه سینده میدیالیار طرفیندن میلادان اۇنجه ۷۰۵-۷۳۲ - جی ایللرده .
۷. تاوری // توری - ۷۰ - ۸۰ ایل اۇنجه دک تبریز و اطرافی نین دئییم طرزینده.
۸. تاوریس - فرانسیز دیلینده میلادی ۸-۹ - جو یوزایللرده.
۹. تاوریس و توریز - " ابن بطوطه نین سیاحتنامه سی " و " تقویم البلدان " ایسلامدان سونراکی یازیلیش طرزینده.
۱۰. تاوریز - اولئاریوسون " سیاحتنامه " سینده.
۱۱. تیوریسیس - تیوریز ائولیا چلبیده.
۱۲. گابریز - گئروتانین " سیاحتنامه " سینده.
۱۳. تاوریگ - داورنگ - ئرمه نی قاینقلاریندا.
۱۴. تاربیسیس - آسسور شاهی نین سئنهاریب کیتابه سینده، میلاددان اۇنجه ۶۸۱-۷۰۵ - جی ایللرده.
۱۵. تارمایسیس - تایپسیسیس " تبریز قدیم از کوهنترین آیام تا کنون " کیتابی.
۱۶. تارماکیس - تامراکیس " ۷ مین ایل ایران تورکلری نین تاریخی " کیتابی.
۱۷. تابریس - دابریز - اوژئن فلانئن.
۱۸. تاباریز - تبار ایز - دکتر. حسین محمدزاده صدیق دوزگون.
۱۹. تبریز - ایسلامدان سونراکی قاینقلاردا (" فتوح البدان " " سؤورتولر " " تاریخ طبری " " ابن اثیر " " تاریخ یعقوبی " و بو گون کی یازیلاردا.
- باشقا بیر منبعده تبریز آدی تامراکیز//تامراکیس شکیلده گؤستريلمیشدیر. قئید اولونموشدور کی، بو آددا بیر تورک طایفاسی مؤوجود اولموشدور. اولار تیکدیکلری قالایا اؤز ائتنوسلاری نین آدینی وئرمیشلر.
- پروفئسور محمد تاغی ذهتابی کیریشچی " ایران تورکلری نین اسکی تاریخی " کیتابی نین ۵۵۹-جو صحیفه سینده تبریز شهری نین ائتمولوگیاسی مسله سینه ۴ صحیفه یئر آیریمیشدیر. اونون فیکرینجه، تبریز حربی قالا اولموش و تامراکیس آدلانمیشدیر. یعنی

ائدیلیمیشدیر^۳. مشهور ابن بطوطه " مووکیل بن امیر جلال الدین بن الفلکی التوریزی " ده بیر شخص آدی و همین شخصین منسوب اولدوغو یئر آدی کیمی سؤز آچمیشدیر. یعنی امیر جلال الدین بن فلکی توریزی. بو آدین ترکیبینده، گؤروندیو کیمی، توریزی سؤز یئر منسوبلوغو کیمی ایشله دیلمیش، شخصین منسوب اولدوغو یئر ایفاده ائتمیشدیر.

میلادی ۵-جی عصرده پاوستوس بوزاند تبریزین آدینی ائبروز//ئورئز//ئورئش اولاراق قئید ائتمیشدیر. یئنه میلادی ۱۱-جی عصرده سئتپانوس تارقونتس شهرین آدینی ائوروز و یا دئوروز شکیلینده ایفاده ائتمیشدیر. بو سؤز ایسه ائو سؤزو ایله علاقه لندیریه رک " توپلو، توپلاشما، توپلو مسکونلاشما " شکیلینده ایضاح ائدیلیمیشدیر^۶. بعضی آراشدیرماچیلار گؤره، تبریزین آدی میلادی ۲۴۶-جی ایله قدر " شهرستان " آدلانديريلمیشدیر. تورک سویلو اشکانیلرین حاکیمیه گلمه سی ایله شهرین آدی ائورز و یا ائورز آدلانديريلمیشدیر. تاریخده اردوان-اشکانی سرکرده سی اردشیر ساسانی طرفیندن اؤلدورولدوکن سونرا تبریزی ساسانیلر اله کئچیرمیش و شهرین آدی ائوروز، یعنی اینتیقام و یا اؤج آلما معناسینی ایفاده ائتمیشدیر. اؤج سؤزو قدیم سؤزدور، حاضیردا دا دیلیمیزده ایشلمکده دیر.

تبریز شهری نین آدی ائولیا چلبی نین " سیاحتنامه " سینده " ایستی تۆکوجو، قیزدیرما تۆکوجو " کیمی ایضاح ائدیلیمیشدیر. بو ایسه سهند داغیندان وولکان پوسکورمه سی و همین وولکانین، آتشین تبریز دوزونده سویوماسی ایله علاقه لندیريلمیشدیر. یعنی تبریز سهند داغی نین اودلاری نین سویوماسی، فارسجا " تبریز " اودون، آتشین سویودوغو یئر شکیلینده معنالانديريلمیشدیر^(۷).

تبریزین - موختلیف سسلنمه فورمالاری واردیر: ۱۲-۱۱-۱۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳

۱. تئبریز - اسکی خزرلرین شیوه سینده.
۲. تربیز - بو گون تبریزلیرلرین شیوه سینده.
۳. تورئژ - بیزانسیلی فاؤست میلادی ۴-جو یوزیلده و میلادی ۱۱-جی یوزیلده آسسولیک همچنین میلادی ۴-جو یوزیلده واردان طرفیندن یازیلیمیشدیر.



تامراكيس بو قالانين تملينى قويان شخص اولموشدور^{۱۸}.
میلادی اوچونجو مین ایللیگین سونلاری، اکینجی مین
ایللیگین اوللرینه آیددیر. آرلرین بو جوغرافیایا گلمه
لریندن چوخ اؤنجه بیر آسوری لؤوحه سینده تبریز
حاقیندا اوخویوروق: تامراكيس بورادا بزکلی دیوارلاری،
مؤحکم بونؤره لی مؤحکم بینالاری دوزلتدیرمیشدی. بو
قالا سو ایله دولو خندکلرله قورونوردو. بورادا قوشون
همیشه حاضر وضعیتده ساخلانیلیردی...

من بو ویلایتی هؤرومچک تور آتان کیمی محاصیره
ائتدیم و قالانی ایشغال ائتدیم ". یئنه همین منبعده
محمد تاغی ذهتابی کیریشچی یازیر: بو شهرین
تامراكيس آدینی تومریس خانیمین آدی ایله باغلی ایضاح
اىندلر واردیر^{۱۸}. لاکین تبریز اهنیلر، یعنی هخامنشیلرین
بیرینجی شاهى کوروش//کیرین دؤیوشده اؤلدورولن تورک
ایسگؤز -ماسساگت و یا ایسکیت ائلری نین باشچیسی
افراسیاب و یا آلف ار تونقانین قیزی تومریسدن چوخ-
چوخ اوللر تیکلیمیشدیر. یئرلی قاراداغ اهالیسی ایندی ده
تبریزه " تومروس "،- دئییه خیطاب ائدیrlر.

تبریز سؤزو ایکی کلمه دن دوزلن بیر آددیر: تبر-یز. دیگر
واریانتی ایسه تومار-اوس//تامرا-کيس اولموشدور. بوراداکى
اوس//وز//یز کومپوننتی نین آچیقلاماسی قدیم تورکجه
میزده قبيله، طایفا آنلاملی " هوز " سؤزو ایله
باغلیدیر. تورک دیلیندن کورد دیلینه کئچمیش بو سؤز
فارس دیلینده ایشلنمکده دیر. بعضا " کند " معناسیندا
دا ایشلنمیشدیر.

" کوردجه-فارسجا هؤار " سؤزلوگو (سوروش
نشریاتى. ۱۳۷۶ شمسی ایلی) و " بیجار- کوردجه
سؤزلوگو " نده (همین نشریات ۱۳۷۹ شمسی ایلی)
همین سؤز قئیده آلینمیشدیر.

قئید ائتمک لازیمدیر کی، بیزیم آرخیکلشمیش تورک
سؤزلری نین چوخو چاغداش کورد (کورمانجی) دیلینده
ایشلنمکده دیر. مثل " هون " سؤزو قدیم تورکجه ده
" ائل، خالق " معناسیندا ایشلنمیشدیر.

(" وارلیق " درگىسی قیش-۱۳۷۷ شمسی ایلی، ص. ۱۸).
نون حرفی نین ز یه چئوریلمه سینه گؤره " دیوان لغات
التورک " ده ده اؤرنکلر واردیر. محمود کاشقارلی نین
دکتر. دبیر سیاقی نین کؤچوردیو سؤزلوگونده " سه مز
" سؤزونون ایضاحیندا بو مسله یه توخونموشدور.

" سه مز " سؤزو " کؤک، دولو، توپپوش " معناسیندادیر. بورادا عرب دیلینه اویغون اولاراق، بو سؤزده
یازیدان حرفی ز یه چئوریلیمیشدیر. بو فاکتا اساسلانا راق
دئییه بیلریک کی، هون سؤزو ده هوز سؤزونه
چئوریلیمیشدیر. یعنی هون طایفا آدی اؤنجه لر هوز
شکلینده یازیلیمیشدیر. مثل، ایرانین حوزیستان ایالتی و یا
همدان ایالتی. همدان ایالتی نین اهالیسی هوری-آراتتا-
ایلان-کوتی-ماننا و س. اولموشدور. بعضیلری ده بو
سؤزو " ائل، اوبا، خالق " معناسیندا ایستیفاده ائتمیشلر.
زامانلا هوز سؤزو اؤز یئرینی باشقا سؤزلره وئرمیش، لاکین
بعضی یئرلرده اهالی همین سؤزدن ایستیفاده ائتمکده دیر.
مثلا: خوز//خون//هون//ئل و س. ه-ح حرفی خ-یه
چئوریلیمیشدیر: خوزیستان//هوزیستان. بعضی یئرلرده
گ<ک-یه چئوریلیمیشدیر. بئله لیکله، هوز سؤزو تبریز
سؤزونده ایز //هیز فورماسینا چئوریلیمیشدیر. یعنی
اینسانلارین یاشادیغی یئر، شهر.

تبریز شهرى نین تاریخی، میفولوجیاسی، ائتنوگرافیاسی
و دیلچیلیک باخیمیندان ماراقلی جهتلری واردیر.
معلوماتور کی، وئرلن بعضی ایضاحلار بعضا اویدورما
اولوب، فانتاستیک فیکرلره سؤیکنه بیلیر. بعضا آدین
معناسینی ایفاده ائدن معنلار ساختالاشدیرلا بیلیر. مثلن،
تبریز شهرى نین آدی نین ایضاحیندا دئییلیر کی، گویا
هارون الرشیدین خاتونو زوبیده خانیم خسته له نیر،
قیزدیرمادان اؤلمک اوزره ایکن اونو تبریزه گتیریرلر. بورادا
زوبیده خانیم ساغالیر. بو دا اویدورما ائتمولوجیادیر،
علمی جهتدن قبول ائدیله بیلمز. همین افسانه یه گؤزه،
تبریز آدینی " قیزدیرما سالان، قیزدیرما تۆکن "
شکلینده ایضاح ائتمیشلر. حالبوکی زوبیده خانیم فارسجا

اندیلمیشدیر. سؤزسوز کی، شهر اینسانین حرارتینی دوشورن یئر دئییل.

دیلمچیلیگین توپونیمیا شعبه سینده مهم پروبلملردن بیر میلی تورکمنشالی توپونیملریمیزین دوزگون علمی ائتیمولوگیاسی نین اؤیره نیلمه سیدیر. دیلمچیلرین بیلیمسل تاپینتیلاری، حتی بعضا فانتاستیک مصلحتلری اساسیندا بیر ائلین، بیر اوبانین، بیر خالقین، حتی بیر میلتن بئله طالعی دییشه بیلیر. چونکی هئچ بیر مکانی آدسیز، هئچ بیر آدی صاحبسیز ایضاح ائتمک دوزگون دئییل. حالبوکی آذربایجان جوغرافی آدلاری، آدلارین دیل منسوبیتی، یارانما و فورمالاشما واحیدلری منشاچه عئیندیر. تبریز آدی دا بو قایدان ایستینا دئییل. اونون منشایی، باشقا دیلرده، باشقا سیستملرده آراماق دوغرو دئییل. تبریز آدینی تورکمنشالی یئر آدلاری سیستمینده آراشدیرماق داها دوغرو دور. اونا گؤره ده تبریزی آذربایجان جوغرافی دیل موحیطینده آراشدیرماق لازیمدیر.

ادبیات

۱. مؤمنی، مصطفی، «تبریز»، دانشنامه جهان اسلام (جلد ششم)، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی
۲. یاقوت. معجم البلدان. صص. ج ۱ ص ۸۲۲.
۳. مینورسکی. تاریخ تبریز. صص. ۶.
۴. مینورسکی. تاریخ تبریز. صص. ۸۷.
۵. مجله یول، شماره ۱۷، سال ۱۳۷۰، ص ۲۱
۶. شاردن، ج ۲، ۱۳۳۵، ص ۴۱۴
۷. آذربایجان در سیر تاریخ ایران، رئیس نیا، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۰۲۴
۸. قاموس اعلام، استانبول، ۱۸۸۹، ج ۱، ص ۲۸
۹. برهان قاطع، خلف تبریزی، همان، ص ۲۳۲.

10. Tabriz, Encyclopaedia of Islam
11. Graham Wilson (1896), p.323
12. Backhouse Eastwick (1864), p. 327.
13. Tabriz, Encyclopædia Britannica
14. «Tabriz». Encyclopædia Britannica 2008
15. Backhouse Eastwick, Edward (1864). Journal of a Diplomat's. Smith, Elder and Co.
16. Graham Wilson, Samuel (1896). «Three Years' Residence in Persia». Persian Life and Customs. Oliphant, Anderson and Ferrier
17. Minorsky, V. , -[C.E. Bosworth]; Blair, Sheila S. . «Tabriz». Encyclopaedia of Islam (2nd Edition). Brill Academic Publishers .
18. Məhəmmədağı Zehtabi KİRİŞÇİ “ İran türklerinin əski tarixi .tebriz xəttər nəşriyyatı . 2003 . s 559

بیلمه میش، عربجه دانیشمیشدیر. او باخیمدان گرک همین شهره " یزیل الحمی " دئمک لازیم گلردی.

ایضاحی یازانلار بعضا موختلیف مارقلا خیدمت ائتدیکلریندن یوزوملاری دا اونا اویغونلاشدیرمیشلار. آنجاق نظره آلماق لازیمدیر کی، " تب//تو " -حرارت سؤزلری عرب سؤزلریدیر و داغان، داشدان آخان وولکان آخینتیسی آنلامیندا اولاراق سهندین پوسکوره سی نتیجه سینده همین لوانین تبریز دوزنگاهیندا سویوماسینا گؤره او حرارتی سؤندورن، سویودان " معناسیندا قبول ائتمک داها دوغرو اولار.

احتمال ائتمک اولار کی، شهره آد ائله بو خصوصیتینه گؤره وئریلمیشدیر. سهنددن آخان قاینار وولکان آخینتیسی نین تبریز دره سینه آخیب، اورادا سویوماسی پروتئسینی عکس ائتدیرن " حرارت سویودان، حرارت سالان ".

حاضیردا تبریز یاخینلیغیندا آینالی دئییلن مکان وار. اصلینده یئرین آدینی چوخ وخت یانلیش اولاراق عئینالی آدلاندیریرلار. بونون سببی وولکان لاواسیندا یئرین سطحینه چیخان پارلاق داشلارین ایستی نین تاثیریندن قیزارمیش تورپاقدا اوزاقدان پاریلداماسیدیر. (موللیف)

دیلمیمیزین جنوب دیالکتیکینه منسوب اولان تبریز شیوه سینده آ<ئ>، آ<ک> عوضلنمه لرینه اساسن، آلمان<لما> آینا<عینا> شکلینده تلفوظ ائدیلیلر. بونا گؤره ده همین جوغرافی آدین دوزگون تلفوظ شکلی " آینالی " اولمالیدیر، یعنی " پاریلدایان داغ " .

نتیجه:

نتیجه اولاراق اونو قئید ائده بیلریک کی، فارس دیلینده تورک منشالی یئر آدلاری نین ایضاحی، ائتیمولوگیاسی فاجیعوی شکیلده دیر. بیر چوخ توپونیملریمیزین ماهیتینه وارمادان، اونلاری فارسجا ترجمه ائده رک ایضاح ائتمه یه چالیشیرلار. بو دا نه علمی جهتن، نه ده اینسانلیق باخیمیندا دوغرو دئییل. مینلرجه بئله آدلاری نومونه گؤستره بیلریک. گلیسی-گلوسنگ؛ آتقیران-اسب کوشان؛ دمیچی-حدادان؛ آخما قایا - احمقییه؛ ساری قایا- ساریقییه و س. بو کیمی آدلاری فارس دیلینده معنالاندیریپ اؤز دیللرینه اویغونلاشدیرمیشلار. تبریز آدی دا تب-قیزدیرما؛ ریز-دوشورن شکلینده ایضاح

سوزوموز - شعیریمیز
SÖZÜMÜZ-ŞEİRİMİZ

سویله ین کلیبرلی آشیق صیاد جعفرزاده دیر



علی ایله رافینین دیشمه سی

آشیق صیاد: اوچ یوز آللی ایل بوندان قاباق کلیبرده مسجد جامعه نین قاباقیندا اوزامان کلیبر اهلی یخیشیر وعلینن رافینین سون دیشمه لرینه شاهد اولوب واونلاری دینلابیرلراوحاق کلاملار بونلاردی. رافیده علییه نچه ایل شاگرد لیک ائتمیشدیر بیر اختلافی بونلارین آراسینده. وجوده گلیر بواختلاف دیششمیه باعث اولور بوایکی سینین آراسنده اولان سوزلر عبارتدی بوندان اولجن رافی قاباقا دوشوب بئله سوروشور آلدی رافی.

رافى: (۱)

هائسی آلیف هر پیر ایشدن خیردار
هائسی پ دیرخالق ایچپینده هوونیدار
هائسی ت دیرسیککه سی وار چوهردار
هره پیریول توتوپ اولدو آشکار
علی: (۲)

آلف آلا هرپیر ایشدن خیردار

پ بسم آلا خالق ایچپینده هوونیدار
ت تاریخدی سیککه سی وار چوهردار
هره پیر یول توتوپ اولدو آشکار
رافى: (۳)

ننجه ت دیرایشی معتبریدی؟
ننجه جیم دیردو خسان دوققوز پیریدی؟
ننجه ح دیردورد اطرافى پورودی؟
هره پیر یول تاپیب ائله پیر اظهار
علی: (۴)

ت ثابت دیرایشی معتبریدی
جیم چیرائیل دوخسان دوققوز پیریدی
ح حقیقت دورد اطرافى پورودی
هره پیریول توتوپ ائله پیر اظهار
رافى: (۵)

ننجه خ دیرنه کیمسه ده اولمادی؟
ننجه دال دیریولدش قدرین پیلیمه دی؟
ننجه ذال دیربرابری اولمادی؟
اوندا یامان قالخدی عرشه آه زار
علی: (۶)

خ خیال دیرمهپودومدا اولمادی
دال دونیادی یولدش قدرین پیلیمه دی
ذال ذولفقار برابری اولمادی
چنگلرده قالخدی عرشه آه زار
رافى: (۷)

ننجه ر دیر غریپلیگه سالدیلا؟
ننجه ز دیر موشار ایله پئولدولر؟
ننجه سین دیر چادرلارین یولدولار؟
پیر لحظه ده ائله دیلر تارمار
علی: (۸)

ر رضا دیر غریپلیگه سالدیلا
ز زکریا موشار ایله پئولدولر
سین سلیمان چادرلارین یولدولار
پیر لحظه ده ائله دیلر تارمار
رافى: (۹)

ننجه شين دیر جمع ائله دی دقتی؛
 ننجه صاد دیر خاکه سالدی صغلی؛
 ننجه ضاد دیر آرخاسیندا زینهاری؛
 اونلارین اوزلری چتندن کنار

علی: (۱۰)

شین شکر دیر جمع ائله دی دقتی
 صاد صغردیر خاکه سالدی صغلی
 ضاد ضامین دیر آرخاسیندا زینهاری
 اونلارین اوزلری چتندن کنار

رافعی: (۱۱)

ننجه ط دیر پیش نمازی پورودی؛
 ننجه ظادیر کربلادا یئریدی؛
 ننجه عین دیر قاف داغینی اریدی؛
 اگر کی قویسایدی جلیل چتار

علی: (۱۲)

ط طوقودور پیش نمازی پورودی
 ظاظمودور کربلادا یئریدی
 عین علی دی قاف داغینی اریدی
 اگر کی قویسایدی جلیل چتار

رافعی: (۱۳)

ننجه غین دیر گردون ايله دولانی؛
 ننجه ف دیر هنج تپمادی اعلانی؛
 ننجه قاف دیر سنچر دوغرو یالانی؛
 اگر یالان اولسا ونره ر پیر فشار

علی: (۱۴)

غین پیر غول دور گردون ايله دولانی
 ف فرعون دور هنج تپمادی اعلانی
 قاف قرآن دیر سنچر دوغرو یالانی
 اگر یالان اولسا ونره ر پیر فشار

رافعی: (۱۵)

ننجه کاف دیر واجپ اولدی انسانا؛
 ننجه گاف دیر قاناد گردی جهانا؛
 ننجه میم دیر آل اوزالتدی آسمانا؛

گوردی پلند اولوپ اوردا آهی زار
 علی: (۱۶)

کاف کلمه دیر واجپ اولدی انسانا
 گاف گوندور کی قاناد گردی جهانا
 میم محمّد آل اوزالتدی آسمانا
 گوردو پلند اولوپ اوردا آهی زار
 رافعی: (۱۷)

ننجه نون دور یئددی داغی ایپیدیر؛
 ننجه و او دیر کلی عالم گورودیر؛
 ننجه ه دیر داد و فریاد قیلیدیر؛
 گورمه ییپیدیر اونو حی کیردیگار
 علی: (۱۸)

نون نمازدی یئددی داغی ایپیدیر
 و او واقعه کلی عالم گورودیر
 ه هاجردیر داد و فریاد قیلیدیر
 گورمه ییپیدی اونو حی کیردیگار
 رافعی: (۱۹)

ننجه لام الف لا دریا قورودی؛
 ننجه ی دیر ایکی گوزدن کورودی؛
 رافی دنیپر ازل کیمله وار ایدی؛
 آچدی گوزون گوردی همین روزیگار
 علی: (۲۰)

لام الف لا ناققا دریا قورودی
 ی یعقودور ایکی گوزدن کورودی
 علی ازل شاهی مردان وار ایدی
 آچدی گوزون گوردی همین روزیگار
 رافعی: (۲۱)

رافعی یم دورموشام مردانه پوگون
 باغلا ییپ اندرم پورادان سورگون
 سیننه نه چکرم مین داغی دوگون
 معجون تک اولارسان دیوانه علی
 علی: (۲۲)

علی یه کار انتم او رومو قنایصر
 کل عالم اولسا دوشمان سراسر

سنی سالام کلیپر دڼ در په در

گورنلر سئو په یو پیچاره راقی

(بویکی استادین سوزو بوردا سونه چاتیر بونلارا رحمت
سیزه جان ساغلیغی اینشالله خوش اولاسیز)

+++++

شاعیر آشیق صیاد جعفرزاده کلیر لی دن شعر لر

ائیلاجاق

دو نیا شیکار چیدی، شیکار چی کیمی

یارانانی بیر بیر، شیکار ائیلاجاق

تانری فرمانی نی، وئریب بئله سی

یارانانی بیر بیر شیکار ائیلاجاق

بو قرار قویولوب، بیلسن آزلدن

او گنچما جاق هئچ بیر، اولان گوزلدن

هر قدر سئو یلیق، شعر غزلدن

یارانانی بیر بیر، شیکار ائیلاجاق

قرار دئیل گلن، دونیا وار قالا

آرزوسون مظه بین، دونیا دان آلا

گرک آلینده کین، بیر زمان سالا

یارانانی بیر بیر، شیکار ائیلاجاق

صیاد گیلی لئمیر، فلک ایشیندن

گنچیریب چوخ شئیر، اینجی دیشیندن

باش چخمیر تانرینین، بوگردیشیندن

یارانانی بیر بیر شیکار ائیلاجاق

تهمت ائیلرم

کلیر مَسکنیم بیله سن شاعر

گلن قونا قیمه حرمت ائیلرم

حقیقتن کلام آلوب دلیمه

خوش دئییب دانوشوب صحبت ائیلرم

گنچمیش تاریخلردن اولو بابادن

مبارز انساندان حاق بیرصدان

مظلوم لاردا اولان آه و نوادن

مرداؤلوب گئندنه رحمت ائیلرم

کیم کیمین حاققینی باتورسا اگر

غیرتی شرفی آتورسا اگر

آراوروندوروب قاتورسا اگر

بئله نامردلره لعنت ائیلرم

من آشیق صیادام مردتک یاشارام

اینانما حد دیمدان جوشوب داشارام

علمدار یار اولسا منده جوشارام

حاق دانان، قانمازا تهمت ائیلرم

ائللر ائشیدسین

کهلیک نه قونموسن داشون اوستونه

اوخواوا زینی، ائلر ائشیدسین

ائله قاققیلداکی، اوجا سسینله

بولاق لو قیالی، چوللر ائشیدسین

دوزولسون بو یروزه، گوزل فرّه لر

آچیلسین، اوزوزه، باغدا برّه لر

یایلیق اوسته قیزیل، گولو سرّه لر

گوزل سسینیزی، گوللر ائشیدسین

خنّه زی یاخوبدور، بو پروردیگار

گزیرسین ائلری، دییاربه دییار

خوش حالینه کیمسه، اولور بختیار

باشی نیزده اولان، تئلر ائشیدسین

اوخویوبسین صیاد چالاندا سازی

سالیب سیز چوللره، خوشجه آوازی

گتیریب سسینیز، بهارله یازی

اوخورام شعریزی، ائلر ائشید سین

آلماسین

من آشیق صیادام کلیرلیم

سازیمله سوزومده چوخ هنرلیم

دوستومه آشنامه بیل ثمرلیم

دونیاوار دوستومو من انودمارام

جانیم جان ایستایب یانه آتمارام

نورلو اولسون روحی، جنت مکاندا
گوزل تانیریم اونا، رحمت ائيله سین

گوزل شاعرید، منطقه میزده
یاخشی تانییر دیز، دئییرم سیزده
حرمت ائیلییردیک، هرزامان بیزده
گوزل تانیریم اونا، رحمت ائيله سین

یارانانلار بیر گون، دوستوم گنده جاق
بیر یاخشولوق بیزدن، بیلسن قالاجاق
گناه کارلار گندیب، ناره یاناجاق
گوزل تانیریم اونا، رحمت ائيله سین

من شاعر صیّادام، حاققی سئویلرم
جانیم و فالیه، قربان ائیلرم
شاعر آهنییه، رحمت دئیلرم
گوزل تانیریم اونا، رحمت ائيله سین

اویکو – حکایه

زهره بادره (آنا)



گولدانا خانیمین ناغیلاری (یاشامین سهوی)

گولدانا خانیم قلمی دفترین کؤکسونده سوزولدوب
خیلی فیکره گئندن سونرا یازیلارینی
داواملاندیردی : ائلشن آقا ، من سنیلن

منیم کلیبریم، باغلی شهردیر
ذوغال گیرده کانی، هریندا سردیر
دوره سی داغ داشدیر، همده کی بردیر
کلیبری آله، مندن آلماسین
هئچ یانا معیلمی تانری سالماسین

کلیبری داغلار، آلوب آرایه
یابک قلاسی وار، بنزر سارایه
کلیبریم یئتر، هرواغت هرایه
کلیبری دئییم، کدر آلماسین
هئچ دیاردان اونی، دالی سالماسین

کلیبر ایراندا، شهر تُریدیر
نمره سی تانیردن بیله سن بیستدیر
هئچ زامان دئمه سن، کلیبر پیسدیر
دونیا سفاسی وار، بوکلیبرین
اونودماين قونشو، اولان آهرین

سایسیز بولاغی وار، همده اوایلای
نماسی گوزلدیر، بیرده یغناغی
بوستانینده واردیر نچه چارداغی
هسته سری واردیر، دیولیه دایاق
اولوب کلیبره، هرزامان سایاق

ارسبار مینجیوان بورادان گئچر
یاخشيله یامانی، عارفلر سئچر
گوموش بولاغیندان، چوخلر سواچر
تانیریم بودیاری، گوزدن سالماسین
وردوقو نعمتی، بیزدن آلماسین

رحمت ائيله سین

رحمتلیک مولانلی شاعر آهنی حاققینده یازان
آشیق صیّاد کلیبرلی دیر. اونون روحی شاد اولسون
اولادلارینه دوستلارینه وهم کندیلارینا جان
ساغلوکو اینشالله تانیریم اونا رحمت ائيله سین

واردی مولاندا، شاعر آهنی
گوزل تانیریم اونا، رحمت ائيله سین

دايايىب ، اۋزونه داغ تكى حيس ائله يىب ، اورە
گىنين تىپىپىلتى سسلنمە سىنى ائشىدىب ،
گۈزلىرىنى يوموب ، خيال قوشونو اۋنجه ائولنمك
گونلرىنە اوچورتدو. ار آرواد بىربىرلىرىنى
قوجاقلاريندا ، ائوھ كئچىپ ، گنج كىشى ،
قادىنىنىن قىزىل ياناغىندان بىر اۋپوش گۆتوروب ،
مطباخا سارى باخىب ، سبزی قورمانىن ايسىنى
بورنونا چكىب ، اوتاغا سارى گئتدى: تانرى دىيە
سن قادىنىم گئتىدىكى يولون سەھو اولماسىنى
آنلايىپدير . تانرى سەھو شوکور ، اونون سەھو
ايشىنىن قاباغىندا من دە سەھو، ائله مە دىم .
دوداقلارىنى بىربىرىنە ياپىشىدىرىپ ، دىلىنىن
آلتىندا مىزىلداندى : قبول ائلىرم كى ياشامدا
منىم دە سەھویم چوخ اولدو ، ويجدان دان اوزاقدىر
بوتون تقصيرلىرى يولداشىمىن بوینونا آتىپ ،
اۋزومو يويوب يارپوز اوستونه قويوم . قاشلارنى
بوزوب ، اورە گىندە دئدى : او بىلمە سە دە ، من
اۋزوم كى بىلىرم! بوغازىنداكى آغلاماغىن
دامجىسىنى اوتوب ، اوتاغا گىردى، سون. گوللانا
قلمىنى آستاجا ماسانىن اوستونه قويوب دفتىرىن
باغلايىپ ، تانرى نمنە اولاردى اينسان لار
آراسىندا ، ھركس اۋز سەھوینی گۆروب اۋزونو
دوزلدە بىلە ىدى ، دئدى.
"دويعولو گئجه لر" كىتابىندان



ويداعلاشماق اىستىرم ، من ايتىردىگىم يولومو
تاپمىشام ، سىنلن يولداشلىق ائلمە گىمە ،
اۋزومون سەھو اولان ايشىمدن ، سون درجە دە
نفرتە يئتىشمىشيم. سىن سۆزلىرىن اورە يىنلە بىر
دئىل ، اۋنجه دن ايكى اوزلو اينسانلاردان
اينىزىجارىم واردىر. سىزدن اىستىرە م كى ھمىشە
لىك منى اونوداسىز. تامام كلمە سىنى يازماقتان
يازىلارينا سون قويدو ،... گنج قادىنىن ، حيات
يولداشىنىن گلن واختى دىر ، كاغىذى دفتىرىن
آيىرىپ ، دۆرد قاتلىاندان سونرا : كئشكە بىر نفر
اولوردو بو مکتوبو اون ايچىن يئتىرىدى ، دئىپ ،
كشونو چكىب ايچىنە توللادى. گنج قادىن نچە
ساعاتى دىر موبول اوستوندا ائىلشيب گۆزلىرىنى
بىر نوقطە يە تىكىپ ، يئردن آيىرىلا بىلمىدى.
بىلىردى واخت گئچكىپ ، حيات يولداشىنىن
گلن واختى دىر. سانكى يئر مغناطىس تكى اونو
اۋزونه سانجىمىشدى. بىردن اۋزونه گلىپ ، چنە
سىنە دايدىغى قلمى ماسانىن اوستونه توللايىپ ،
يئرىندن تئزلىكچە قالخىپ ، گوزگو قاباغىناچاق
آددىملادى. گوزگو قاباغىندا دابانى اوستە داينىپ
بوتون بدننى يوخارى چكىپ درىن نفسىنى
ائشيكە بوراخىپ دئدى : كرگ تئزە دن ھر نمنە
نى دوزلدە م ، بئواخت دئىل ، يوخ بئواخت
دئىل. شوکور تانرىيا ، من ايچىن يئنه فورست
وئردى ، قويمادى حيات يولداشىم سەھو ايشىمى
بىلسىن ، تانرى اگر بىلسە ىدى، نمنە اولاجاغدى؟
اوزوندا يئر سالمىش دىرناغىنىن ايزىن ،
بارماقلارىنان سورتوب ، گوزلىرىنىن بىه گىنە
باخاندان سونرا ، مطباخا سارى گئتدى : بو گوندن
ياشامىما شىرىنلىق سالماليام. حيات يولداشى
پىللە كانى چىخاندا ، گنج قادىن قاپىنى اوزونه
آچىپ ، قوجاغىنى آچىپ اۋزون حيات
يولداشىنىن قوجاغىنا آتدى. باشىنى كۆكسونه

اکبر رضایي (سسيز) اردشير اوغلو

اونودولماز آتام و قارداشلاريم آدينا يازديغيم شعر
(که په نه ک (کپنک)



دردیمین درمانی تک ، سن یاییلیرسان جانیمما
داماریم روحوم ایچینده ، ائله جوولان کپنک

سیغماز البته کی سئوگیم ، ایکی دونیایه منیم
سن منیم سئوگیمه بیر آیت قرآن کپنک

قیرسادا هر سئویلن یا کی سئون ، پیمانین
سن ، او خالیقله منیم ، سئوگیمه پییمان ، کپنک

هر گؤروشدن آلیرام ، روحیله جانین نفّسین
سنسيز اولدوقجا دولور ، گؤز لریمه قان ، کپنک

ای منیم درد لریمین درمانی ، گل دور یانیمما
سن نفّس سن منه ، دولدور منی هر آن ، کپنک

لوتف ائدیسن منه ، رویون گؤرونوب گؤز لریمه
داغیدیر قلبیمی هر آن ، غمی پونهان کپنک

گل بو چؤل لرده محبتله ، منیم دویغومو دوی
بیر ساریل بوینوما سن ، اول منه جانان کپنک

هئی قاچیرسان ، گلیرم من سنین آر خانجا هر آن
بیر دایان ، قوی ساریلیم بوینونا بیر آن کپنک

حق ییلیر کؤنلومون عشقین کی ، محبت باغی دیر
گل بو سئوگیمده منی ، ائتمه پریشان ، کپنک

سن قاچیب بوردان اورا ، ائدیرسن آواره منی
سئوگی قویماز کی منی ، سیندیرا هیجران ، کپنک

دویغولار سینسادا ، سئوگیم یاشادار بیل کی منی
اینجیمز قلبیم اینان ، جور و جفادان کپنک

سندن اؤزگه ، منیم اولماز کی سئویلیمده پاییم
بیر دوشون سنده منی ، سن منی بیر قان کپنک

من مرام اهلی لرین ، ساده جه بیر وورغونویام
«سسيز»م ، تکجه بودور منده کی نقصان ، کپنک

گئیینیسن بویالارلا ، سن آل الوان ، کپنک
ایپک اینجه ، او قانادلارینا قوربان ، کپنک

ذووق آتیرسان چمنه ، چؤل لره سن هر بیر آنی
اولوب عالم و هر اینسان ، سنه حییران کپنک

گول لرین کئیفینی بیر بیر ، سوروسان یاد ائدین
سئوگی دن باده نی دولدور موسان آسان ، کپنک

چالینیر شانینه چؤل لرده توتک ، نئی ، بالابان
سن سئویرسن ، چوبان اولسون یادا سولتان کپنک

یئل ووروب سیندیرا شاید ، او نزیک بال و پری
او ظرافت ائدیر هر خسته نی درمان ، کپنک

سن حیات ایچره محبت باغی نین ، بیر گولوسن
قالاجاقسان ، سنی گر وورسادا توفان ، کپنک

سنسيز آسوده یاشارسامدا ، گؤزه للیکسيز اولور
ایستیرم سن اولاسان ، کؤنلومه مئهمان ، کپنک

گئجه لر جوشه گلیر ، دویغولاریم ، آغلاییرام
سنی سنسيز یاشاماق ، ائيله بیر افغان ، کپنک

دونیانین درد و غمیله دؤزه رم ، من یاشارام
سنسيز آما یاشاماق ، اولموری آسان ، کپنک

صیاد زیادپور یولچولوغوم



پیری دم حۇکم ۇیم ۇش پیری غم حۇکم ۇ
هر اۇزۇن آیریچا سۇزۇ اولورموش

من هارا طالعین خوش اۇزۇ هارا!
سوتا دک منیمله یول پیر اولمادی
قیز آیریلدی باشقا عنوانا وارا
نه دۇشەرکه نه ده، یول، پیر اولمادی!

قیز پیر آزدلی یددی پیر آزد دا مغرور
سۇن قویوب هر نه یه تنر ویدالاشدی
ایندی اوغولسان سا آياق اوسته دور
انله پیل اوستمه آغیر داغ آشدی

سیخیلیپ_ آچیلیپ قارمون سایاغی
قلیم اینله دیکچه اینلیدی اۇگۇن
اولمادی اۇزۇمۇن اۇزۇگه دایاغی
اۇزۇم اۇزۇ ناله می دینلیدی اۇگۇن

ئنیله یه پیلردیم؛ کیریپ آخیر
گلدییم یوللاری گنری قایتدییم
یول بویو چوخ شئی لر اورتیا چیخیر
آنجاق کی اۇلمه دیم دیری قایتدییم

یارامیر یادلارین یاری_ یاراغی
من اۇزۇ فزرتیمین سۇز صیادییام
هاردان آلیم چمه منیلی ماراغی؛
داها نه سۇز نه ده قیز صیادییام!



هردن یولچولوقدان یورولور آدم
اۇنۇنده ایلان تگ قیوریلیر یوللار
هردن ده گنتدیکچه دورولور آدم
آیاقلاری آلتدا قۇورولور یوللار

من ده پیر آدامم آداملار کیمی
اۇزۇم اۇچۇن کۇچ_ دۇش ائتمه ییم اولور
چانتاما چینله ییپ شئعیر یۇگۇم
شهردن شهره گنتمه ییم اولور

آنا پیر شهر وار تیریندیر آدی
تنر_ تنر قوچاغینا وارماغیم گلیر
چوخ ینری دولاندیم تیرین اولمادی
تیرینه واراند اروحوم دینچلیر

تیرینه تیرینلی قیزلا تانیشیپ
کافی شاپا گنتدیک باغ قاباغیندان
اۇز_ اۇزه، کۇز_ کۇزه، دنیپ_ دانیشیپ
سنگی حیسیسی پولدوم یولون آغیندان

تکجه دانیشیقلا اولمازدی آخی
نوغوللو_ ناپاتلی پیر چای دا ایچدیک
غیبطه یندی پیره باخانین چوخو
یۇز شیرینی شیرین، پیر چایدا ایچدیک

دئمه طالعین ده، قارا پول کیمی
ایکی یار_ یازیلی اۇزۇ اولورموش

دور اوزاق / دورتر اگر باشد ایراق می‌گوییم عضو
 پایه بدن را آیاق / عضو داخل بدن را دالاق
 می‌گوییم گلاب به رویت تهوع را قوساق / هرچه
 ممنوع شود اگر یاساق می‌گوییم اندکی قبل را
 بیرآز قاباق / قبل‌تر را ولی بایاق می‌گوییم کلاف و
 نخ تویی را یوماق / چاشنی غذا را سوماق
 می‌گوییم آغوش گرم و صمیمی را قوجاق / خود
 گرما را سیجاق می‌گوییم نام و نشان کردن کسی
 را آداق / آزمودنش را ولی سیناق می‌گوییم درک
 و فهم آدمی را قاناق / کاسه غذا را چاناق
 می‌گوییم کودک و بچه را گاهی اوشاق /
 چوبدستی را ولی چوماق می‌گوییم خر بارکش را
 ائششک و اولاق / زین و چرم اسب را یاراق
 می‌گوییم تکیه‌گاه و حامی را دایاق / روش و
 سبک و راه را سایاق می‌گوییم کلاه‌خود و
 سرپوش را پاپاق / شانه‌ی موی سر را داراق
 می‌گوییم تخت‌خواب شبانه را یاتاق /
 روشنی‌بخش شب را چیراق می‌گوییم گوشه و
 جای دنج را بوجاق / گوشه و کنار چیزی را قیراق
 می‌گوییم ایستگاه نقلیات را دوراق / پرس‌وجوی
 نشانی را سوراق می‌گوییم لب‌ولوچه انسان را
 دوداق / گوش شنوایش را ولی قولاق می‌گوییم
 شخص بسیار ابله و گیج را مایماق / کنجکاو را
 ماراق می‌گوییم درب و درپوش ظرف را قاپاق /
 آتش زیر آن را اوجاق می‌گوییم شیرمرد دلیر را
 قوچاق / چاقوی تیز را پیچاق می‌گوییم خانه‌های
 کوچکِ سرا را اوتاق / بخش انباریش را قلاق
 می‌گوییم تله و دام تورکی را دوزاق / میهمان
 خانه را قوناق می‌گوییم برگ درخت را یاپراق /
 پرچم کشور را بایراق می‌گوییم. از میان نامه‌های
 دریافتی لطفاً بفرست برای کسانی‌که هنوز قدرت
 زبان مادری خود ترکی، یعنی شاهکار بشریت را
 نشناخته‌اند.

QƏNDAB SADIQ

İnsanmı deyirlər eşqə giriftar olana,
 Ya aşiqi xəstə edib səbəbkar olana.

Bənzər olur həsrət çəkən qəlbi bəndənin
 Xərabə olub külli solan gülzar olana.

Bunca vəsflərin ardında seçilən tək şey
 Gedib dost bilir özünü zəhrimar olana.

Ol nə işdir ki tapmıram bu əzəl ələmdə
 Rast gəlmirəm dərdimə qəmxar olana.

Hər lisanda açan bir xoş söz ilə dəvət edə
 Ola könlümə hasar qapısı güldən xar olana.

Vəslini arzulamaqdır çətinlik bu zəmanədə
 Alqış edibən hər ağ saçı yarına yar olana.

Çün əvvəldən gəlib bir belə adət-ənənə
 Geniş düzlərdə ömrü-səfası dar olana.

Bir gözələ Leyla deyir indi bütün dövrü-cahan
 Dəli qoydular ismini Məcnuntək dildar olana.

Sadiq, əzəl dövrəndə icazət olmadı yaz bunu
 İndi dastan danışirlər eşqindən bimar olana.

شاهکار زبان ترکی

با زبان ترکی، شاهکار بشریت از لحاظ زبانی، مادر
 زبانها، بیشتر آشنا شویم: ما کدو را قاباق / خاک
 را توپراق می‌گوییم خشکسالی را اگر قوراق /
 سرمای سخت را سازاق می‌گوییم شاخه درختان
 را بوداق / سنبل گندم را باشاق می‌گوییم وصله را
 یاماق / پیراهن کلفت را قازاق می‌گوییم هر وسیله
 پرواز را اوچاق / هر وثیقه ممنوع را قاجاق
 می‌گوییم داس قوسی‌شکل را اگر اوراق / قوس
 رنگین‌کمان را قوشاق می‌گوییم بر مسافت‌های



کاربرد زبان ترکی در ایران

زبان رسمی و یا دولتی، زبانی است که از سوی یک دولت بدان موقعیت قانونی ویژه ای مانند کاربرد در امور اداری، مجلس قانونگذاری، سیستم قضائی یک کشور و ... اعطا شده باشد.

این تعریف هرچند مربوط به عصر حاضر است اما با دقت و صحت کافی می تواند در باره زبانهای دولتی در تاریخ نیز بکار برده شود. به گواهی هزاران سند و مدرک تاریخی، زبان ترکی اقلاً در یک هزار سال اخیر – در برخی دوره ها به همراه فارسی و اغلب بدون آن – یکی از زبانهای رسمی و دولتی دولتهای تورکی حاکم بر اراضی ایران امروزی بوده و در صدور فرمانها، مکاتبات نهادهای گوناگون دولتی، انتشارات و اسناد و مدارک رسمی دولتی، دیپلماسی بین المللی و ارتباطات دیپلماتیک خارجی، مناسبات رسمی بین سران دولتها، چاپ اسکناس ها و ضرب سکه و ... بکار رفته است. برخی از این دولت ها عبارتند از دولت بستان (ویستهام)، بنی ساج، سالاریان (کنگریان)، سیمجوریان، سبکری، قاراتگینی، غزنویان (سبک تکیینی)، خوارزمشاهیان (انوش تکیینی)، سلجوقیان کبیر، سلجوقیان خراسان، سلجوقیان کرمان (آل قاورد)، سلجوقیان اصفهان، سلجوقیان لرستان (برسقیان)، سلجوقیان همدان-آذربایجان، سلجوقیان عراق-آذربایجان، شوملا (شمله) افشار-عربستان (خوزستان)، قتلخ خانیان کرمان (قاراخیلتای)، آق سنقریان (احمد یلیان)، اتابکان آذربایجان (ایلدنیزیان)، آل پیشگین، اتابکان فارس (سالغوریان)، اتابکان یزد، ایلخانیان (هلاکوئیان)، جلاپریان (ایلکانیان)، چوپانیان (آل سلدوز)، ارغون شاهیان، اینجویان (آل مظفر)، تیموریان (کورکانیان)، تیموریان خراسان (دوغاتیموریان)، تیموریان اصفهان، شیروانشاهان (میرانشاهان)، قارااقویونلوها (بارانلوها)، آغ قویونلوها (بایندریه)، صفویه (قزلباشیه)، افشاریان، خانات آذربایجان (افشار-اورمیه، کنگرلو-ماکو، بیگلر بیگی-تبریز، بدیر اوغلو-اردبیل، دنبلی-خوی، شقاقی-سراب، گرگر، نمین،

خیابو، قاراداغ، مراغه، ...)، قاجاریان و حکومت ملی آذربایجان.

زبان ترکی، زبان رسمی دربار، سلاطین و هیئت حاکمه:

مهمترین مصداق رسمی و دولتی بودن یک زبان، کاربرد آن از سوی هیئت حاکمه و در گذشته سلاطین و دربار است. در متون تاریخی بیشماری به کاربرد زبان ترکی به عنوان زبان سلاطین و دربار و هیئت حاکمه در دوره اسلامی ایران و در برخی از موارد پیش از آن اشاره شده است.

این کاربرد به تنهایی برای اثبات رسمی بودن زبان ترکی در عهد این دولتها کافی است. در این دوره ها زبان کاری سلاطین و پادشاهان ترک، ترکی بوده است و بسیاری از آنها مانند سلطان سنجر اصلاً فارسی نمی دانسته اند و یا مانند ناصرالدین شاه به سختی به آن تکلم می کرده اند.

نخستین نمونه حضور زبان ترکی به عنوان زبان رسمی و دولتی درباریان و شاهان در دربارهای دولتهای حاکم بر اراضی ایران مربوط به عهد دولت ساسانی و دوره هرمز چهارم ملقب به ترکزاد، نوه خاقان دولت گوک تورک ایستمی خان می باشد و اوج آن مربوط به دوره صفوی است.

در دوره صفوی ترکی، زبان دولتی و رسمی این دولت بود. شاهان، سران دولت و افسران عالی رتبه نظامی قزلباشان در دربار و ارتش، چه در تبریز، چه در قزوین و چه در اصفهان به ترکی سخن می گفتند. دولت بکلی تحت حاکمیت ترکان قرار داشت و سران دولت همه ترک بودند.

آخرین نمونه ها مربوط به دوره قاجار است. در دوره قاجار نیز زبان ترکی، زبان دربار و سلاطین و ولیعهد و بنابر این زبانی رسمی و دولتی بود. ترکی که زبان آریستوکراسی و اعیان و اشراف تلقی می شد، مورد علاقه و توجه توده مردم غیر ترک نیز بود.

زبان ترکی، زبان رسمی ارتش و نیروهای مسلح:

پس از دربار، نهاد دیگری که همواره بر حضور و کاربرد زبان ترکی به عنوان زبان انحصاری آن در تاریخ دولتهای ترکی حاکم بر ایران اشاره می شود، ارتش و نیروهای مسلح است. زبان ترکی از دیر باز زبان ارتشهای ایران بوده است. مانند دربار، در این نیروهای مسلح و ارتش نیز

بلکه پادشاهان روسیه و مجارستان و اتریش و لهستان و ... را نیز در بر می گرفته است.

زبان ترکی در روابط سیاسی خارجی:

در تاریخ دولتهای ترکی ایران، زبان ترکی به عنوان زبان رسمی در روابط سیاسی خارجی این دولتها نیز بکار رفته است. کاربرد زبان ترکی به عنوان زبان رسمی سران دولتها و بویژه شاهان در روابط خارجی و دیدار با شاهان و سران دولتهای دیگر، نه تنها در همه دولتهای ترکی حاکم بر ایران دیده می شود، حتی در دوره دولت پهلوی نیز شایع بوده است. چنانچه رضاخان در دیدار رسمی با آتاترک طی سفر خود به ترکیه، به زبان ترکی سلیس صحبت کرده است.

همچنین در طول تاریخ، بسیاری از سفرای دولتهای ترکی ایران نیز صرفاً زبان ترکی را که زبانی رسمی و دولتی بود می دانسته اند و در روابط خارجی بکار می بردند.

به عنوان مثال موسی بیگ سفیر شاه عباس صفوی در هند جز زبان ترکی نمی دانست.

محمد رضا بیگ سفیر ایران در پاریس (۱۷۱۵) نیز زبان فارسی را بلد نبود.

زبان ترکی در ثبت عهدنامه های بین دولتها:

کاربرد زبان ترکی به عنوان زبان روابط خارجی، محدود به ارتباطات شفاهی نبوده بلکه عرصه دیپلماسی مکتوب و ثبت عهدنامه ها را نیز شامل می شده است. به عنوان مثال متن پیمان قصر شیرین منعقد با دولت عثمانی در سال ۱۵۳۹ تنها به زبان ترکی نوشته شده است.

زبان ترکی، زبان رسمی در صدور فرامین داخلی:

یکی از مهمترین مصادیق کاربرد زبان ترکی به عنوان زبان رسمی و دولتی در امور اداری، استفاده از آن در صدور فرامین داخلی است. نمونه های متعدد اینگونه فرامین ترکی در موزه ها و کتابخانه های جهان پراکنده است. به عنوان مثال فرمان شاه اسماعیل (۱۵۲۴-۱۵۰۲) و امان نامه شاه عباس دوم صفوی (۱۶۶۶-۱۶۴۲) به منوچهرخان بیگلربیگی شیروان، هر دو به زبان ترکی آذربایجانی.

سکه ها و اسکناسها، گواه دولتی بودن زبان ترکی در ایران:

از مهمترین عرصه های دولتی بودن زبان ترکی در تاریخ ایران، کاربرد آن در اسناد رسمی دولتی و در راس آنها سکه ها و اسکناسها است. نوشته های تورکی بسیار پیشتر از آنکه نخستین کلمات فارسی بر پولها ظاهر شوند، بر پولهای دولتهای تورکی و ترکی آذربایجانی حاکم بر اراضی ایران امروزی بکار

کاربرد زبان ترکی منحصر به دوره بعد از اسلام و دوره حاکمیت ترکان بر ایران نبوده به پیش از آن و دولتهای غیر ترکی نیز بر می گردد.

از نخستین نمونه های کاربرد زبان ترکی در ارتش، نمونه پادشاه ساسانی بهرام گور فرزند یزدگرد یکم که در سال ۴۲۰ میلادی بر تخت پادشاهی نشست می باشد.

در تاریخ زین الاخبار یا تاریخ گردیزی که بیش از یک هزار سال قبل و در سال ۴۴۴ هجری قمری تألیف شده، چنین گفته می شود:

“بهرام گور به هر زبان سخن گفتی، به وقت چوگان زدن، پهلوی گفتی و اندر حربگاه، ترکی و اندر مجلس، با عامه دری گفتی، ...”

آخرین نمونه ها مربوط به دوره احمد شاه قاجار است. چنانچه سرلشگر عبدالله خان امیر طهماسبی فرمانده گارد قزاق محافظان احمدشاه و والی نظامی ایالت آذربایجان، نطق ها و گزارشات نظامی خود به پادشاه را به ترکی به عرض می رسانید.

زبان ترکی در مکاتبات دیپلماتیک خارجی:

زبان ترکی در دوره های گوناگون به عنوان زبان رسمی و دولتی در مکاتبات دیپلماتیک خارجی نیز به کار رفته است.

مشهورترین اینگونه مکاتبات، مکتوبات ترکی سلاطین صفوی به پادشاهان کشورهای اروپائی است که در موزه های گوناگون جهان نگهداری می شوند. از این دسته است نامه شاه تهماسب اول (۱۵۷۶-۱۵۲۳) به امپراتور عثمانی سلطان سلیم (۱۵۷۳-۱۵۶۶)، نامه صفی شاه اول صفوی (۱۶۴۲-۱۶۲۸) به امپراتور اتریش و پادشاه مجارستان فردیناند دوم و نامه حسین شاه صفوی (۱۷۲۲-۱۶۹۴) به دوک ساکسون و پادشاه لهستان فردریک اوگوست نعل شکن، هر سه به زبان ترکی آذربایجانی.

در این دوره برای نگارش دیوانی ترکی اداره و کارمندان ویژه ای اختصاص داده شده بود. زبان دولتی ترکی، فارغ از موقعیت جغرافیایی پایتخت امپراتوری ترکی - ترکی آذربایجانی صفوی، هم در آذربایجان (تبریز و قزوین) و هم در فارسستان (اصفهان) بکار می رفته است.

کاربرد رسمی زبان ترکی محدود به عرصه خاصی نبوده و دایره گسترده ای از احکام و فرامین و مکاتیب و مراسلات دیپلماتیک تا امان نامه را شامل می شده است.

طیف مخاطبان نه تنها شامل مقامات ایرانی و مردم ایران (که زبان ملی اکثرشان ترکی بود) و یا سلطان عثمانی و دیگر سلاطین تورک هم زبان و هم تبار و هم دین بوده،

یکی دیگر از مصادیق رسمی و دولتی بودن زبان ترکی در تاریخ ایران، کاربرد آن در یادمانهای تاریخی برپا شده توسط دولتهای ترکی حاکم بر ایران و سلاطین و مقامات این دول ترکی است. دو نمونه مهم از اینگونه یادمانهای دولتی با متون ترکی، سردر حرم امام علی در نجف عراق و سنگ نوشته معروف به کتیبه نادری و یا کتیبه کلات در ایران است. این دو یادمان به امر نادرشاه افشار و با اشعار ترکی برپا گردیده اند.

زبان ترکی، زبان رسمی نهاد دولتی ملک الشعرائی:

در گذشته ملک الشعرائی مقامی رسمی و دولتی بود و از سوی پادشاه اعطا می شد. زبانی که ملک الشعراها در سرودن اشعار خود از آن استفاده می کردند، زبان رسمی و دولتی دولت مذکور بوده و سروده های آنها نیز دارای ارج و منزلت اسناد رسمی بوده است.

زبان ترکی - در برخی مقاطع حتی به تنهایی - زبانی رسمی نهاد ملک الشعرائی در دولتهای ترکی بوده است. به عنوان نمونه در دوره شاه اسماعیل صفوی، حبیبی شاعر ترکی سرای معروف متولد برگشاد، ملک الشعرا دربار امپراتوری صفوی بود و شعری به فارسی از او در دست نیست. این بدان معنی است که در عهد وی، ترکی یگانه زبان رسمی و دولتی دولت صفوی بوده است.

در برخی موارد نیز همزمان دو منصب ملک الشعرائی یکی برای ترکی و دیگری برای زبان دیگری مانند فارسی وجود داشته است.

به عنوان مثال تاثیر تبریزی، ملک الشعرا در دوره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین، دارای منصب ملک الشعرائی ترکی بوده است (از سروده های رسمی وی: قصیده ترکی در مدح شاه سلیمان الصفوی، قصیده ترکی به مناسبت جلوس به تخت شاه سلطان حسین الموسوی، ترجیع بند ترکی، مثنوی ترکی عید سروده شده به امر پادشاه، غزل ترکی به مناسبت تشریف فرمائی شاهزاده سلطان اکبر ایبن اورنگ زیب)

زبان ترکی، در مراسم مذهبی دولتی:

زبان ترکی از سوی دولتهای حاکم بر ایران به عنوان زبان رسمی آئین ها، مراسم و تبلیغات دینی دولتی نیز بکار رفته است.

کاربرد زبان ترکی به عنوان زبان دولتی دینی حتی پس از سقوط دولت قاجار و در اوان دوره پهلوی نیز ادامه داشته است. چنانچه در منابع تاریخی شرکت رضاخان (سرادر سپه) در مراسم عزاداری عاشورا در مسجد ترکان (مسجد شیخ عبدالحسین) و خواندن نوحه ترکی توسط وی ثبت شده است.

رفته اند. کاربرد زبان فارسی بر سکه ها در اراضی ایران امروزی، پدیده ای نسبتاً جدید بوده و مربوط به قرن شانزده در عصر صفویان و حمله اشرف افغان به فارسستان آنهم در فرم شعر است.

پیشتر از آن و بر خلاف زبان ترکی، زبان فارسی هرگز بر سکه ها بکار نرفته بود. قریب به تمام دولتهای تورکی حاکم بر آذربایجان و ایران امروزی، زبان، کلمات، عبارات و نوشته های تورکی را در پولها (سکه ها، اسکناس ها)، مهرها، طغراها، توقیعات، فرمانها، نامه ها و دیگر اسناد رسمی دولت خویش بکار برده اند.

خطوط بکار برده شده در ثبت این نوشتجات تورکی، عربی، اویغوری، چینی حتی رونیک گوک تورک بوده است. به عنوان نمونه دور تا دور نخستین اسکناسها و یا چاوهای تورک عباراتی به خط تورکی ختائی و یا اویغوری درج شده است. بر سکه های سلسله های مغولی تورک، عباراتی تورکی مانند "قوتلوق بولسون" (مبارک باد) چاپ شده است.

بر سکه های چنگیزخان عبارت ترکی "قاآن العادیل، چنگیز خان ینگ یارلیغی" (حکم شاهنشاه عادل، چنگیز شاه) دیده می شود.

نمونه دیگر اسکناس چرمی نادرشاه افشار است که بر آن جمله کوتاه ترکی "دئمه گوْتور" نوشته شده بود.

جمهوری (حکومت ملی) آذربایجان تاسیس شده در سالهای جنگ جهانی دوم، نخستین دولت تورکی و ترکی آذربایجانی در ایران و آذربایجان جنوبی است که اسکناس های ملی و دیگر اسناد دولتی خود را منحصر به زبان ترکی چاپ و نشر کرده است.

زبان ترکی، زبان رسمی قورولتایها (مجالس مشورتی):

کاربرد زبان ترکی در قورولتایها، نهادهایی که معادل مجلسهای موسسین و شاید قانون گذاری معاصر اند، یکی دیگر از عرصه های کاربرد این زبان به عنوان زبانی رسمی و دولتی در ایران است.

اسناد و مدارک تاریخی موجود نشان می دهند که در همه قورولتایهای دولتهای ترکی حاکم بر ایران، زبان بکار برده شده زبان ترکی بوده است.

برجسته ترین نمونه، قورولتای موغان در دوره نادر شاه افشار است.

زبان رسمی این قورولتای ترکی بوده و خود نادرشاه نیز با همه مدعوین و مهمانان داخلی و خارجی، صرفاً به ترکی صحبت کرده است.

زبان ترکی، زبان یادمانهای تاریخی:

Xudafərin



Türkcə - Farsca

TEMUZ- Ağustos 2021- İL 19- SAY 196-(ƏLMI-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRÇİ)

WWW.KHUDAFARIN.IR

KƏLEYBƏRLİ AŞIQ ƏLİ 350 İL ÖNCƏ

